

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: گرامر زبان ترکی قشقایی

نام نویسنده: وحید معین فر، عماد صفر تر نژاد

تعداد صفحات: ۲۵۹ صفحه

تاریخ انتشار: شهریور سال ۱۳۹۸



کافئین بوکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کرامر زبان ترکی قشقایی

نویسندگان:

وحید معینی فر - عماد حضرتی نژاد

انتشارات شواتیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سرشناسه	معینی فر، وحید، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور	گرامر زبان ترکی قشقایی / وحید معینی فر، عماد حضرتی نژاد.
مشخصات نشر	شیراز: نشر شواتیر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۲۲ ص: جدول .
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۹-۰۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
موضوع	زبان ترکی قشقایی -- دستور
موضوع	Qashqa'i language -- Grammar
موضوع	زبان ترکی قشقایی
موضوع	Qashqa'i language
شناسه افزوده	حضرتی نژاد، عماد، ۱۳۶۶-
رده‌بندی کنگره	۴۵PL
رده‌بندی دیویی	۳۶۱/۴۹۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۴۳۹۷۵



انتشارات شواتیر

گرامر زبان ترکی قشقایی

نوبت و سال چاپ: اول، شهریور ماه ۱۳۹۸ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ویراستار و صفحه‌آرا: وحید معینی فر

طراح جلد: وحید معینی فر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۹-۰۱-۲

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

مرکز نشر: شیراز، بولوار کریم خان زند، نبش خیام، ساختمان منتخب ۵۶. تلفن: ۰۹۱۷۱۱۶۹۰۳۸.

E-mail: shivatirmashr@yahoo.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مقدمه

زبان ترکی قشقایی یکی از شاخه‌های زبان ترکی است که بواسطه‌ی مردم قشقایی در جنوب و جنوب غرب و نواحی مرکزی ایران تکلم می‌شود. این زبان نیز مانند زبان‌های غیرفارسی، بیشتر از آنکه به شکل نوشتاری خود استفاده گردد، در محاوره‌ی افراد رایج شده است و همین امر باعث اضمحلال تدریجی ساختار و گرامر آن شده است.

با این حال از حدود دو سال پیش با تشویق‌های استاد گرانقدرمان «شب‌نم دیلچین» و یاری دیگر اساتید زبان ترکی برآن شدیم گرامر زبان ترکی قشقایی را هرچند ناقص، به رشته‌ی تحریر درآوریم.

مثال‌های کتاب تا آنجا که مقدور بوده از گفتار روزانه، ضرب‌المثل‌ها و کتب گذشته‌ی قشقایی بوده است. همچنین برای درک آسان تلفظ کلمات، مثالها و جمله‌های کتاب به رسم‌الخط لاتین ارائه شده است.

با این حال این جانبان خوشحال خواهیم شد که اشتباهات ما و نظرات ارزشمند خود را با ما به طریق ایمیل به اشتراک بگذارید.

vmoeinifar@ankara.edu.tr

Hazratiemad@gmail.com

وحید معینی‌فر

عماد حضرتی‌نژاد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	مقدمه
۷	فصل اول: کلیاتی درباره‌ی زبان و خاستگاه ترکان
۱۷	فصل دوم: الفبا و قوانین صوت
۲۷	فصل سوم: اسم‌ها و صفات
۶۷	فصل چهارم: افعال (ایلم‌لر)
۱۳۹	فصل پنجم: پسوندها
۱۷۹	فصل ششم: نحو
۱۹۹	فصل هفتم: آیین نگارش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل اول: کلیاتی درباره‌ی زبان و خاستگاه ترکان



در این کره‌ی خاکی زبانشناسان تخمین می‌زنند که بیش از پنج هزار زبان وجود دارد و در بین این زبان‌ها، زبان‌هایی هستند که از نظر تعدد متکلمین و اهمیت تاریخی کنگره‌دارتر از دیگر زبان‌ها هستند. زبان ترکی یکی از زبان‌های زنده و پویاست که همواره به دلیل کثرت متکلمین در ایران و به طور کل در جهان، از اهمیت خاصی در معادلات سیاسی و تاریخی برخوردار بوده است.

به عنوان زبان دول نیز، ترکی جایگاه ممتازی دارد. زبان شناسان معتقدند از بین بیش از پنج هزار زبان دنیا فقط صد و هجده تایی آن، زبان دولت‌ها گشته است که در رأس آنها زبان ترکی قرار دارد. حتی اگر زبان سومری را که برخی مورخان آن را از ریشه‌ی زبان ترکی دانسته‌اند را به حساب نیاوریم، قرن‌ها قبل از میلاد مسیح زبان دولت‌هایی چون دولت هون، ترکی بوده است. قبل از آنکه ورود کنیم به بحث گرامر ترکی قشقایی، دانستن اطلاعاتی کلی راجع به مردمان ترک خالی از فایده نبوده و اهمیت فراگیری آن را از منظری در ذهن ما مستحکم‌تر خواهد کرد. در حالت کلی می‌توان ترکان امروزی را بر اساس محل زندگی به دو گروه اصلی غربی و شرقی تقسیم کرد گروه غربی شامل مردم ترک جنوب غرب اروپا و جنوب غرب آسیا ساکن ترکیه و ترکان ایران هستند. گروه شرقی شامل مردم ترک آسیای مرکزی، قزاقستان، و منطقه خودمختار اویغور در سین کیانگ چین هستند. به لحاظ زبانی نیز شاخه‌های زبان‌های ترکان غربی به هم شبیه‌تر هستند و بطبع نیز شرقی‌ها زبانی نزدیک‌تر به هم دارند. اما این به این معنا نیست که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ترکی شرقی و غربی بسیار دور از هم باشند. بیشتر کلمه‌های اصلی و مادر در زبان ترکی مشترک بوده و تنها کلماتی که در قرن اخیر و بر اثر حصول تحولات علمی و پیشرفت‌های تمدن بشر در زبان‌ها نفوذ کرده‌اند باعث برخی تفاوت‌ها شده‌اند.

جایگاه زبان ترکی در بین زبان‌های جهان:

زبان‌های جهان را از دو دیدگاه کلی میتوان کلاس‌بندی نمود:

۱. وابسته به فرمت و گونه (گونه شناسی)

۲. وابسته به منبع، خویشاوندی (زادگانی)

۱. وابسته به فرمت و گونه (گونه شناسی)

زبان‌های جهان از این حیث به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف) زبان‌های ابتدایی یا ساده:

عموماً کلمات در اینگونه زبان‌ها تک‌هجایی هستند و شکل زبانی آن‌ها در حالات ابتدایی باقی مانده است، که به آن‌ها زبان‌های تک‌هجایی نیز گفته می‌شود. زبان‌های چین، ویتنام، آفریقا و مانند اینها از این دسته‌اند. در این زبان‌ها یک واژه با توجه به نوع کاربرد در جمله و لحن و صوت می‌توانند بیش از ده‌ها معنی نیز داشته باشند.

ب) زبان‌های التصاقی (پیوندی):

در این نوع زبان‌ها که قدرت زیادی در واژه‌سازی دارند، با تولید واژه‌ی جدید، ریشه‌ی واژه تغییر پیدا نمی‌کند. ریشه‌ی کلمات، غیر قابل تغییر بوده و با گرفتن پسوندهای متفاوت مفاهیم جدید و در واقع واژه‌های جدید از آن مشتق می‌شوند. به این دلیل به این دسته زبان‌ها، زبان‌های ترکیبی نیز گفته می‌شود که زبان ترکی نمونه‌ای از این زبانهاست.

در زبان ترکی با اضافه کردن پسوند به ریشه می‌توان هزاران واژه جدید ساخت. به همین سبب زبان ترکی یکی از قدرتمندترین و قانون‌مندترین زبان‌ها در واژه سازی محسوب می‌شود. برای مثال به نمونه‌های زیر با پسوندهای مختلف دقت کنید:

Yaşamak → yaşam, yaşasın, yaşantı ... ,



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زندگی کردن ← زندگی، زنده باد، تجربه‌های زندگی و ...

Bilmək → bilim, bilgi, bilgiç, bilinç, bilimsel, bilən ... ,

دانستن ← علم، اطلاعات، در نقش دانا جلوه دادن خود یا دانا نما، هوشیاری، محقق، علمی، دانا و...

Anlamak → anlam, anlatım, anlayış, anlamsız, anlaşma ... ,

فهمیدن ← معنی و مفهوم، بیان، طرز تفکر، بی معنی، تفاهم و ...

Yazmak → yazar, Yazdırmak, Yazqı, yazıcı, yazıcılık ... ,

نوشتن ← نویسنده، چاپ کردن، تقدیر، نوشته، چاپگر، شغل چاپگری و...

göz → gözcü, gözcülük, gözlem, gözlemci, gözlemcilik, gözlük, gözlükçü ... ,

چشم ← مراقب، مواظبت، مشاهده، مشاهدکننده، ناظر، عینک، عینک ساز و...

زبان‌های فنلاندی، مغولی، ژاپنی نیز از این دسته‌اند.

ج) زبان‌های آمیزشی:

اینگونه زبان‌ها به لحاظ قواعدی به زبان‌های التصاقی بسیار نزدیک هستند و مانند زبان‌های التصاقی به ریشه‌ی کلمات، پسوندهایی اضافه می‌گردد و عموماً می‌توانند از آمیزش و ترکیب دو واژه بوجود بیایند. زبان‌های محلی آمریکایی و اسکیمویایی از این دسته‌اند. بعضاً به دلیل نزدیکی این گونه زبان‌ها به زبان‌های التصاقی، در زبان ترکی نیز نمونه‌هایی مشاهده می‌گردد:

سؤتلو + آش = سؤتلاچ (از غذاهای ترکان ایران و آناتولی)

قاین + آنا = قاینانا

د) زبان‌ی با ساختار پیچیده یا زبان‌ی سخت:

در این دسته از زبان‌ها کلمات، بیشتر با صرف و اضاف شدن پسوند و پیشوند بوجود می‌آید، و گاهاً ریشه‌ی واژه نیز به هم می‌ریزد و تشخیص آن دشوار می‌گردد. از این رو دارای ساختار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیچیده هستند و بسته به همین نوع پیچیدگی خود نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- با ریشه پیچیده: زبان عربی در این دسته قرار می‌گیرد.
- با ساختار پیچیده: زبان‌های هند و اروپایی، انگلیسی، آلمانی، فارسی در این دسته قرار می‌گیرد.

که برخی زبان‌شناسان نوع دوم را حتی در دسته‌ای جداگانه قرار می‌دهند و از آن به عنوان زبان‌های بی‌قاعده یاد می‌کنند. این بی‌قاعدگی تا حدی است که گاهی یک کلمه و جمله برای معادل‌سازی از زبان‌های التصاقی بسیار دشوار می‌گردد. به مثال و مقایسه‌های زیر با دقت بیشتری نگاه کنید:

ترکی: gəlmək فارسی: آمدن آلمانی: kommen

حال به جملات ساده‌ی زیر که از فعل بالا ساخته شده، دقت کنید:

■ ترکی:

Mən gəlirim.
Mən gələcəğim.(gələsiyim)
Mən gəldim.
Mən gəlmişim.
Mən gələcəktim.(mən gələsiydim)

■ فارسی:

من می‌آیم.
من باید بیایم.
من آمدم.
من آمده بودم.
من باید می‌آمدم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

■ آلمانی:

Ich komme.

Soll kommen.

Ich bin gekommen .

Ich var gekommen.

Ich musste kommen.

اگر به قاعده‌ی جمع بستن نیز دقت کنیم در بین زبان‌های فارسی، ترکی و آلمانی، تنها در زبان ترکی قاعده جمع بستن قانونمند است.

در فارسی: درخت‌ها یا درختان، ملل، کتب، سبزیجات و...

ترکی: Yeşilliklər ,Güllər ,kitaplar,Ağaçlar.

۲. وابسته به منبع، خویشاوندی (زادگانی):

زبان‌شناسان زبان‌هایی که به لحاظ ریشه و منبع به هم نزدیکند را خویشاوند می‌دانند و آن‌ها را در یک خانواده دسته‌بندی می‌کنند. این خانواده‌ها به طور کلی عبارتند از:

- خانواده‌ی زبان‌های هند - اروپایی، خانواده‌ی زبان سامی، خانواده‌ی زبان بانتو
- خانواده‌ی زبان چین - تبت و خانواده‌ی زبان اورال - آلتایی.
- خانواده‌ی زبان‌های هند - اروپایی.

باتوجه به شرایط جغرافیایی، به دو قسمت اروپایی و آسیایی تقسیم می‌شوند که هرکدام از این دو خود به چندین گروه تقسیم می‌شوند:

خانواده زبان‌های هند - اروپایی

- * شاخه‌ی آسیا (زبان‌های سانکسريت و زبان‌های امروزی هندی، زبان فارسی، زبان ارمنی)
- * شاخه‌ی اروپا (زبان‌های آلمان شامل آلمانی، انگلیسی و اسکاندیناوی، زبان‌های رومانیایی شامل لاتینی، فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و رمانی و زبان‌های اسلاوونیک شامل روسی، بلغاری، صرب و لهستانی)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خانواده‌ی زبان‌های سامی

از جمله این زبان‌ها می‌توان به زبان‌های آرامی، عبری و عبری اشاره کرد.

* خانواده‌ی زبان‌های بانتی

این خانواده زبانی در گستره‌ی وسیعی از قاره آفریقا استفاده می‌شوند.

* خانواده زبان‌های چین - تبت

زبان بخش بزرگی از آسیاست. زبان‌های چینی و تبتی از این نوع‌اند.

* خانواده زبان‌های اورال - آلتایی

زبان‌های اورال-آلتای در دسته زبان‌های التصاقی (آگلو تیناتیو) قرار می‌گیرند. همانطور که در مقایسه‌ها و مباحث پیشین دیدیم در ساختار این زبان‌ها (به عنوان مثال زبان ترکی) ریشه‌ی افعال هنگام صرف تغییر نکرده و ثابت می‌مانند. در این زبان‌ها پیشوند و میان‌وند کمتر وجود دارند. کلمات بیشتر با استفاده از پسوندها ساخته می‌شوند. از اینرو به این خانواده‌ی زبانی، زبان‌های پسوندی نیز می‌گویند. از یک دسته دانستن زبان‌های اورالی و آلتایی همیشه مورد بحث بوده است. شاید بتوان خویشاوندی زبان‌های اورال و آلتایی را بر اساس مشابهت‌های زیر دانست:

☞ هر دو خانواده جزو زبان‌های التصاقی (آگلو تیناتیو) بوده و قوانین ساختاری هر دو زبان یکی می‌باشد.

☞ استراکچر و ساختار هر دو زبان هیچ تفاوتی با هم ندارند.

☞ هماهنگی حروف باصدا (قانون هماهنگی اصوات/ قانون توالی) در هر دو زبان موجود است.

☞ زیاد بودن شمار حروف صدادار و کمی حروف بی‌صدا نسبت به سایر خانواده‌های زبانی و روال معمول بکارگیری حروف صدادار در اول کلمه از خصوصیات مشترک این دو خانواده‌ی زبانی می‌باشد.

☞ وجود اضافات هم به عنوان پسوند در صرف افعال و هم در ساخت کلمه در زبان‌های اورال-آلتایی از مشابهت‌های مهم و قابل توجه می‌باشد.

☞ مشابهت‌های لغوی و لغات مشترک فراوان.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زبان‌هایی مانند ترکی، زبان‌های کره‌ای، ژاپنی، فنلاندی، مجاری در این خانواده‌ی زبانی قرار دارند. با این پیش‌زمینه می‌توانیم برخی از جذابیت‌های موجود در زبان ترکی که بیشتر از خصوصیت‌النصافی بودن آن ناشی می‌شود، را اینگونه دسته‌بندی کنیم:

✓ استفاده از یک کلمه به جای یک جمله:

Qaşqayılaştırabildilerimizdənəgiz?

(آیا شما از آنهایی هستید که ما توانستیم آنها را قشقای کنیم؟)

✓ قوانین هماهنگی اصوات و جذابیت‌های آن:

این قانون علاوه بر ایجاد ملودی و صوت زیبا در زبان، اکثر مواقع در جنبه‌های حیاتی و فیزیکی زبان نیز هوشمندی خاصی دارد. به عنوان مثال به کلمات با حروف صدادار ضخیم زیر دقت کنید، این فعل‌ها عموماً جنبه‌ی مثبتی به انسان القاء می‌کنند:

Ağlamak, olmak, azmak, yaşamak, bulmak, qalmak

بعکس واژه‌های زیر که دارای حروف صدا دار نازک هستند، بار منفی به انسان القا می‌کنند:

ölmək, əzmək, bitmək, itirmək, gedmək ,

الفبای زبان ترکی

از قدیمی‌ترین الفبای جهان که امروزه کتیبه‌های فراوانی نیز از آنها وجود دارد، الفبای اورخون و اوغور متعلق به زبان ترکی است. این الفباها از تاثیرگذارترین الفباها در تاریخ جهان و تاریخ زبان ترکی بوده است. به عنوان مثال زبان و الفبای رسمی دو امپراطوری بزرگ «گؤگ تورک» و «مغولان» الفبای ترکی اوغوری و اوروخون بوده و لذا زبان ترکی تا همین قرون اخیر، خود دارای الفبای اختصاصی بوده است.

این الفبا اما، در قرون اولیه‌ی هجری قمری جای خود را به دیگر الفباها داده است. یکی از تاثیرگذارترین مردمان ترک، یعنی ترکان اغوز بعد از اسلام آوردن، از الفبای عربی استفاده کرده‌اند. از آن پس، هیبت ترکی با پذیرش الفبای عرب، شکل تازه‌ای بخود گرفت به طوری که با پیروزی امپراطوری «سلجوق» در جنگ «دندانقان»، وسعت جغرافیایی زبان ترکی از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چین تا شمال آفریقا به وسیله این امپراطوری گسترده شد. در پیروزی «آلپ ارسلان» سلجوق بر رومیان در نبرد «مالازگرد»، آناتولی بزرگ نیز تحت سلطه‌ی یک امپراطوری ترک با زبان ترکی و الفبای عربی قرار گرفت.

در جغرافیای امپراطور ترکان، گویا زبان ترکی به مثابه صاحبانش، باید امپراطوری‌گری می‌کرد. این زبان منحصراً زبان دولتی بوده است. از اینرو زبان عربی و زبان فارسی، به عنوان زبان‌های اسلام، نزد شاهان و خاقانان ترک، صاحب عزت و احترام بود و در هیچ‌جای تاریخ اثری از اقدام برضد این زبان‌ها از سوی ترکان دیده نشده است. امپراطوری ترکان علاوه بر حمایت از این دو زبان و انتشار آثار بزرگ توسط آنان، در وضعیتی مشابه، مسبب انتشار آثار ارزشمندی به زبان دولتی و مادری خود یعنی ترکی نیز بوده‌اند. آثاری چون دیوان الغات‌الترک محمود کاشغری، دده قورقوت، دیوان اشعار نوایی و

سرانجام در قرن نوزدهم با فروپاشی آخرین امپراطوری ترکان و آغاز سلطه‌گری انگلستان و همچنین حکومت‌های ناسیونالیستی، سعی بر آن بود تا جامعه‌ی ترکان را تا حد امکان دچار اختلاف درونی نمایند. در همین راستا، حاکمیت پهلوی در ایران نیز، پروژه‌ی ملت‌سازی راه انداخت که نتیجه‌ی آن اضمحال زبان ترکی و با شدتی بیشتر زبان ترکی قشقایی شد.

در این میان آناتولی متفاوت بود و توانست به رهبری آتاتورک جمهوریت ترکیه را با استقلال کامل زبان ترکی ایجاد کند. اما این بار شرایط ایجاب می‌کرد تا الفبای عربی نیز به فراموشی سپرده شود و جای خود را به الفبای لاتین دهد. الفبای لاتین ترکیه با اندکی کاستی و کم‌دقتی، جای خود را به الفبای عربی داد. این الفبا بعدها، در جمهوری آذربایجان به شکل تصحیح شده‌تری درآمد. در ایران نیز زبان ترکی در دنیای کتابت از بین نرفت بخصوص بعد از حکومت پهلوی و با پیروزی انقلاب اسلامی، با الفبای عربی آثار فراوانی را از خود برجای گذاشته و می‌گذارد.

امروزه بسیاری از زبان‌شناسان، با توجه به راحتی ادراک الفبای لاتین جهت یادگیری زبان ترکی، الفبای لاتین را پیشنهاد می‌کنند. ما نیز بر همین اساس، جملات و مثال‌های ترکی کتاب پیش رو با الفبای لاتین آورده‌ایم به این دلیل که خوانش صحیح برای مخاطبان با الفبای لاتین راحت‌تر خواهد بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل دوم: الفبا و قوانین صوت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



همانگونه که گفتیم از ویژگی‌های منحصر بفرد الفبای لاتین این است که خوانش آن راحت‌تر است. معمولاً چیزی را که می‌نویسیم، می‌خوانیم. در ادامه جدول الفبای زبان ترکی قشقایی را به تفکیک حروف صدادار و بی‌صدا می‌بینیم؛

حروف بی‌صدا (صامت)

ت	T	ل	L	ب	B
خ	X	م	M	ج	C
ی	Y	ن	N	چ	Ç
ز	Z	پ	P	د	D
ک	K	ق	Q	ف	F
غ*	Ğ	ر	R	گ	G
نون غنه*	NG	س	S	هـ	H
		ش	Ş	ژ	J

حروف صدادار (مصوت)

او/و	U	اؤ/وؤ	Ö	ای	İ	آ	A
ا/و	Ü	او/وؤ	O	ئ	I		E
						َ	Ə

* این حرف در ترکی قشقایی معادل «غ» در فارسی یا عربی نیست و بسیار خفیف‌تر تلفظ می‌شود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به نحوی که حتی در برخی مواقع تلفظ هم نمی‌شود و وجود آن از ادامه‌دار شدن حرف قبلی مشخص می‌شود. مثلاً «داغلار» در محاوره گاهی به صورت «دالار» تلفظ می‌شود. یعنی حرف «آ»ی قبل از آن ممتد می‌شود. به هر حال این شکل تلفظ در لهجه‌ی بومی مردم عیان است و ممکن است در گفتار برخی افراد شکل ضخیم آن نیز مشاهده شود.

*** نون غنه نیز مانند «غ» در زبان ترکی بسته به لهجه‌ی افراد تغییر می‌کند. بهترین حالت برای توصیف صدای این حرف ترکیب دو حرف «ن گ» است. اما مسلماً در گفتار به این ضخیمی نخواهد بود. در تلفظ ترک‌های قشقایی این حرف در بیشتر مواقع از امتداد حرف «ن» به سمت «گ» خفیف پدید می‌آید. اگر بعد از این حرف سکون باشد «گ» بسیار خفیف و در بیشتر مواقع ادا هم نمی‌شود. اما اگر حرفی بعد از آن باشد چون «گ» نقطه‌ی اتکا پیدا می‌کند صدای آن بیشتر نمایان می‌شود. البته گاهی به سمت «ی/ی» هم صوق پیدا می‌کند: مثال: «Hara gediring?» در اینجا تلفظ نون غنه تا «in» ادامه پیدا می‌کند. اما در جمله‌ی «Hara gediringa» چون بعد از «g» حرف «a» آمده و «a» نیاز به تکیه‌ای دارد تا صدای خود را آشکار سازد، تلفظ «g» بیشتر نمایان می‌شود.

در زبان ترکی صامت‌ها و یا حروف بی صدا بسته به نحوه‌ی خارج شدن از دهان، محل خروج حرف و میزان لرزش دسته‌بندی می‌شوند. به طور کلی صامت‌ها را در زبان ترکی برحسب دو ویژگی زیر دسته‌بندی می‌کنند:

۱- مکان خروج حرف: نسبت به این ویژگی صامت‌ها بدین صورت تقسیم می‌شوند:

B, M, P	صامت‌های جفت لبی - çift dudaqlı
F, V	صامت‌های دندان و لب - Diş və dudaqlı
D, L, N, R, S, T, Z	صامت لثه‌ای - diş əti
C, Ç, J, Ş	صامت لثه و کام - diş əti və səq(damaq)
G, K, Y, Ğ	صامت لثه و سقف دهان
H, X, Q	صامت حلقوی - Qırtlaqlı

۲- شکل خروج حرف: بر اساس شکل خروج نسبت به دو ویژگی میزان کشیدگی در هنگام خروج، نرم و سخت بودن حرف، به صورت جدول زیر تقسیم می‌شود:

	Sürüksiz (بدون کشیدگی)	Sürakli (کشیده)
سخت	P, Ç, T, K, Q, X	F, H, S, Ş
نرم	B, C, D, G	Ğ, J, L, M, N, R, V, Y, Z

لازم است بدانیم که آهنگ و موزیک موجود در یک زبان بیشتر به حروف صدادار موجود در زبان است. حروف صدادار بسته به حرکت لبها، دخالت چانه و تغییرات دهان و... دسته‌بندی می‌شوند. تقسیم‌بندی اصوات در زبان ترکی قشقایی و یا در همه‌ی شاخه‌های زبان ترکی به عنوان «قانون هماهنگی اصوات» شناخته می‌شود. جدول زیر تقسیم‌بندی حروف صدادار را نشان می‌دهد:

	Dudaqlı / düz		Dudaqsız/yuvarlaq	
	Geniş	dar	Geniş	dar
Qalın	a	ı	o	U
İncə	e/ə	i	ö	Ü

قوانین صوت و صدا در زبان ترکی:

در قسمت قبل با تقسیم‌بندی حروف در زبان ترکی آشنا شدیم. در این قسمت هدف از این تقسیمات و استفاده‌های این تقسیمات را تحت عنوان قوانین صوت در زبان ترکی بررسی خواهیم کرد که انتظار می‌رود کمک فراوانی به تلفظ و بیان در زبان ترکی انجام دهد.

هجای یا بخش، یک واحد گفتار است که با هر ضربه‌ی هوای ریه به بیرون رانده می‌شود. در زبان ترکی هر هجا حداقل از یک حرف و حداکثر از چهار حرف می‌تواند تشکیل شود، به طوری که یک مصوت (حرف صدادار) به تنهایی می‌تواند یک هجا باشد اما یک صامت (حرف بی‌صدا) نمی‌تواند هجا باشد. عموماً هجاها از یک مصوت و صفر یا چند صامت تشکیل می‌شود. هجاها در زبان ترکی دو دسته اند:

هجای باز(açılıq): هجاهاى که به مصوت ختم می‌شوند.

o, bu, su, ci, ti



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هجای بسته (qapalı): هجاهای که به صامت ختم می‌شوند:

at, diş, mək, git, tan, ban, san, sam

همان طور که در تقسیم‌بندی حروف نیز بحث کردیم، حروف صدادار در موزیک و صوت زبان تأثیر فراوانی دارد. زبان ترکی در نحوه‌ی استفاده از ترکیب حروف صدادار، تابع «قانون هماهنگی اصوات» است که در ادامه بحث خواهیم کرد؛

قانون هماهنگی اصوات

این قانون، در ابتدای امر، ممکن است کمی دشوار به نظر آید، اما پس از مدت کوتاهی با استفاده‌ی مکرر از کلمات، ذهن بصورت ناخودآگاه، آن را رعایت خواهد کرد. به جدول زیر دقت کنید؛

	Dudaqsız / Düz		Dudaqlı/ Yuvarlak	
	Geniş	Dar	Geniş	Dar
Qalın	a	ı	o	U
İnce	e/ə	i	ö	Ü

مواد قانون هماهنگی اصوات

ماده ۱: در کلمات اصیل ترکی، مصوت زمخت با زمخت (Qalın) و لطیف با لطیف (İnce) می‌آید. این قانون مهمترین قانون از قوانین هماهنگی اصوات است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- anlam, açık, oxul, yumurta, yoğurt, ocaq,
- erkək, eğitim, öğretmən, gəçi, ölüm, itim, yüzmək.

تبصره ۱: کلماتی که از زبان‌های دیگر وارد زبان ترکی شده‌اند، مجبور به پیروی از این قانون نیستند، هر چند که خیلی از این کلمات در پذیرش پسوند و یا حتی تلفظ خود کلمه نیز از این قانون پیروی کرده‌اند. مانند زبان روسی که کلمات بیگانه را در خود هضم می‌کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تبصره ۲: در کلمات ترکی اصیل دو یا چند بخشی که به صورت آمیزشی از قوانین زبان‌های دسته‌ی اورال ساخته شده‌اند، (ساخته شده از ترکیب دو واژه معنا دار در ترکی) قانون هماهنگی اصوات بکار نمی‌رود. کلماتی مانند:

Qarabibər, başkənt, güneybatı, ağcıgər, Qaradeniz,

تبصره ۳: در برخی اسامی خاص قانون هماهنگی اصوات صورت نمی‌گیرد:

Tərlan, Atilla, Sülmaz, Gülnar,

پسوندها در زبان ترکی معمولاً از این قانون پیروی می‌کنند و از بین چندصد پسوند زبان ترکی چند پسوند زیر و پسوندهایی که به کلمات بیگانه اضافه می‌شوند از قانون همانگی اصوات پیروی نمی‌کنند:

yor, ki, leyin, abil

قابل توضیح است که در ترکی استانبولی در اندک کلماتی این قانون به اشتباه به پیروی از لهجه، شکسته شده کلماتی مثل: anne, elma, hangi که در ترکی قشقای این کلمات به شکل صحیح آن یعنی (ana, alma, hangı(hanı) استفاده می‌گردد.

ماده ۲: به تقسیمات ستونی جدول اصوات در صفحات قبل دقت کنید. در زبان ترکی با توجه به جدول قانون زیر برقرار است. این قانون کمک بسیار فراوانی می‌کند به بکارگیری پسوندها بخصوص پسوند Geniş zaman که در فصل‌های بعدی فرا خواهیم گرفت.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

dudaqlı	dudaqsız
a → a	o → a, u
ə/e → ə, i	ö → ə, ü
ı → a, ı	u → a, u
i → ə, i	ü → ə, ü

در کلمات اصیل ترکی 0 و Ö معمولاً در بخش و یا هجای اول می‌آیند و در صورتی که کلماتی در بخش دوم داری این حروف باشند به احتمال قوی کلمات بیگانه‌ای هستند که وارد زبان ترکی شده‌اند. به عنوان مثال: doktor, actor, radyo, alkol اما قانون هماهنگی اصوات، زمانی که این کلمات پسوند می‌گیرند در آنها صادق است و از آن پیروی می‌کنند.

برخی نکات متفرقه در باب حروف صدادار:

صدا دار با صدا دار: در زبان ترکی دو حرف صدادار در صورتی می‌تواند کنار هم باشند که یا آمیزشی (یعنی از ترکیب دو واژه‌ی معنا دار در ترکی ساخته شده باشد، مثل qaraoğlan) یا یک کلمه‌ی بیگانه (مثل: sair و saat) باشد. در غیر این صورت به خصوص هنگام دریافت پسوند، معمولاً بسته به شرایط، یکی از چهار حرف زیر در بین دو حرف صدا دار قرار می‌گیرد: N, S, Ş, Y این چهار حرف در زبان ترکی برای داشتن چنین وظیفه‌ای به «حروف محافظ» معروفند. در این میان، حرف «Y» برای افعال و صرف مالکیت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال:

qapı+ıng= qapıning	ütü+üng=ütününğ	çəntə+i= çəntəsi/çəntəyi
iki+ər=ikişər	qapı+a= qapıya	qalı+a= qalıya



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گاهی نیز در شرایط پشت سرهم آمدن دو حرف صدادار، یکی از آنها حذف می‌شود:

baba+im= babam yedi+imki= yedimki

برای یادگیری زبان ترکی این نکات چندان ضروری نیست و در طول زمان برای هر شخص، خودکار به استفاده از آن عادت خواهد شد.

برخی قوانین ضروری مخصوص صامت‌ها:

	Süraksiz بدون کشیدگی	Sürakli کشیده
سخت sert	P, Ç, T, K, Q, X	F, H, S, Ş
نرم yumuşak	B, C, D, G	Ğ, J, L, M, N, R, V, Y, Z

از جدول بالا دو نکته را استخراج می‌کنیم؛

نکته اول: در زبان ترکی همیشه وقتی آخر کلمه‌ای به یکی از حروف سخت در جدول فوق ختم شود و بخواهد پسوندی که با «d» شروع می‌شود بگیرد (پسوندها را در فصل‌های بعدی خواهیم خواند) d به t تبدیل می‌شود.

Bax+dım=baxtım Qaç+dım=qaçtım

نکته دوم: در زبان ترکی معمولاً وقتی آخر کلمه‌ای به یکی از حروف سخت بدون کشیدگی ختم شود زمانی که بخواهد پسوندی بگیرد که با مصوت شروع می‌شود این حروف به حروف نرم تبدیل می‌شود. در اسامی خاص و در نوشتار این قانون را نمی‌نویسند (اما در تلفظ صادق می‌باشد). در کلمات تک‌هجایی این قانون نه در نوشتار و نه در گفتار صادق نیست.

Kitap +ım = kitabım Gəp+im=gəpim

(İ)	i,ı,ü,u
(A)	a,ə



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مهم: با توجه به اینکه در زبان ترکی، حروف با توجه به یکدیگر تغییر می‌کنند، (قانون هماهنگی اصوات)، در سراسر این کتاب، برای اختصار در ارائه‌ی فرمول‌ها، از ترکیبات زیر استفاده می‌کنیم. حرف داخل پرانتز نماینده‌ی حروف هم‌گروه خود است. به جدول زیر دقت کنید:

مثلاً منظور از عبارت «m(İ)ş» این است که این عبارت در افعال مختلف و با توجه با قانون هماهنگی اصوات در ترکی می‌تواند به شکل‌های mış, miş, müş, muş تغییر کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل سوم: اسم ها و صفات



در فصل قبل با الفبای زبان ترکی و قوانین صوت و صدا در این زبان آشنا شدیم، حال پس از آموختن صوت و چگونگی تلفظ و قوانین موجود، قصد داریم با کلمات، انواع کلمات، ریشه‌ها و پسوندها که اجزای اصلی یک زبان هستند، آشنا شویم. به طور کلی درباره‌ی هر زبان این ادعا صادق است که زبان‌ها را نمی‌توان با هم معادل کرد. چرا که هر زبان منطق خود، شیوه یادگیری و شیوه ساختاری خاص خود را دارد. هدف ما در این کتاب بیشتر بر این است که دستور زبان ترکی را ترکی بنویسم نه با معادل‌سازی فارسی، با این دیدگاه دانستن برخی ویژگی‌ها ما را در این راه کمک خواهد کرد.

برخی ویژگی‌های مهم و عمومی در دستور زبان ترکی

✓ یکی از ویژگی‌های زبان ترکی، نقش کلمات در جملات و زبان هست. یک کلمه در زبان ترکی می‌تواند نقش‌های متفاوتی بازی کند و همانگونه که در ادامه نیز خواهید دید، در زبان ترکی رابطه فراوانی بین اسم‌ها و فعل‌ها وجود دارد. به طوری که اسم به فعل و فعل به اسم تبدیل می‌شود. این تاحدی است که بعضاً مانند رابطه تخم مرغ و مرغ، تشخیص اینکه فعل از اسم ساخته شده یا، برعکس کار ساده‌ای نیست!

Yaşamak – Yaşam Yatmak – Yataq

Durmak – Duraq Silmək – Silgi

✓ از ویژگی‌های منحصر دیگر ترکی نقش پسوندها در زبان ترکی است، که تقریباً جزء بسیار بزرگی از زبان ترکی را تشکیل می‌دهند و نکته‌ی حایز اهمیت این است که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این پسوندها بعضاً چند وظیفه‌ای هستند.

پسوندها را بطور کامل در فصل پنجم خواهیم خوانند. دو مورد از پسوندها را که چند وظیفه‌ای هستند را به عنوان مثال و اولین قدم در قوانین دستوری بخوانیم:

۱. پسوند وضعیت (ad durum əki)

این مجموعه پسوند معادل «از»، «در»، «به» و «و»ی نکره در زبان فارسی است. به عنوان مثال پسوند dan و dən که معادل حرف اضافه‌ی «از» در زبان فارسی است و وضعیت «خروج از جا و مکان» یا «سبب» را می‌رساند.

Səbəb anlamı - سبب -	Çıxma durumu - خروج از جا و مکان -
Reza yoxsulluktan öldü	Babam evdən çıxtı
Adam qorxudan rəngi bozardı	Mən oxuldan yoruldum
	Bayramdan qələmi aldım

یادآوری: به تبدیل حرف «d» به «t» دقت کنید.

۲. پسوند acak

در زبان ترکی بعضی پسوندها هم وظیفه‌ی «صرفی» دارند و هم وظیفه «ساختاری» مانند acak.

Çəkim eki - صرفی -	Yapım eki - ساختاری -
Əhməd bugün gələcək	Gələcək Türkünədür
Bu iş bugün tükənəcəək	Ağlayacaq kimsəsi yox

✓ در زبان ترکی صفت بر خلاف زبان فارسی یا دیگر زبان‌ها حالتی منحصر بفرد دارد و همیشه قبل از اسم می‌آید.

Üç oğlan Beş qələm Qara dağ Güzəl qız



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

✓ ریشه کلمات در زبان ترکی هیچگاه تغییر نمی‌کنند و شاید به دلیل همین ویژگی است که نوشته‌های ترکی قرن‌های پیش، امروزه نیز برای همه‌ی ترکان جهان قابل فهم است.
✓ وندها در زبان ترکی فقط پسوند است به جز یک مورد پیشوند «شدت‌دهی صفات»:

sap sarı

✓ در زبان ترکی افعال و موجودیت‌ها جنسیت ندارند و مانند خیلی از زبان‌های دیگر اعم از زبان فارسی واژه‌های جداگانه برای برخی اسم‌ها موجود است:

در ترکی:

İnak-Boğa Xorus-Tovuq Qoyun-Qoç Oğul-Qız

در فارسی: گاو - نر - ماده خروس - مرغ گوسفند - قوچ پسر - دختر

با مختصر توضیح از ساختار و شکل و شمایل زبان ترکی ساختار کلمه و انواع کلمات در زبان ترکی را بررسی کنیم:

«به صدا و ترکیب صداهای معنادار در زبان ترکی «کلمه» یا sözcük می‌گویند.»

انواع کلمات را در زبان ترکی می‌توان به هشت دسته زیر تقسیم نمود:

Ad - Sıfat (Arayan, Nitelik) - Adıl (Zəmir) - Bəlirtəç - İlğəç-Bağlaç - Ün-ləm - Eyləm (fiil)

که می‌توان معادل فارسی آن را به شکل زیر بیان کرد:

نام - صفت - ضمیر - قید (شاخص) - حرف اضافه - حرف ربط - اصوات - افعال

از انواع کلمات در زبان ترکی، هفت مورد اول در دسته‌ی «اسم» قرار می‌گیرد و «افعال» نیز به تنهایی بخش مهمی از زبان را تشکیل می‌دهند.

نام‌ها یا اسم‌ها (Adlar):

کلمه‌ای که یک موجودیت را می‌شناساند را نام یا اسم گویند. نام‌ها در زبان ترکی به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

■ نام‌های مادی: موجودیت‌های قابل لمس با چشم که می‌توانیم ببینیم و لمس کنیم.

ağaç, çiçək, quş, dəftər, daş, ev (əv)

■ نام‌های معنوی: موجودیت‌هایی که فقط حس می‌شوند.

duygu, yoldaşlık, düşüncə, düşmənlik, aqıl, fikir

■ نام خاص: حرف اول اسامی خاص در زبان ترکی با حروف بزرگ نوشته می‌شود، نام خاص حیوانات، نام افراد، نام مکان، نام ملت، نام دین و مذهب و... . نام جنس و وسیله، نام انجمن و گروه از انواع اسامی خاصند.

Türk, İnan, Zəhra, Şiraz, İngilis, İsfahan

■ نام جنس (اسم جنس): نام خاصی که نماینده‌ی یک گونه یا نوع باشد.

qələm, qaşığı, oxul, balıq, üzüm, dəftər

■ نام مفرد: نامی که فقط به یک موجودیت داده می‌شود.

alma, at, qaşığı, çiçək, quş, yol

■ نام جمع: نامی که به تعدادی از یک موجودیت اشاره دارد. در ترکی پسوند «لار» و «لر» از نام مفرد نام جمع می‌سازد.

■ نام گروه: نامی که بدون گرفتن پسوند جمع خود، نامی است که به یک جمع داده می‌شود. تیم، اردو، گله، سریال. این نام‌ها نیز می‌توانند پسوند جمع بگیرند اما با گرفتن پسوند جمع به تعدادی گروه اشاره می‌کند.

ordu, sürü, qoşun, taxım

نکته: نام خاص معمولاً پسوند جمع نمی‌گردد، و اگر هم پسوند بگیرد معمولاً برای بیان شباهت و بیان ادبی است.

✓ Məhəmməd Bahmanbəygilər təkın, Qaşqayı elində çox varımız.

محمد بهمن‌بیگی‌های زیادی در ایل قشقایى داریم.

✓ Forudlar diri qalmalıdır.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فرودها باید زنده بمانند.

تقسیم‌بندی نام‌ها از نظر ساختار:

۱. اسم ساده (yalın ad): اسمی که دارای یک جزء باشد و نتوان آن را به دو بخش یا بیشتر تقسیم کرد و یا به عبارتی از دو بخش یا بیشتر ترکیب نشده باشد را اسم ساده می‌گویند.

su, əv, hava, pəncərə, daş, quş

نکته: اسم‌های ساده زمانی که پسوند می‌گیرند معمولاً هیچ تغییری نمی‌کنند.

Oxuldan gəldim. Çiçəklər açılmış.

۲. اسم مشتق: (türəv ad, türəmiş ad) اسم‌هایی که پسوندهای ساختاری گرفته و از افعال ساخته شده‌اند را در زبان ترکی اسم مشتق می‌گویند.

bil → bilgidur → duraqsöz → sözlükgöz → gözlük

Ankara → AnkaralıŞiraz → Şirazlı

۳. اسم مرکب (birləşik ad): اسمی که دارای بیش از یک جزء باشد و از ترکیب دو بخش یا بیشتر بدست آمده باشد.

İt + burn → it burnu

Uyur + gəzər → uyurgəzər

Gələn + gedən → Gələngedən

پسوند کوچک کردن نام (Adlara Küçültmə):

در زبان ترکی دو پسوند وجود دارد که برای نشان دادن «کوچک بودن یک چیز»، «مهر و محبت کودکانه» و «شفقت و دل‌رحمی» به کار می‌رود:

(cağız, cəğız)cağız cık(cık,cik,cuk,cük)

əv+cik → əvcikağ + cağız → ağcağız



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عبارت اسمی (مضاف و مضاف الیه - Ad Tamlaması):

عبارت ساخته شده از دو یا چند اسم را گویند. به عبارتی دیگر، به اسمی که به دنبال اسم دیگری بیاید تا توضیحی درباره‌ی آن دهد و یا معنی آن را کامل کند، می‌گویند.

tamlayan + tamlanan = Ad tamlaması

عبارت اسمی را در زبان ترکی می‌توان به سه دسته‌های زیر تقسیم کرد:

- ✓ عبارت اسمی - اسم خاص (Bəlirli ad tamlaması)
- ✓ عبارت اسمی - اسم عام (Bəlirsiz ad tamlaması)
- ✓ عبارت اسمی - زنجیره‌ای (Zəncirləmə ad tamlaması)

□ عبارت اسمی - اسم خاص:

(İ)ng (-ing, -ing, -üng, -ung)

Qız+çanta → qız**ing** çantası

əv + qapı → əv**ing** kapısı

oxul+müdür → oxul**ung** müdürü

یادآوری نکات صوت و الفبا:

۱. همان‌طور که می‌دانیم طبق قوانین صوت در زبان ترکی دو مصوت در کنار هم نمی‌آیند. اگر اسم اول به صدادار ختم شود حرف **n** ما بین حروف صدادار قرار می‌گیرد:

N(İ)ng

Araba**ning** qapısı Ütün**ü**ng sapı Müz**ə**ning pəncərəsi

۲. طبق قانون صوتی مصوت‌ها P, Ç, T, K, Q, X با گرفتن پسوندی که حرف اولش صدا دار باشد B, C, D, G تبدیل می‌شوند:

Güzlük + cam → güzlü**ğün** camı Ağaç + baş → ağac**ın** başı



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

□ عبارت اسمی – اسم عام: (bəlirtisiz ad tamlaması)

از آنجا که این نوع عبارت به مالکیت اشاره نمی‌کند بلکه به نوع و شکل اشاره دارد این عبارت پسوند (İ)ng نمی‌گیرد.

At sütü Maşın lastığı Köpək təsməsi Çadır payası

نکات:

برخی نام‌ها ذاتاً عبارت اسمی هستند که در زبان ترکی به آن عبارت‌هایی اسمی «تزیینی» نیز گفته می‌شود:

دسته یک: جنس یک اسم را مشخص می‌کند.

Dəmir qapı Kətan köynək Gümüş yüzük

دسته دو: شباهت بین دو اسم، عنوان اسم، تعداد و مقدار اسم را مشخص می‌کند.

Aslan kişi Doktor Mənuçehr Kiyani Beş kilo alma

☞ فرق بین عبارت اسمی خاص و عبارت اسمی عام با یک مثال:

Arvadıng çantası

کیف متعلق به یک خانمی است که ما وی را می‌شناسیم. از اینرو به آن عبارت اسمی خاص یا آشکار می‌گویند.

Arvad çantası

نوع کیف یعنی زنانه بودن کیف را مشخص می‌نماید. در اینجا تعلق کیف به کدام خانم بودن مورد بحث نیست. از اینرو به آن «عام» یا «نامشخص» گویند.

□ عبارت اسمی – زنجیره‌ای (zəncirləmə ad tamlaması):

اگر tamlayan و tamlanan بیش از یک مورد شد، عبارت اسمی را عبار اسمی –



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زنجیره‌ای گویند:

- Həzrət Abbasing müqəddəs ocağı
- Yataq otaqının pərdəsinin rəngi
- Türk hava yollarının uçaqları

نام‌ها و پسوندهای وضعیت برای نام: نام‌ها بنا به وضعیتی که در آن هستند و پسوندهایی که می‌گیرند، به شش دسته‌ی زیر تقسیم می‌شوند:

- Yalın Durum/ وضعیت ساده
- Bəlirtmə Durumu / (شاخص) وضعیت مفعولی
- Yönləlmə Durumu/ وضعیت جهتی
- Çıxma Durumu/ وضعیت استخراج (ازمکان - شخص)
- Tamlayan Durumu / (نسبت دهی - کامل کننده)
- Qalma Durumu/ وضعیت جایگاهی

وضعیت ساده / Yalın durum

در این وضعیت اسم‌ها هیچ‌گونه پسوندی نمی‌گیرند و «انجام دهنده» و «انجام شونده» را به نمایش می‌گذارند.

Əhməd oxuldan gəldi.

Pakət Tehran'a yollandı.

Bugün böyük bir **telvezyon** aldık.

برای صدا زدن یک شخص از این وضعیت استفاده می‌گردد:

İsa!, **Vəhid!**, **ana!**, **bacı!**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وضعیت مفعولی (شاخص) / Bəlırtmə durumu

وضعیتی است که اسم‌ها مستقیماً از فعل تأثیر می‌پذیرند، یعنی فعل مستقیماً با اسم در ارتباط است و با توجه به قوانین صوت یکی از پسوندهای زیر را می‌گیرد:

(i) -

راه پیدا کردن و تشخیص این وضعیت، جواب دادن به سوال (nəyi/nəmənəyi, kimi) است:

Nəmənəyi içiring? Südü içirim.

Kimi çağırınıng? Əhmadı çağırırım.

Kimi bəğənding? Bəhməni bəyəndim.

۱. Yönləlmə Durumu / وضعیت جهتی

وضعیت نمایش ورود به جا و مکان، نزدیک شدن به جا و مکان و سمت و سو است. با توجه به قوانین صوت یکی از پسوندهای (A) را می‌گیرد و راه تشخیص آن جواب دادن به سؤال (hara/haraya, kimə) است.

Kimə baxtıng? Maral xanıma baxtım.

Hara gedding? Zəncana geddim.

۲. çıxma durumu / وضعیت استخراج (از مکان - شخص)

گرفتن از کسی یا چیزی، آمدن از جا و مکان و یا ورود و خروج به جا و مکان را نمایش می‌دهد. بنا به قوانین صوت یکی از پسوندهای d(A)n را می‌گیرد، راه تشخیص آن جواب دادن به سؤال Hardan است.

Hardan gəldding? Yuxarıdan gəldim.

Hardan gəliring? Firuzabad'dan.

این وضعیت بعضاً برای بیان دلیل و سبب نیز به کار می‌رود؛ سوال (nədən):

Yoxsulluktan dükanını yığıştırdı.

Acıdan öldü.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همانطور که گفتیم این وضعیت برای نمایش سمت و سو نیز است:

Reza pəncərədən otağa girdi.

Oğru balkondan içəri girmiş.

۳. tamlayan durumu / وضعیت وابستگی (نسبت دهی - کامل کننده)

وضعیت مالکیت و ارتباط را نشان می‌دهد. با توجه به قوانین صوت یکی از پسوندهای (İ)ng را می‌گیرد. راه تشخیص آن جواب دادن به سوال‌های زیر است.
(?kiming?,nəying?,nəmənəying)

Bu əv kimindir? Bu əv İsmayılıngdır.

Bu nəying fişidir? Bu ütününg fişidir.

۳. qalma durumu / وضعیت جایگاهی

وضعیت تعلق، ماندن و اهلیت را نشان می‌دهد. بنا به قوانین صوت یکی از پسوندهای d(A) را می‌گیرد و راه تشخیص آن جواب دادن به سوالات زیر است.

(harda?,haçan/nə zaman?)

Haçan Şiraza gediring? Saat beştə gedirim.

Harda yeməli yeyiring? Otaqda.

صفت‌ها:

واژه یا گروهی از واژه‌هاست که درباره‌ی اسم توضیح داده و یکی از خصوصیات اسم را از قبیل حالت، مقدار، شماره و مانند آن را بیان می‌کند. همانطور که قبلاً گفته شد صفت در زبان ترکی قبل از اسم می‌آید و شرایط و شدت و همچنین خصوصیت اسم را مشخص می‌کند. صفات، بنا به وظیفه‌ای که دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Görsədmə (nitələmə) sıfatlar

- qarşılaştırma - مقایسه
- gücləndirmə = pəkiştirmə - تقویتی
- küçültmə - کوچک کردن / کاهش
- unvan - عنوان

Bəlırtmə sıfatlar

- İşara - اشاره
- soru - سؤال
- bəlırsızlık - نامشخص
- sayı - شمارشی

Görsədmə (nitələmə) sıfatlar □ / صفات نمایندهی ویژگی

صفاتى كه يك ویژگی مانند خوبى، بدى، بزرگى، كوچكى، رنگ، كمى، زیادى و ... از يك اسم را به نمایش مى گذارد. صفت در زبان تركى همیشه قبل از اسم مى آید عبارت موصوف و صفت (sıfat tamlaması) مى سازد و نمى تواند پسوند بگیرد با این توضیح اگر ویژگی بعد از اسم آمده باشد موصوف و صفت (sıfat tamlaması) نیست و مى تواند پسوند بگیرد و حکم يك جمله را دارد كه صفت آن در قالب جمله بكار رفته است:

Böyük əv → sıfat tamlaması var → ek alamaz.

(عبارت اسمى است و پسوند نمى گیرد.)

əv böyük → sıfat tamlaması yox. → ev böyüktür, əv böyük dəğil, əv böyüdü, əv böyügmüş.

(عبارت اسمى نیست، پس مى تواند پسوند بگیرد.)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۱. مقایسه / qarşılaştırma

این نوع صفت که در واقع یک صفت مقایسه‌ایست و برای مقایسه هم همانطور که می‌دانیم سه وضعیت پیش می‌آید:

تساوی: در زبان ترکی قشقایبی برای نمایش برابری یک ویژگی در دو اسم از کلمات و پسوندهای زیر استفاده می‌گردد:

- Təkin, bu qatıq, qoyun südündəndir, bax! daş **təkindir**.
بیشتر برای بیان برابری یک ویژگی در اشیاء و حیوانات کاربرد دارد.
- Kimin, hər kəs bizim **kimin** dərd və qəm varı baxsın bizə ağlasın (Məzun şiiri)
بیشتر برای بیان برابری یک ویژگی در انسان کاربرد دارد و عموماً در متن‌های ادبی کاربرد فراوانی دارد.
- Qədər/Qadar : dünəg gecə ki **qədər** oldu.
بیشتر برای بیان برابری یک ویژگی کمی و مقداری کاربرد دارد.
- Ç(A)/ç(A)s: səni öz qardaşım **ça/ças** çox istəyirim.
بیشتر برای بیان برابری یک ویژگی کمی و مقداری کاربرد دارد.

نکته: با توجه به قوانین صوت، دو مصوت در برخورد با یکدیگر یا یک حرف محافظ بینشان قرار میدهند یا اینکه یکی از حروف (عموماً حرف اول) حذف می‌شود. در فعل «istəyirim» به دلیل اینکه دو حرف «ə» و «i» پشت سر هم آمده، نوشتار و گفتار هر دو شکل «istəyirim» و «istirim» مرسوم و مقبول است.

برتری: در زبان ترکی قشقایبی برای نمایش برتری یک ویژگی بین دو اسم از ترکیب $d(A)n$ daha و یا $d(A)n$ به تنهایی استفاده می‌گردد:

Bu əv sizing əvingizdən **daha** böyüktür.

Əşək fildən **daha** küçüktür.

Fil dovşandan böyüktür.

در میان برخی گروه‌های قشقایبی از پسوند (rəg) هم استفاده می‌شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برترین: ویژگی برترین بین یک گروه بیش از دو موجودیت صورت می‌گیرد و بالاترین را نشان می‌دهد، که در زبان ترکی قشقای از واژه «əng» استفاده می‌شود.

Əng aqlı varlıq insandır.

Fil əng böyük hayvandır.

Bu ağaclarıng əng böyüğü ortadadır.

۲. تقویت / Güçləndirmə - pəkiştirmə

این نوع صفت حالتی برای شدت‌دهی به یک صفت را بیان می‌کند. این شدت‌دهی با گرفتن یک پیشوند انجام می‌شود. همچنین توجه کنیم که تنها مورد در زبان ترکی است که با پیشوند ساخته می‌شود. معمولاً اینگونه ساخته می‌شود:

به هجای اول صفت یکی از حروف m.p.r.s اضافه می‌شود و در ابتدای صفت قرار می‌گیرد.

M	P	R	S
Yamyaşıl/Yemyeşil	Qapqarangı	Tərtəmiz	Qosqoca
Sımsıcaq	Dapdağınac	Sərsəlamat	Dosdoğru
Bomboş	Apacı	Tartaza	
Bambaşqa	Apaydın		
Dümdüz	Sapsarı		
Yumyuvarlaq	Yepyengi		
	Yapyalıgız		

نکته: همان‌طور که قبلاً گفتیم اگر جای صفت و موصوف عوض شود تبدیل به یک جمله می‌گردد که می‌تواند پسوندهای مختلف بگیرد.

Bizim ev tərtəmizdir.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۳. کوچک کردن / Küçültmə

در زبان ترکی قشقایی کاربرد زیادی ندارد. در اکثر شیوه‌های زبان ترکی چند پسوند برای ساخت این صفت وجود دارد که در قشقایی فقط دو مورد c(A) و c(İ)k کاربرد دارد.

Güzəlcə bir qız gördüm

Təmizcə bir əv bulsak

Küçücük oğul böyük bir daşı qovzadı

۴. عنوان / unvan

رتبه، شغل، کلمات احترام‌آمیز که برای اسامی خاص به کار می‌روند. باز هم تکرار می‌کنیم که صفت‌ها همیشه قبل از اسم می‌آیند. یعنی این یک قانون در زبان ترکی است اما صفت‌های عنوان بعضاً بعد از اسم می‌آیند. برخی زبانشناسان این نوع را صفت نمی‌دانند و آن را در لیست کلمات «خطابت» قرار می‌دهند که شامل است از سه دسته: قبل از اسم – بعد از اسم – قبل و بعد از اسم.

Usta İrəj Fatma daza Mahmud əmi sayın Ayvaz bəy

□ Bəlırtmə sıfatlar / صفات شاخص

صفاتی هستند که اسامی را با شمارش، نمایش، سوال و ... مشخص می‌کنند. به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۱. صفات اشاره‌ای (İşarət sıfatları):

اسامی را از راه نشان دادن و اشاره مشخص می‌نمایند. در اصل کلمات مورد استفاده در این حالت ضمائر اشاره هستند. اما وقتی این ضمائر به جای اسم نمی‌نشینند، نقش صفت بازی می‌کنند و قبل از اسم می‌آیند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Bu, o

Bu namayı anama ver.

Bu dərdə dayanmaq qolay dəğildir.

O gün hər nə baxtım səni görmədim.

Olursa, oxuldan sonra o kitabı mənə ver.

۲. صفات سؤالی (Soru sıfatları):

صفتی است که با آن از نوع و چگونگی یا مقدار موصوف پرسش کنند. بعد از کلمه‌ی پرسشی حتماً باید اسم مربوطه بیاید در غیر این صورت نقش صفت نداشته بلکه ضمیر است. برخی از معروف‌ترین صفت‌های پرسشی:

- Nə .Siz nə iş görürünüz?
- Nicə. Nicə kitab aldınız?
- Nə+təkin= Nətəkin. Sizin sorular nətəkin sorularındı?
- Nicəyin. Sizlər nicəyin adamlar'nan (adamlar ınan) çalışırıngız?*
- Neçə . İstanbul'da neçə gün qalacangız?
- Hanı. Siz hanı əvdə qalırdıngız?
- Nətürkü. Sən nətürkü adamang?
- Nətür. Bu nətür qapıdır ki baqadar/buqadar tez qırıldı.

*به این نکته‌ی نگارشی توجه کنیم؛ حروف اضافاتی مانند *ıças, içəs, inan, inən* را هم می‌توانیم به کلمه‌ی قبل خود بچسبانیم که در این صورت لازم است در نگارش با الفبای لاتین بین کلمه‌ی مقابل حرف اضافه و حرف اضافه که البته خلاصه شده است یک علامت «^۱» قرار دهیم. در غیراینصورت، یعنی در حالتی که جدا بنویسیم نیازی نیست. در گویش‌ها عموماً بصورت خلاصه شده ادا می‌شود، اما از این پس در کتابت ترکی قشقایی هر دو شکل را می‌توانیم استفاده کنیم:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- Bura'ças gəl.
- Bura ıças gəl.
- Bura'ça gəl.
- Bura ıça gəl.

هر چهار مورد بالا در نگارش بلا مانع و صحیح است.

۳. صفات نامشخص (bəlirsizlik sıfatları)

صفتی که اسم را به صورت دقیق و حتمی توضیح نمی‌دهد. برخی از نمونه‌های پرکاربرد:

Bir: **Bir** oğul bugün mənə telefon eddi.

Hər: Bu çağda **hər** kəsə güvənməyəcəyng.

Bazı: **Bazı** adamlar özlərindən ayrı kimsəyə düşünməzlər.

Varı/Bütün/ Hamı/Tüm: Bir gün gəlir **bütün** insanlar barış içində yaşarlar.

Birpara: **Birpara** ögrəncilər, heç projə gətirmədilər.

۴. صفات شمارشی (Sayı)

صفت شمارشی صفتی است که شماره و تعداد موصوف را نشان می‌دهد و به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

- صفت اعداد اصلی (Ana sayı): تنها تعداد موصوف را بیان می‌کند. وقتی شمارش‌ها قبل از یک اسم می‌آید و مقدار و تعداد را بیان می‌کند:

اعداد در زبان ترکی:

اعداد در ترکی از یک قاعده ثابت و خاص پیروی می‌کند که یادگیری آن را آسان می‌کند:

تک رقمی	bir	İkki	üç	dört	beş	altı	yedi	Səkkiz	doquz
	اعداد ردیف بالا اعداد تک رقمی را نشان می‌دهند. اعداد ستون سمت چپ اعداد با رقم‌های بیشتر از دو رقم را نشان می‌دهند. جاهایی که ستاره * زده شده است نیز به همان شکل موجود ساخته می‌شود یعنی بدین صورت:								
	On								



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

İgirmi	یوز (صد) با قرار دادن اعداد تک رقمی جلوی آن به دوصد (دویست) + سه صد (سیصد) تا هزار ساخته می‌شود.
Otuz	(ikiyüz-üçyüz-dörtüüz-beşyüz igirmi-doquz yüz igirmi doquz)
Qırx	بین (هزار) با قرار دادن اعداد تک رقمی، دو رقمی، سه رقمی ابتدای آن اعداد روند
əlli	هزارگان، مانند (هزار)، اون بین (دههزار)، یوزبین (صدهزار)، دو قوز یوز بین
Altmış	(نهصد هزار) تا میلیونگان ساخته می‌شود.
yettiş	(ikimin-üçming-igirmiming-beşyüz igirmi ming-doquz yüz igirmi doquz ming)
Səksən	میلیون و میلیارد نیز به طرز مشابه انجام ساخته می‌شود.
doqsan	فرمول کلی ساخته اعداد را ببینیم :
yüz	۱۱ : شما فقط عدد ۱۰ و ۱ را یکجا می‌آورید. اون + بیر
İkki yüz*	به مثالهای بیشتر توجه کنید:
ming	igirmi bir = ۲۱
İkki ming*	otuz iki = ۳۲
milyon	yüz bəş = ۱۰۵
İki milyon*	ming yüz on bəş = ۱۱۵
milyard	igirmi milyon üç yüz on iki = ۲۰۰۰۳۱۲
İki milyard*	

صفت اعداد ترتیبی (sıra sayı):

ترتیب و جایگاه قرار گرفتن موصوف را نشان می‌دهد. در زبان ترکی قشقایی به دو شیوه استفاده می‌گردد، که یکی از آن‌ها رواج بیشتری دارد. ((İ)mk(İ)) اما به نظر می‌رسد این نوع ساختار در زبان ترکی قشقایی به دلیل تأثیرپذیری از زبان فارسی است و به همین دلیل با ترکی ترکیه و آذربایجان متفاوت است، در این کتاب هر دو صورت آن بیان می‌گردد؛



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

رایج در ترکی قشقای:

(İ)mk(İ)

- üçümkü

- birimki

مشترک در تمامی گویش‌های ترکی (از جمله کتاب‌های قشقای):

(İ)nc(İ)

- Birinci

- Cumhuriyätin **üzüncü** ilini qutladık.

- Romanın **səksən ikinci** sayfasına qədər oxudum.

- Əvimiz **beşinci** qattadır.

نکته: ilk و əvəlki به معنی اولین به کار می‌رود. ortanca, ortançılıq, son, sonuncu به عنوان صفت ترتیبی بکار می‌رود.

صفت اعدا توزیعی (paylaşım(dağıtım) sıfatları):

از دو شیوه برای بیان صفات توزیعی استفاده می‌گردد. شکل اول آن در ترکی قشقای رایج‌تر است:

- حالت اول (مجاوره‌ای): با تکرار یک عدد شکل توزیعی ساخته می‌شود:

Almaları **bəş bəş** varı kəsə dağıtınq.

Üç **üç** bir sıraya yerləşinq.

- حالت دوم (کتابی): بنا به قوانین صوت یکی از پسوندهای (A)r را می‌گیرد:

Hər bağçaya **doquzar** ağaç tikirdinq.

Bütün uşaqlara **bəşər** alma verinqiz.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صفت اعداد کسری (kasir sayı):

صفتی است برای بیان کسری از یک عدد که به دو صورت زیر بیان می‌گردد. شکل اول آن رایج و گفتاری‌تر است. هر دو شکل در جای خود مورد استفاده است: (از چپ خوانده می‌شود)

مخرج عدد + D(A) + عدد صورت

صورت + bölü+ مخرج

برای مثال، می‌خواهیم بگوییم: دو سوم یعنی $\frac{2}{3}$ ؛ طبق فرمول می‌شود:

Üçta iki یا iki bölü üç

مثال‌های بیشتر:

$\frac{3}{1}$	Üçta bir, bir bölü üç	۱۰٪	üzde on
$\frac{2}{1}$	Yarım, bir bölü iki	۵٪	üzde beş
$\frac{5}{5}$	Tam, beş bölü beş	۱۰۰٪	üzde üz
$\frac{4}{1}$	Çeyrek, bir bölü dört	۵۰٪	üzde əlli/yarı
$\frac{7}{3}$	üç bölü yedi, yedi də üç	۲۰٪	üzde igirmi

مثال در جمله:

Bu il **üzde üz** daneşgah sınavından geçeceğim.

Mən deyrim ki **Yüzde doqsan** Teraktör bu oyunu qazanır.

Şiraz şəhrinin **dördə biri** Türktür.

چهار عمل اصلی در زبان ترکی: گرچه این مبحث در حیطه‌ی دستور زبان نیست و جز مبحث صفت‌ها نیز قرار نمی‌گیرد، اما از آنجا که دارای اهمیت فراوانی است، در این مبحث



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به صفات ریاضی در دستور زبان پرداختیم.

جمع Artı → iki **artı** iki eşiddir (olur) dörd.

منها Əksi → beş **əksi** iki eşiddir (olur) üç.

ضرب Çarpı → altı çarpı üç eşiddir (olur) on səkkiz.

تقسیم Bölü → on **bölü** iki eşiddir (olur) beş.

عبارت وصفی (موصوف و صفت – sifət tamlaması):

موصوف کلمه ای است که شخص یا حیوان یا شی ای با آن نامیده می شود مانند: کتاب، یوسف، قلم و صفت کلمه ای است که ویژگی و احوال موصوف را شرح می دهد مانند: بزرگ، کوچک.

sifət tamlaması- sifət(tamlayan) +ad (tamlanan)

همانطور که می بینیم صفت tamlayan و نامها tamlanan هستند.

bütün qoyunlar

ikki adam

uzun boylu qız

مانند عبارت اسمی می تواند زنجیرای نیز باشد:

uzun boylu, qara saçlı qız.

چند صفت با هم می آید که با یک کما از هم جدا می شوند و هرکدام به طور جداگانه یک صفت از موصوف یا موجودیت را بیان می کند. بعد از دیدن ویژگیها و انواع کلی صفت در زبان ترکی قشقای، بد نیست به لحاظ ساختاری نیز صفتها را مورد بحث قرار دهیم:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انواع صفت از نظر ساختار

صفت ساده: (yalın)

صفتی که قابل تقسیم به جزءهای معنی دار و معنی ساز نباشد.

Gözəl qız

üç öğrənci

küçük (kumbuca) qurd

صفت مشتق (türəmiş):

صفات‌هایی که با پسوند ساخته شده‌اند.

aqlı adam

güclü insan

bilimsəl yazı

این صفات دو نوع‌اند:

- صفاتی که از اسم ساخته می‌شوند؛ با اضافه شدن پسوند به اسم تبدیل به صفت می‌شوند.

Yalancı oğul

Güclü pəhləvan

Bilimsəl dərgilər

Dağçılıq geyimləri

Aqlsız adam

- صفاتی که از فعل ساخته می‌شوند یعنی با اضافه شدن پسوند به فعل. مهمترین بخش این

پسوندها اورتاچ‌ها هستند. در مورد اورتاچ‌ها در بخش‌های بعد به طور مفصل بحث خواهند شد.

Gələn adam

Yüzən qız

Bişmiş yeməli

Gələcək il



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نکته: علاوه بر اورتاچها پسوندهای دیگری نیز می‌توانند همراه فعل بیایند و صفت‌ساز شوند:

Süzmək → Süzmə bal.

Ağlamak → ağlağan oğul.

صفت مرکب:

صفتی که از چند جزء معنی‌دار یا چند جزء معنی‌دار و معنی‌ساز ترکیب شده باشد.

daş ürəkli

yurtsəvər qahramanlar

haqsəvər qaşqayılar

ضمایر (Adıl)

ضمایر جای اسم‌ها به کار می‌روند و اسم بحساب می‌آیند اما باتوجه به اینکه جای شخص، سوال و ... قرار می‌گیرند، خود به دسته‌های زیر هم تقسیم می‌شوند:

۱. ضمایر شخصی - Kişi Adılları

۲. ضمایر بازگشتی - Dönüşlülük adılı

۳. ضمایر اشاره - İşaret adılları

۴. ضمایر پرسشی - Soru adılları

۵. ضمایر نامشخص - Bəlirsiz adıllar

۶. ضمایر ربطی - İlgı adılı

۷. ضمایر مالکی - Əyəlik adılı

۱. ضمایر شخصی - Kişi Adılları

ضمیری که جانشین شخص می‌شود.

Mən

Biz

Sən

Siz

O

Onlar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضمایر شخصی همراه پسوند (ad durum eki)

Yalın durum	Mən	Sən	O	Biz	Siz	Onlar
belirtme durumu	Məni	Səni	Onu	Bizi	Sizi	Onları
Yönelme Durumu	Mənə	Sənə	Ona	Bizə	Sizə	Onlara
çixma durum	Məndən	Səndən	Ondan	Bizdən	Sizdən	Onlardan
tamlayan durum	Mənim	Səning	Onung	Bizim	Sizing	Onlaring
qalma durum	Məndə	Səndə	Onda	Bizdə	Sizdə	Onlarda

مثالها در صفحهی بعدی...

Mən dünəng gəldim.

Məni dünəng müdür çağırdı.

Mənə çayı ver.

Məndən pul almadılar.

Mənim əvim çox küçüktür.

Məndə iki qələm var.

Sən dünəng hardayıng?

Səni çox istərim.

Sənə yaxçı bir kitab verəcəğim.

Səndən hərəkət tarıdan bərəkət.(Atasözü)

Səning əving çox böyüktür.

Səndə bir əl tərpad.(deyim)

O dünəng hardaymış?

Onu bugün görmədim.

Ona mənim tərəfimdən çox salam yetird.

Ondan heç xəbər olmadı.

Biz oğru olduk gecə ayaydın.(Atasözü)

Bizi konsertə çağırıldılar.

Bizə nama gəlmədi.

Bizdən pul aldılar.

Bizim dişimizi saymışlar.(deyim)

Bizdə neçə gün qalacağangız(qalasıyangız).

Siz, daş qoyan yerə mən baş qoyarım.(deyim)

Sizi dünəng müdür çağırıldı.

Sizə nama yazacağım.

Sizdən də bir zadlar soracaqlarmış.

Sizing qıçingız biləni, bizim başımız bilməz.(deyim)

Sizdə neçə dəftər var?

Onlar da bugün oxula gedməmişlər.

Onları tanıyamadım.

Onlara nə deding?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Oung torpağıçaz
yaşayıng.(deyim)
Onda vəlm pul var.

Onlardən pul istədim, vərmədilər.
Onlaring əvi çox küçüktür.
Onlarda neçə gün qaldıng?

۲. ضمائر بازگشتی – Dönüşlülük adlı

ضمایری که به شخص انجام دهنده کار تاکید می‌کنند. در تعریفی دیگر، کار انجام شده به فاعل برمی‌گردد.

ضمیر شخصی	شخص	Dönüşlülük adlı ضمایر انعکاسی
Bən	اول شخص مفرد	Özüm
Sən	دوم شخص مفرد	Özüng
O	سوم شخص مفرد	Özü
Biz	اول شخص جمع	Özümüz
Siz	دوم شخص جمع	Özüngüz
Onlar	سوم شخص جمع	Özləri

ضمایر انعکاسی همراه پسوند (ad durum əki)

Yalın durum	Özüm	Özüng	Özü	Özümüz	Özüngüz	Özləri
Bəlırtmə durumu	Özüümü	Özüngü	Özüünü	Özüümüzü	Özüngüzü	Özlərini
Yönləlmə durumu	Özüümə	Özüngə	Özüünə	Özüümüzə	Özüngüzə	Özlərinə
çixma durumu	Özüümdən	Özüüngdən	Özüündən	Özüümüzdən	Özüüngüzdən	Özlərindən
Tamlayan durumu	Özüümüng	Özüüngüng	*Özüününg	Özüümüzüng	Özüüngüzüng	*Özlərinüng
qalma durumu	Özüümdə	Özüüngdə	Özüüündə	Özüümüzdə	Özüüngüzdə	Özlərində



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

*توجه شود که دو حرف «m» که ضخیم شده‌اند در واقع از حروف محافظ بین دو مصوت هستند.

مثال:

Özüm geddim ayran vermədilər qasıdım gedmiş kərə gətirə.(Atasözü)

Özüm, özümə eddim külü gözümə eddim.(Atasözü)

Özümü addım suya!

Özümə yoxum, Cabbara torba toxuyanım.(Atasözü)

Özümə görmürüm (deyim) ki bu dağa çıxayım.

Eling halını görüncə özümədən utandım.

Özüng için dost qazan, düşmən ələ ocaq başında.(Atasözü)

Özüngü təmiz saxla ölüm gəlir, əvingi təmiz saxla qonaq gəlir.(Atasözü)

Özüngə bir ingə vur, özgəyə bir çovalduz.(Atasözü)

ضمایر اشاره – İşaret adilları

ضمیری است که مرجع آن با اشاره معلوم می‌شود.

Yalın durum	Bu	O	Bunlar	Onlar
Bəliirtmə durumu	Bunu	Onu	Bunları	Onları
Yönəlmə Durumu	Buna	Ona	Bunlara	Onlara
Çıxma durum	Bundan	Ondan	Bunlardan	Onlardan
Tamlayan durum	Bunung	Onung	Bunların	Onların
Qalma durum	Bunda	Onda	Bunlarda	Onlarda

مثال:

Qələmi aldım → nəmənəyi adling? **bunu** aldım.

Halva istəyirim(istirim) → hamı Halvadan? **bundan**.

Çanta aldım → nə alding? Bax! **Onu** aldım.

Geddim dükana → nə alding? **Bunları** aldım.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نکته: هنگامی که بعد از ضمایر اشاره اسم می‌آید بعضاً می‌تواند سبب ایجاد دوگانگی معنا شود. که در زبان ترکی اصطلاحاً (anglam bulanıqlığı) گفته می‌شود. چاره کار استفاده از «ویرگول» است. شبیه جمله‌ی معروف در دستور زبان فارسی «بخشش لازم نیست اعدامش کنید.»

O əvə geddi.

O, əvə geddi.

Bu adamı işdən çıxarddı.

Bu, adamı işdən çıxarddı.

۳. ضمایر اشاره – İşaret adilları

واژه‌های پرسشی که جایگزین اسم شده‌اند. kim برای انسان و nə/nəmənə, neçə, hanı برای حیوانات و اشیا و ...

Yalın durum	Kim	Kimlər	Nə	Nələr
Bəliirtmə rumu	Kimi	Kimləri	Nəyi	Nələri
Yönəlmə urumu	Kimə	Kimlərə	Nəyə	Nələrə
çixma durum	Kimdən	Kimlərdən	Nədən	Nələrdən
tamlayan urum	Kiming	Kimləring	Nəying	Nələring
qalma durum	Kimdə	Kimlərdə	Nədə	Nələrdə

نکته: nəmənə هم مانند nə است. خود حالت‌های مختلف را بررسی کنید.

مثال :

Kim gəldi ? → Mən gəldim

Kim kimə dir? → (deyim)

Kimlər irlayabilir? → Bizlər irlayabilrik.

Kimləri gördüngüz? → Gəlin obasından varı kəsi gördük.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

neçə

به طور معمول neçə مانند دو مورد قبل پسوند جمع نمی گیرد.

Saat **neçədə** geddilər?

Qoyunların **neçəsini** buldunuz?

Almaları kilusunu **neçədən** aldınız?

Hanı

Gördüğün **oğul hanıdır**?

همان طور که در قسمت صفات پرسشی گفته شد بعد از کلمه پرسشی اگر اسم مربوطه بیاید صفت است و در غیر این صورت نقش ضمیر دارد.

Qoyunların **neçəsini** buldunuz? (adıl)

Neçə qoyun buldunuz? (Sıfat)

۴. ضمائر نامشخص – Bəlisiz adılar

ضمایری که به جای اسم های عام و یا نامشخص می نشینند.

نکته: ad durum eki هم می گیرند.

برخی از واژه های معروف در زبان ترکی قشقایی را که ضمیر نامشخص هستند را ذیلاً ببینیم:

Biri, birisi, kimi, kimisi, həkəs, kimsə, heç kimsə, çoxu, varısı, bazısı, birparası, birazı, hər biri, insan, adam, kişi, zad,...

مثال:

Dünəng oxulda **biri** səni gəzirdi.

Səhər **həkəs** bu dərsi oxusun.

Burda **kimsə** məni anlamır.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Quzularing **hərbiri** bir yana geddi.

Adam gedigində bir telefon edər.

İnsan yoldaşına yalan deyər?

Burda **varı zad** var.

5. ضمائر ربطی – İlgi adılı

پسوند «کی» است که به جای اسم می‌نشیند و برای جلوگیری از تکرار یک کلمه استفاده می‌گردد.

Vahid laptobu Sony'dır, mənim **laptobum** Lenovo'dur.

Vahid laptobu Sony'dır, mənim **ki** Lenovo'dur.

Sizing əvingiz küçüktür, bizim **əvimiz** böyüktür.

Sizing əvingiz küçüktür, bizim **ki** böyüktür.

Mənim**ki** → Mənim**kilər**.

Bizim**ki** → Bizim**kilər**.

Bizlə**ringki** → Bizlə**ringkilər**.

Qonşular**ki** → Qonşular**kilər**.

برای حالات جمع و مفرد پسوند **ki** به یک شکل استفاده می‌شود. اما بعد از گرفتن پسوند **ki** واژه جدید می‌تواند پسوند جمع بگیرد که این جمع به مفهوم واژه‌ی جدید اضافه می‌شود.

6. ضمائر مالکی – Əyalik adılı

Mənim otaqım təmizdir → otaqım təmizdir.

می‌دانیم که ضمیر کلمه‌ایست که به جای اسم می‌نشیند، اما در جمله‌ی بالا فقط کلمه **Mənim** از جمله حذف شده است. اما وظیفه این کلمه بر عهده‌ی ضمیر مالکی قرار گرفته



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است. از اینرو آن را در دسته ضمیرها نیز قرار می‌دهند.

عبارت ضمیری (adıl Tmalamsı)

در بخش‌های گذشته، دو شکل مضاف و مضاف‌الیه یا عبارت اسمی (Ad tamlaması) و موصوف و صفت یا عبارت وصفی (sıfat tamlaması) را دیدیم و کاربرد آنها را بررسی کردیم. اما در زبان ترکی بعضاً ضمیرها و اسم‌ها با هم نیز در یک عبارت استفاده می‌شوند. که به این استفاده‌ی ضمیر و اسم با هم در یک عبارت را «عبارت ضمیری» (adıl tamlaması) گویند.

Mənim qələmim.

Bizim əvimiz.

Bizim əvimiz çox təmizdir. → Əvimiz çox təmizdir.

قید، ظرف یا شاخص (bəlırtəç):

کلمه‌ای یا مجموعه‌ای از کلمات است که کیفیت صفت، فعل یا مسند را با تغییر مفهوم آن دستخوش تغییرات قرار می‌دهد. قیدها از نظر معنی و مفهوم به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱. زمان – **çağ (zaman) bəlırtəçlırı**: کلماتی که افعال را به لحاظ زمانی تحت تاثیر قرار می‌دهند و آنها را نسبت به زمان مقید می‌سازند.

برخی از کلمات معروف و پر استفاده:

aqşam, gəçən il (bıldır), gələn yıl, yaz, qış, gecə, gündüz, əskidən, dünəng, bugün, indi, həməñ, çabuk, tez, gec, sabah, gələcək yıl(yengil), günlərcə, aylarca, illərcə,

قید زمان در یک جمله، جواب یکی از سوالات زیر در جمله است؛

Nə zaman/haçan/nə zamndan bəri/ haçandan bəri?

Babək haçan gəldi? → Babək bugün axşam gəldi.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Siz nə zaman gəldingiz Şiraz'a? → Biz bəş, on il bundan iləri gəldik.
Sən haçandan burda işə başlamışing? → Qıştan bəri burdayım.
Həsən haçan geddi oxula? → Gəçən hafta geddi.
Reza haçan gəldi, haçan geddi? → Dünəng gəldi, bugün geddi.
Nə zamndan bəri əvliying? → On bir ildən bəri əvliyim.
Haçandan bəri burda? → İki haftadan bəri burda.

Nə zamana qadar/ haçanangças?

Siz haçanangças burdayangız? → İki üç günəngçəs biz burdayık.
Nə zamana qadar işlə olmalıying? → Saat bəşə qadar işlə olmalıyım.

Nə qadar/naqad?

Bu toplantı naqadar sürür? → Toplantı iki saat olur.

۲. مکان – yer, yan(yön) bəlirtəçliri که افعالی را به لحاظ مکانی و سمتی تحت تأثیر قرار می دهند و آنها را نسبت به مکان مقید می سازند، بعضی از کلماتی مهم و پرکاربرد:

İləri, geri, aşağı, uxarı, arxa, sağ, sol, bura, ora, üst, alt, içəri, yazzi, ön, yan
برای پیدا کردن راحت تر این گونه کلمات بهترین روش پرسیدن سؤالات زیر در جمله است که پاسخ هر یک از سؤالات در جمله، قید را مشخص می کند.

Haraya/hara/hayana?

İsmayıl hayana girdi? → İsmayıl içəri girdi.

Harda/hayanda?

Yoldaşing harda bəkləyir? → Yoldaşım aşağıda bəkləyir.

Haradan/hayandan?

Yel hayandan gəlir? Sağdan gəlir.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۳. مقدار – ölçü bəliirtəçləri: کلماتی که افعال، صفات و قیدها را به لحاظ کمیتی تحت تأثیر قرار می‌دهند و آنها را نسبت به کمیت (زیادی و کمی) مقید می‌سازند، بعضی از کلماتی مهم و پرکاربرد:

az, çox, çox az, qədər, daha, əng, əng çox, əng az, biraz, qələncə, varı, yarı, əksik,

çox oxudum, çox da yazdım ama ustad mənə çox az numra verdi.

Mivələr içində əng çox qarpuzu səvərim.

Mənə bir az su gətir.

این کلمات اگر قبل از اسم بیایند و در نقش توضیحگر اسم قرار بگیرند دیگر قید نیستند بلکه نقش صفت دارند:

قید: Zahra çox güliür.

صفت: Oxulda çox örgənci var.

۴. سؤالی – soru bəliirtəçləri: کلماتی که مفهوم افعال، صفات را از راه پرسش و سؤال مشخص می‌کنند. بعضی از کلماتی مهم و پرکاربرد:

nəməna, nicə, nədən, hanı, hardan, nə, nə için (nəçin), nə qədər, kiming inən, kiming için

Dərsə kiming inən çalıştıngız?

Nəçin mənə söyləməding?

Bunu mənə nicə söyləding?

۵. حالت – durum bəliirtəçləri:

کلماتی که افعال، صفات و قیدها را به لحاظ وضعیت و حالت تحت تأثیر قرار می‌دهند و آنها را نسبت به وضعیت و حالتشان مقید می‌سازند و چگونگی انجام یک کار، سبب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انجام یک کار و نتیجه را مشخص می‌کنند. کلمات زیادی در این دسته قرار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی نیز کرد.

dik, ağrı, doğru, temiz, güzel, öyle

- Bu işi birlikte...
- Oxula geç geddim.
- Əyri otur açix danış.

سایر قیود را فقط ختم به مثال خواهیم کرد؛

۶. منفی: asla, heç, heç bir zaman

۷. استثنا: bundan daha, bundan başqa

۸. تأکید: həyə, kesin, hətmən, gerçəktən

۹. کیفیت: yavaş, yaxçı

۱۰. استفهام: nə için, aya, nəcür, çünkü

۱۱. تأسف: motəəssefanə, əfsus, mələsef

۱۲. تعجب: acəb, bax, baxbax, qaçqaraqaç

۱۳. شک و تردید: şayəd, bəlki

۱۴. قید تکرار: genə, ginə, yinə, ginədən

انواع حرف (İlgəçlər):

کلماتی هستند که بین کلمه‌های مختلف ارتباط، تشابه و یا توضیح برقرار می‌کنند. تا حدودی شبیه به حروف اضافه در زبان فارسی هستند. برخی از حروف پر استفاده در زبان ترکی قشقایی را ذیلاً می‌بینیم:

Təkin(ləyin) , kimin



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

:Təkin(ləyin)

معادل *gibi* در زبان ترکی ترکیه است و برای نشان دادن شباهت و همانندی بکار می‌رود. در فارسی نیز معادل مثل و مانند است. البته این مثل و مانند در ترکی بیشتر برای حیوانات و اشیاء کاربرد دارد.

Daş **təkin** qatıq.

Qoyun **təkin** canavarıdı.

برای انسان بیشتر از واژه *kimin* استفاده می‌شود البته در زبان محاوره بعضاً *təkin* هم استفاده می‌گردد.

Xosru **kimin** oğlu.

:Qadar/Ça-çə(ças-çəs)

این حروف نیز برای نشان دادن شباهت و همانندی است، منتها در این حالت نوع همانندی یک حالت کمی یا مقداری دارد.

səning qadar/ça/çəs gözəl bir qız görmədim.

استفاده می‌گردد *kimin* یا *təkin* این حرف گاهی اوقات دقیقاً جای

mələk kimin gözəl qız = mələk qadar gözəl qız/ mələk ça/çəs gözəl qız.

qar təkin aq daşlar = qar qadar aq daşlar/ qar ça/ças aq daşlar.

için

این حرف معمولاً برای بیان سبب یا هدف بکار می‌رود. معادل فارسی «برای» است.

Səning **için** hər iş desəng görərim.

Bu şiirləri səvdiğim gözəl bir qız **için** yazdım.

Çox kəs faqət pul **için** çalışır.

Sağlığımız **için** hər zaman aqarantı yeməliyik.

:(İ)n(A)n

معادل «به وسیله‌ی»، «با» و «و» (با مفهوم «باهم» یا «با») در زبان فارسی است. دقت می‌کنیم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که وقتی $(\dot{I})n(A)n$ با مفهوم «و» می آید، یک حرف اضافه نیست، بلکه نقش یک $bağlaç$ (حرف ربط) را دارد. در ترکی قشقای $(\dot{I})n(A)n$ به صورت یک پسوند بین دو واژه ارتباط برقرار می کند و حروف صدادار آن نیز با توجه به کلمه ی قبلش از قانون هماهنگی اصوات پیروی می کند: $\dot{I}(ı,i,ü,u)nA(a,ə)n$

$(\dot{I})n(A)n$ با مفهوم «با» و «بوسیله ی»:

Bunları postınan (post inan) yollayıng.

Təbriz'ə otobüsünən (otobüs inən) gəddik.

Çox pulunan (pul inan) da insan mutlu olmaz.

Bugün hava çox qəşəngdir, yazıya köynəginən də çıxabilir.

İstanbul'a uçağınan gəddim.

نکته: همان طور که دیدیم در نگارش $(\dot{I})n(A)n$ می توانیم آن را جدا از کلمه ی مقابل خود هم بنویسیم. البته هنگامی که $(\dot{I})n(A)n$ از کلمه جدا بیوفتد، فقط بصورت $inan$ و $inan$ نوشته می شود.

$(\dot{I})n(A)n$ با مفهوم «و» یا نقش حرف ربط ($bağlaç$):

Boğdayınan arpa aldım - Boğda və arpa aldım.

Xosruynan Naser qaşqayılaring böyük xanlarıymış.

Çantayınan darağı gətir.

نکته: پسوند « $L(\dot{I})$ » گاهی اوقات مفهوم «با» و «بوسیله ی» را می دهد:

Obaya atınan gəddik - Obaya atlı gəddik.

Qışlar paltoyınan gəzirik - Qışlar paltolu gəzirik.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Görə

این حرف برای بیان نظر و هم چنین مقایسه بکار می‌رود و معادل کلمات «از نظر»، «نسبت به آن» «با توجه به آن» در زبان فارسی است. در استفاده از این حرف از بین پسوندهای Ad durum پسوند جهتی (yönəlmə eki) استفاده می‌شود.

Mənə görə bu işi ikki ay içində görəməzlər.

İranlılara görə Türkiyə gəzi için bir beheştir.

نکته: بعضاً از پسوند CA/CƏ به جای Görə استفاده می‌شود:

Məncə bu işi ikki ay içində görəməzlər.

در زبان ترکی کلمات بسته به مکانی که قرار می‌گیرند، می‌توانند نقش‌های متفاوتی ایجاد کنند. به همین دلیل حرف‌هایی که درباره‌ی آن‌ها بحث کردیم، می‌توانند نقش صفت (sifat)، اسم (ad)، و از همه مهمتر قید (bəlirtəç) نیز داشته باشد.

aslan təkın savaştılar	bəlirtəç
aslan təkın oğul	ilgəç
aslan qadar güclü	ilgəç
səni gecəyə qadar bəklədim	bəlirtəç

baxıban

همانند Görə است و دقیقاً همان کاربرد را دارد، اما کم استفاده است.

Landrover'ə baxıban Nissan Qashqai daha güclüdür.

نکته: نام برندها و مارک‌ها را به همان صورت متداول بین‌المللی می‌نویسیم. (Nissan Qashqai)

پسوندهای موقعیت و قیدها (ad durum əkləri və ilgəçlər):

قیدها تنها در صورتی پسوند اسمی، پسوند مالکیت و پسوند جمع می‌گیرند که نقششان از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قید به چیز دیگری مثلاً اسم تغییر کند، به این دلیل به کلمه‌ی قبل از خود، پسوند اضافه می‌کنند. با این توضیح پسوند **ad durum ekləri** خود به چند دسته تقسیم می‌شود:

Yalın durum istəyən ilgəç: کلمه‌ی قبل به صورت ساده می‌آید. با ضمائر نیز استفاده می‌شوند.

Əhməd için curab aldım.

Həsən fil qadar/çə güclüdür.

گاهاً با قرار گرفتن در کنار ضمائر به شکل یک عبارت نیز کاربرد دارد، یعنی از پسوندهای **İn(in,un,ün,ın)** که پسوند مکمل اسم (**tamlayan**) است، استفاده می‌گردد:

Sizing qadar gözəl yox.

Bu işi mənim için düzəlt.

Bu şalvarı onun için aldım.

Bu dünyada bənim kimin gıcal adam olmaz!

Onung təkin arıq gəçi yox.

Yönəlmə durum istəyən ilgəç: کلمه‌ی قبل با پسوند **yönəlmə** یعنی «a» و «ə» می‌آید.

Bana görə bu dərs çətin bir dərstir.

Aqşama qadar çalıştılar.

Günə qarşı baxma zərəri çoxtur.

çixma durum istəyən ilgəç: کلمه قبل پسوند جایگاهی (**çixma durum əki**) یعنی **dan(dən)** می‌گیرند.

Naştalıqdan iləri sigar çəkmə.

Pəncərədən yazıya baxtım.

Səndən ayrı məni anlayan yox.

همان‌طور که دیدیم در زبان ترکی برخی کلمات که اسم، صفت، قید هستند و ذاتاً حرف



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اضافه نیستند نیز بعضاً می‌توانند نقش حرف اضافه را بازی کنند. کلماتی مانند:

Aşağı, Uxarı, Sonra (Sora), Qarşı, Doğru, Alt, Üst, Yan, İç, Ayrı, Yazdı

حرف ربط (bağlaç):

کلمه‌ای است که دو عبارت، دو کلمه یا دو جمله‌ی هم معنی و یا غیر هم معنی را به هم ربط دهد. برخی از حروف ربط در زبان ترکی:

Və, Ama, Ya Da, Əgər, Vəya, Yalnız, Bilə, Çünkü, Dahi, Da, Da ... Da, Ki,
Demək Ki, Faqat, Genə, Ginə, Həm...Həm, Həm ... Həm Də, Hətta, Hələ, ələ,
Həm, Həm Də, İstər...İstər(Sə), Açıqcası, Ancaq

حرف ندا (ünlən):

۱. برای صدا زدن استفاده می‌شود:

hoy, hey, hay

۲. برای بیان احساس اعم از تعجب، دوست داشتن، ترس:

əh, oh, of, vay, həy, hii

۳. برخی کلمات مانند اسامی خاص در موقعیت صدا زدن:

Əhməd, Qulu Bəy

کلماتی هم برای بیان برخی احساسات کاربرد دارد:

Afərin, Tanrım, Allah

نکته: دسته‌ای از صفت‌ها هم می‌توانند در این نقش باشند:

Əhməq adam, alçaq adam

بعضی قیود نیز می‌توانند این نقش را داشته باشند:

qaça qaça gəl, buraya gəl, tez gəl

۴. بعضی از صداهاى طبیعت:

hav hav, güm güm, tıq tıq, tırıq tırıq, tıq tıq

۵. عبارات ندایی:

maşallah canım, maşallah qızım, sən Allah



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل چہارم: افعال (ایلم لرا)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



زبان ترکی و به طبع آن زبان ترکی قشقایی قدرت کم نظیری در فعل سازی دارد. به طوری که برای معادل سازی افعال ترکی در زبان های دیگر نیاز به چندین فعل و کلمه داریم. به همین دلیل نیز در این کتاب، ما اهمیت ویژه ای به افعال داده ایم. ابتدائاً و قبل از ورود به بحث افعال در زبان ترکی قشقایی، لازم است توضیح دهیم که تقسیم بندی دستور زبانی افعال در هر زبانی مانند هم نیست. با اینکه زبان این کتاب به فارسی است اما به دلیل تفاوت ماهیتی و منطبق زبان ترکی و فارسی، تقسیم بندی افعال در زبان ترکی به مانند آنچه در زبان فارسی امروز رایج است نخواهد بود. اما برای سهولت درک، بخصوص برای عزیزان غیر ترک زبان سعی بر این شده که توضیح هر بخش با وضوح و معادلی مناسب آن در زبان فارسی ارائه شود. با این حال در این بخش فعل ها را از نظر زمانی (حال، گذشته و آینده) ارائه می دهیم و به مرور، افعال پیشرفته تر را بررسی خواهیم کرد.

فعل در زبان ترکی مانند هر زبان دیگر حامل بار و مفهوم انجام کار است و با اضافه شدن پسوند و وجه کیفیت و کمیت آن گسترش می یابد.

ابتدائاً برای ادراک بهتر افعال لازم است پسوند شخصیت (kişi eki) را یاد بگیریم؛

Mən→(İ)m	Biz→(İ)k
Sən→(İ)ng	Siz→(İ)ng(İ)z
Ö	Onlar→l(A)r



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یادآوری مجدد: می‌دانیم در زبان ترکی، حروف با توجه به یکدیگر تغییر می‌کنند، (قانون هماهنگی اصوات)، در سراسر این کتاب و بخصوص این فصل، برای اختصار در ارائه‌ی فرمول‌ها و ساختار افعال از ترکیبات زیر استفاده می‌کنیم. حرف داخل پرانتز نماینده‌ی حروف هم‌گروه خود است. به جدول زیر دقت کنید:

(İ)	i,ı,ü,u
(A)	a,ə

مثلاً منظور از عبارت «m(İ)ş» این است که این عبارت در افعال مختلف و با توجه با قانون هماهنگی اصوات در ترکی می‌تواند به شکل‌های mış,miş,müş,muş تغییر کند.

نکته: سوم شخص مفرد یعنی «O» دارای پسوند شخصیت نیست. اما در زبان ترکی قشقای برای صرف فعل «بود» یا «هست» از پسوند «d(İ)r» در سوم شخص استفاده می‌شود. به صرف زیر دقت کنید:

Mən	uyag+ım	Biz	uyag+ık
Sən	uyag+ıng	Siz	uyag+ıngız
O	uyag+dır	Onlar	uyag+dır/uyag+dır+lar

نکته: سوم شخص جمع یعنی «Onlar» هم می‌تواند پسوند «l(A)r» بگیرد و هم اینکه مانند سوم شخص مفرد باشد.

کوچکترین واحد معنا دار افعال ساده ریشه یا بن آن است. در زبان ترکی ریشه فعل هیچگاه تغییر نمی‌کند و فقط پسوندها تغییر می‌کنند. پسوند «m(A)k» که همراه بن فعل می‌آید پسوند مصدری یا پسوند فعل بودن است. با اضافه کردن همین پسوند به هر فعلی چه فعل ساده باشد و چه فعل با زمان و وجه‌های مختلف، مصدر ساخته می‌شود. در فصول قبل این مطلب را یاد گرفتیم. به دو مصدر «Gülmək» و «Gülüştürebilmək» دقت کنید. پسوند مصدری فعل اول را حذف کنیم به «-Gül-» خواهیم رسید و در دومی با حذف پسوند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مصدری به «Gülüştürebil-» خواهیم رسید. هر دو فعل هستند. اولی ساده و دومی با وجه «ایشتش» و وجه «توانایی». در ادامه به تفصیل در مورد وجه‌ها خواهیم نوشت. لذا توجه کردیم که هر فعل را می‌توان به مصدر که در واقع مصدر نیز نوعی اسم است، تبدیل کرد. در تعریف فعل گفتیم که ریشه‌ی یک فعل با گرفتن پسوند شخصیت و پسوند زمان و وجه‌ها (در ترکی: کیپ) گسترده‌تر می‌شود. در ادامه با معرفی چهار زمان گذشته، حال، استمراری (ایندی کی زامان) و آینده بررسی افعال را پیش خواهیم برد. بعد از آن همین افعال را به وجه‌های شرطی، اجباری، توانایی و امری تبدیل کرده و صرف خواهیم کرد. در آخر افعالی را بررسی می‌کنیم که فاعل را دستخوش تغییر قرار می‌دهند. یعنی افعال نسبت به فاعل جمله تغییر می‌یابند. دسته‌ی آخر جز افعالی هستند که در کمتر زبانی دیده شده است و از زیبایی‌های زبان ترکی هستند.

گچمیش زامان ایلمی (فعل زمان گذشته)

در زبان ترکی قشقای فعل زمان گذشته به دو صورت بیان می‌شود:

۱. گزولن گچمیش ایلمی (فعل زمان گذشته‌ی مشخص - حکایی)
۲. گزولمه‌ین گچمیش ایلمی (فعل زمان گذشته‌ی نامشخص - روایی)

۱. گزولن گچمیش ایلمی (فعل زمان گذشته‌ی مشخص - حکایی)

در زبان ترکی قشقای فعل زمان گذشته‌ی مشخص، به عملی در گذشته دلالت دارد که گوینده‌ی فعل در مکان وقوع حضور داشته و آن را دیده است و اکنون حکایت می‌کند. این فعل به این نحو صرف می‌شود:

Eyləm+d+kişi əki	فرمول
Mən ged+dim	Biz ged+dik
Sən ged+dینگ	Siz ged+dینگiz
O ged+di	Onlar ged+di/ged+dیلər



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت منفی

Eyləm+m(A)+d+kişi əki	فرمول
Mən ged+mə+dim	Biz ged+mə+dik
Sən ged+mə+ding	Siz ged+mə+dingiz
O ged+mə+di	Onlar ged+mə+di/ged+mə+dilər

۲. گۆرولمه یەن گچمیش ایلمی (فعل زمان گذشته ی نامشخص - روایی)

در زبان ترکی قشقایی فعل زمان گذشته ی نامشخص، به عملی در گذشته دلالت دارد که گوینده ی فعل در مکان وقوع حضور نداشته و آن را ندیده است، اما آن را از کس دیگری شنیده و اکنون روایت می کند. در ترکی قشقایی و بعضی لهجه های دیگر، به دو صورت بیان می شود، که شکل اول مقبولیت بیشتری دارد. هر دو را صرف خواهیم کرد:

شکل اول:

Eyləm+m(İ)+kişi əki	فرمول
Mən yat+mış+ım	Biz yat+mış+ık
Sən yat+mış+ıng	Siz yat+mış+ıngız
O yat+mış	Onlar yat+mış/yat+mış+lar

حالت منفی

Eyləm+m(A)+m(İ)+kişi əki	فرمول
Mən yat+ma+mış+ım	Biz yat+ma+mış+ık
Sən yat+ma+mış+ıng	Siz yat+ma+mış+ıngız
O yat+ma+mış	Onlar yat+ma+mış/yat+ma+mış+lar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شکل دوم:

Eyləm+ (İ)b+kişi əki	فرمول
Mən yat+ıb+ım	Biz yat+ıb+ık
Sən yat+ıb+ıng	Siz yat+ıb+ıngız
O yat+ ıb	Onlar yat+ıb/yat+ıb+lar

ترکیبات فعلی: **میش اکی و گچمیش ایلمی (پسوند میس و فعل زمان گذشته)**
 پسوند «میش» در زبان ترکی قشقایی کاربرد بسیار وسیعی دارد. گاهاً به عنوان پسوند اسم ساز و گاهاً هم صفت ساز ظاهر می شود. اکنون هم می بینید که در افعال کاربرد دارد. همانگونه که گفتیم پسوند «میش» در افعال باعث تداعی مفهوم روایی به آنها می شود. ترکیب این فعل را به صورت ساده دیدید. این وجه علاوه بر افعال حال، آینده و استمراری با فعل گذشته ی حکایی نیز ترکیب می شود. مفهوم نیز همچنان حالت روایی باقی می ماند.

Eyləm+m(İ)ş+görülən gəçmiş z. +kişi əki	فرمول
---	-------

صرف این فعل را با شخص های مختلف:

Mən vur+muş+dum=vurmuştum	Biz vur+muş+duk=vurmuştuk
Sən vur+muş+dung=vurmuştung	Siz vur+muş+dunguz=vurmuştunguz
O vur+muş+du=vurmuştu	Onlar vur+muş+du=vurmuştu
vur+muş+dular=vurmuştular/	

یادآوری: در زبان ترکی قشقایی بعد از حروف «ف،ق،س،ت،ک،چ،ش،ه،پ،خ» حرف «د» به «ت» تبدیل می شود. (vur+muş+tu)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صرف این فعل را با شخص‌های مختلف:

Mən vur+ma+muş+dım=vurmamışım

Biz vur+ma+muş+dık=vurmamıştık

Sən vur+ma+muş+dıng=vurmamışdıng

Siz vur+ma+muş+dıngız=vurmamışdıngız

O vur+ma+muş+dı=vurmamıştı

Onlar vur+ma+muş+dı=vurmamıştı

/ vur+ma+muş+dılar=vurmamıştılar

مفهوم: فعل بر انجام کار در گذشته دلالت دارد با این توضیح که گوینده خبر را از کس دیگری برای مخاطب نقل می‌کند و خود در محل وقوع فعل نبوده است. در شیوه‌های قشقای و سایر شیوه‌های محلی این کاربرد گاهاً به اشتباه بجای گذشته‌ی حکایی استفاده می‌شود.

میش میس ایلمی

میش اکی + میس اکی (پسونده میس + پسوند میس)

در زبان ترکی قشقای دو پسوند «میش» نیز پشت سر هم می‌آیند و ضمن اینکه به کاری که در گذشته انجام شده دلالت دارد، مفهوم تأکید بیشتر یا برای مزاح نیز آورده می‌شود. ابتدا به صرف توجه فرمایید؛

Mən vur+muş+muş+um

Biz vur+muş+muş+uk

Sən vur+muş+muş+ung

Siz vur+muş+muş+unguz

O vur+muş+muş

Onlar vur+muş+muş/vur+muş+muşlar

نکته: در زبان ترکی قشقای برای تسهیل تلفظ بین دو «m(İ)ş» با توجه به حرف درون پرائنتر حرف صدادر قرار می‌گیرد. مثلاً در تمامی موارد بالا بین دو «muş» یک «u» قرار می‌گیرد. چند مثال دیگر:

Gəlmişimş, Yatmışımş, Sürmüşümş, Yorulmuşumş



مفهوم: همانطور که گفتیم مفهومی که از این ترکیب برمی‌خیزد نوعی مزاح و القای این نکته است که این فعل درست نیست و انجام نشده است. برای درک بیشتر به جمله‌ی زیر دقت کنید:
– Sindirmişimiş.

مثلاً فرض کنید یک نفر برادر شما را محکوم می‌کند که شیشه‌ی اتاق را شکسته است. حال شما وقتی فعل بالا را ادا می‌کنید می‌خواهید به مخاطب یا مخاطبان خود بفهمانید که این فعل (عمل) درست نیست و برادرتان (شیشه را) نشکسته است.

در ترکی قشقایی در این ترکیب فعلی وقتی خطابت به جهت مزاح است، حالت منفی نداریم. چون به لحاظ منطقی این فعل برای کارهایی که انجام شده است کاربرد دارد نه کارهایی که انجام نشده است.

ایندیکی ایلم (فعل زمان حال ساده)

همان‌طور که از نام آن هم پیداست کاریست که در زمان حال و به مدت کوتاهی انجام می‌شود.

Eyləm+iyor+kişi əki

فرمول

به این نحو صرف می‌شود:

Mən ged+iyor+um

Biz ged+iyor+uk

Sən ged+iyor+ung

Siz ged+iyor+unguz

O ged+iyor

Onlar ged+iyor/ged+iyorlar

در برخی لهجه‌های کنونی ترکی قشقایی در میان مردم، این فعل و فعل زمان گنیش یکی شده است. (تقریباً معادل استمراری در فارسی – در ادامه در همین فصل توضیح داده خواهد شد.)

– Mən gedirim

که این خود منجر به اشتباه در درک افعال می‌شود. با این حال در ترکی قشقایی مانند سایر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شاخه‌های ترکی صرف زمان حال و استمراری جدای از یکدیگر است و همانگونه که در ادامه خواهید دید شکل صرف بالا در واقع زمان حال استمراری یا گنیش زامان است. البته ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که قشقای‌ها بدلیل عدم آموزش زبانشان، در تلفظ آن دچار اشتباه می‌شوند و همان‌گونه که گفته شد، حتی عده‌ای آن را به شکل استمراری استفاده می‌کنند.

حالت منفی

Eyləm+m+iyor+kişi əki	فرمول
-----------------------	-------

Mən ged+m+iyor+um	Biz ged+m+iyor+uk
Sən ged+m+iyor+ung	Siz ged+m+iyor+unguz
O ged+m+iyor	Onlar ged+m+iyor/ged+m+iyorlar

ترکیبات فعلی

ذیلأ ترکیبات فعلی که فعل زمان حال با زمان‌های گذشته می‌سازد را می‌بینید. در ادامه هر یک از حالات را بررسی خواهیم کرد؛

۱. ایندیکی ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته
۲. ایندیکی ایلم گۆرولن گچمیشته (فعل زمان حال ساده در گذشته حکایی)

۱. ایندیکی ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته

Eyləm+ındaki z. əki+görülən gəçmiş z. əki+kişi əki	فرمول
--	-------

Mən yap+ıyor+dum	Biz yap+ıyor+duk
Sən yap+ıyor+dung	Siz yap+ıyor+dunguz
O yap+ıyor+du	Onlar yap+ıyor+du/yap+ıyor+dular

مفهوم: به معنای کاریست که در گذشته انجام می‌شده است اما به مدت زمان کم. در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضمن کاری که گوینده آن را دیده است. همانند ماضی استمراری در زبان فارسی است. با این توضیح اضافه که در این ترکیب، انجام مستمر آن کار فقط برای لحظه‌ای بوده است. مثلاً فرض کنید یک بازپرس از شما سوال کند که شما در هنگام شکستن شیشه به چه کاری مشغول بودید. جواب شما باید این باشد که فقط در آن لحظه در حال کشیدن سیگار بودید. در حالی که اگر شما در زبان فارسی بگویید: «من سیگار می‌کشیدم.» مفهوم اینکه شما معتاد به سیگار هم بوده‌اید استخراج می‌شود. و فقط با توجه به موقعیت جمله‌های قبل و بعد است که می‌توان مفهوم سیگار کشیدن آنی را استخراج کرد. اگر هم بدشانس باشید مادرتان فقط آن جمله‌ی «من سیگار می‌کشیدم.» را بشنود فکر خواهد کرد که قبلاً معتاد سیگار بوده‌اید!

اما در جمله‌ی زیر:

Mən sigar çəkiyordum.

یعنی من سیگار می‌کشیدم. (برای مدت کوتاهی. مثلاً برای پنج دقیقه - نه از سر عادت. بلکه کاری بوده است که فقط در آن لحظه‌ی خاص انجام گرفته است). برای درک تفاوت‌ها به مفهوم «فعل استمراری در گذشته» که در بخش فعل استمراری (گنیش زامان ایلمی) توضیح می‌دهیم دقت کنید.

حالت منفی

Eyləm+m+ındiki z. əki+görülən gəçmiş z. əki+kişi əki

فرمول

Mən yap+m+ıyordum

Biz yap+m+ıyorduk

Sən yap+m+ıyordung

Siz yap+m+ıyordunguz

O yap+m+ıyordu

Onlar yap+m+ıyordu/yap+m+ıyordular



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲. ایندیکی ایلم گؤرولمه‌ین گچمیشته (فعل زمان حال ساده در گذشته روایی)

Eyləm+indiki z. əki+görülməyən gəçmiş z. əki+kişi əki		فرمول
Mən yan+ıyör+muş+um	Biz yan+ıyör+muş+uk	
Sən yan+ıyör+muş+ung	Siz yan+ıyör+muş+unguz	
O yan+ıyör+muş	Onlar yan+ıyör+muş/yan+ıyör+muşlar	

مفهوم: به معنای کاریست که در گذشته انجام می‌شده است اما به مدت زمان کم. در ضمن کاری که گوینده آن را ندیده است و از کسی روایت (نقل) می‌کند.

حالت منفی

Eyləm+m+indiki z. əki+görülməyən gəçmiş z. əki+kişi əki		فرمول
Mən yan+m+ıyör+muş+um	Biz yan+m+ıyör+muş+uk	
Sən yan+m+ıyör+muş+ung	Siz yan+m+ıyör+muş+unguz	
O yan+m+ıyör+muş	Onlar yan+m+ıyör+muş/yan+m+ıyör+muşlar	

گله‌جک ایلمی (فعل زمان آینده)

در ترکی قشقای فعل زمان آینده به دو صورت بیان می‌شود. هر دو صورت صرف بالا هم در نوشتار و هم در گفتار معمول است، صورت اول آن مقبول‌تر است.

صورت اول:

Eyləm+(A)c(A)k+kişi əki		فرمول
Mən ged+əcək+im=gedəcəyim	Biz ged+əcək+ik=gedəcəyik	
Sən ged+əcək+ing=gedəcəying	Siz ged+əcək+ingiz=gedəcəyingiz	
O ged+əcək	Onlar ged+əcək/ged+ecəklər	



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نکته: در ترکی قشقای، اول شخص جمع را «gedəcək» هم تلفظ می کنند. بنابراین هر دو شکل صحیح است.

حالت منفی

Eyləm+m(A)+(A)c(A)k+kişi əki

فرمول

Mən qax+ma+acak+ım=qaxmayacayım

Sən qax+ma+acak+ıng=qaxmayacayıng

O qax+ma+acak=qaxmayacak

Biz qax+ma+acak+ık=qaxmayacayık

Siz qax+ma+acak+ıngız=qaxmayacayıngız

Onlar qax+ma+acak=qaxmayacak

/qax+ma+acak+lar=qaxmayacaklar

توجه می کنیم که در حالت مثبت و منفی حرف «k» به «y» تبدیل شد و در حالت منفی فعل، بین دو حرف صدادار «a» در «ma» و «acak» یک «y» قرار می گیرد.

صورت دوم:

Eyləm+(A)s(İ)+kişi əki

فرمول

Mən ged+əsi+ım=gedəsiyim

Biz ged+əsi+ık=gedəsiyik

Sən ged+əsi+ıng=gedəsiyিং

Siz ged+əsi+ıngız=gedəsiyিংz

O ged+əsi

Onlar ged+əsi/ged+əsilər

حالت منفی

Eyləm+m(A)+(A)s(İ)+kişi əki

فرمول

Mən bax+ma+ası+ım=baxmayasım

Biz bax+ma+ası+ık=baxmayasıyık

Sən bax+ma+ası+ıng=baxmayasıyিং

Siz bax+ma+ası+ıngız=baxmayasıyিংz

O bax+ma+ası=baxmayası Onlar

bax+ma+ası=baxmayası

/bax+ma+asılar=baxmayasılar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به قرارگیری «y» توجه کنید.

ترکیبات فعلی

ذیلاً ترکیبات فعلی که فعل زمان آینده با زمان‌های گذشته می‌سازد را می‌بینید. در ادامه هر یک از حالات را بررسی خواهیم کرد؛

۱. گله‌جک ایلم گورولن گچمیشث ۲۰. گله‌جک ایلم گورولمه‌ین گچمیشثه

۱. گله‌جک ایلم گورولن گچمیشثه

در این فعل از گذشته به آینده پلی می‌زنیم و با توجه به اینکه در زمان گذشته، کار از کار گذشته (!) فقط مفهوم حسرت از آن استخراج می‌شود. یعنی در این فعل آنچه تفهیم می‌شود حسرت از انجام ندادن کاری است که از وقت انجام آن گذشته است، و منطقاً باید انجام می‌شده است. مثلاً در جمله‌ی «Onlar gedasıydi» منظور این است که: «آنها باید (بهنتر بود) می‌رفتند.» (اما نرفته‌اند و ما حسرت آن را می‌خوریم!) با این تفاسیر فعل آینده در زبان ترکی قشقایبی گاهاً با چاشنی بایدیت همراه است.

Eylam+(A)c(A)k+görülan gacmiş z. +kişi eki

فرمول

صورت اول:

Mən səv+əcək+dim=səvəcəktim

Biz səv+əcək+dik=səvəcəktik

Sən səv+əcək+ding=səvəcəkting

Siz səv+əcək+dingiz=səvəcəktingiz

O səv+əcək+di=səvəcəkti

Onlar səv+əcək+di=səvəcəkti

/səv+ecək+dilər=səvəcəktilər

طبق قاعده‌ی تبدیل حروف «d» در پسوند شخصیت چون بعد از «k» قرار می‌گیرید به «t» تبدیل می‌شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Eyləm+m(A)+(A)c(A)k+görülən gəçmiş z. +kişi əki

فرمول

حالت منفی

Mən aç+ma+acak+dım=açmayacaktım

حالت منفی برای پنج شخصیت دیگر را خود با توجه به فرمول بررسی کنید.

صورت دوم:

Eyləm+(A)s(İ)+görülən gəçmiş z. +kişi əki

فرمول

Mən ged+əsi+dim= gedəsiydim Biz ged+əsi+dik= gedəsiydik

Sən ged+əsi+ding= gedəsiyding Siz ged+əsi+dingiz= gedəsiydingiz

O ged+əsi+di= gedəsiydi Onlar ged+əsi+di= gedəsiydi

/ged+əsi+dilər= gedəsiydilər

Eyləm+m(A)+(A)s(İ) + görülən gəçmiş z. +kişi əki

فرمول

حالت منفی

فقط به ارائه‌ی فرمول بسنده می‌کنیم. در آینده موارد بیشتر و پیشرفته‌تری خواهید دید.

۲. گله‌جک ایلم گزولمه‌ین گچمیشته

قبل از اینکه به مفهوم بپردازیم به صرف‌ها توجه کنید؛

Eyləm+(A)c(A)k+görüləyən gəçmiş z. +kişi əki

فرمول

صورت اول:

Mən səv+əcək+miş+im

Biz səv+əcək+miş+ik

Sən səv+əcək+miş+ing

Siz səv+əcək+miş+ingiz

O səv+əcək+miş

Onlar səv+əcək+miş/səv+ecək+mişlər



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت منفی

Eyləm+m(A)+(A)c(A)k+görülməyən gəçmiş z. +kişi əki	فرمول
--	-------

Biz aç+ma+acak+miş+ik=açmayacaktımışık

حالت منفی برای پنج شخصیت دیگر را خود با توجه به فرمول بررسی کنید.

صورت دوم:

Eyləm+(A)s(İ)+görülməyən gəçmiş z. +kişi əki	فرمول
--	-------

Mən ged+əsi+miş+im=gedəsiymişim

Biz ged+əsi+miş+ik= gedəsiymişik

Sən ged+əsi+miş+ing= gedəsiymişing

Siz ged+əsi+miş+ingiz= gedəsiymişingiz

O ged+əsi+miş= gedəsiymiş

Onlar ged+əsi+miş= gedəsiymiş

/ged+əsi+mişlər= gedəsiymişlər

حالت منفی

Eyləm+m(A)+(A)s(İ) +görülməyən gəçmiş z. +kişi əki	فرمول
--	-------

– Sən öpməyəsiymişing

با توجه به فرمول پنج مورد دیگر را خود بررسی کنید. همچنین به اضافه شدن «V» در دو بخش از فعل بالا دقت کنید.

بعد از بررسی حالت روایی زمان گذشته‌ی فعل آینده، به مفهوم آن نیز توجه کنید:

مفهوم: همانند فعل آینده در گذشته که در قسمت‌های قبل تر بررسی شد، این نوع فعل نیز پلی به آینده در گذشته است و وقتی مخاطب آن را می‌گوید مفهوم آن است که بنا بر چیزهایی که من شنیده‌ام بهتر بود یا باید مخاطب من این کار را انجام می‌داد. برای دقیق‌تر درک کردن مفهوم به مثال زیر توجه کنید:

– Sən o qız ınan danışacaktımışing



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

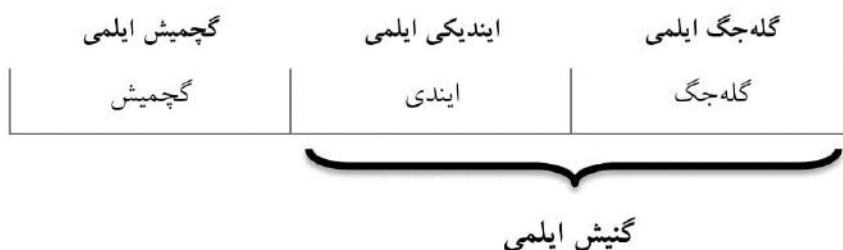
معنی: تو باید (بهتر بود) با آن دختر حرف می‌زدی. (این پیشنهاد یا اجبار از طرف من نیست. بلکه کسی آن را به من گفته و من اکنون به واسطه آن را برای تو نقل می‌کنم.)
 به همین دلیل در این فعل از پسوند میش استفاده کردیم. در غیر این صورت از شکل آینده در گذشته‌ی حکایاتی استفاده می‌کردیم. به مثال بعد توجه کنید:

– Sen o qız inan danışacaktıng

معنی: تو باید (بهتر بود) با آن دختر حرف می‌زدی. (این پیشنهاد یا اجبار از طرف من است و من در مقام کسی هستم که برای تو بایدیت تایین کنم و یا به تو پیشنهاد بدهم.)
 به همین دلیل در این فعل از میش استفاده نکردیم و شکل ساده‌ی فعل گذشته و آینده استفاده شد. بار دیگر توجه کنید که چرا در ترجمه‌ی جمله به فارسی از باید استفاده کردیم. به توضیحات بخش « گله‌جک ایلم گۆرولن گچمیشته » توجه کنید.

گنیش ایلمی (فعل استمراری)

گنیش زمانی را می‌توان تقریباً معادل فعل زمان استمراری در فارسی قلمداد کرد. اما برای درک بهتر این فعل، مناسب است که آن را به عنوان فعل زمان گسترده نیز ترجمه کنیم. همانگونه که در ادامه نیز خواهید دید این فعل می‌تواند زمان‌های حال و آینده را تداعی کند. به این دلیل در ترکی به آن گنیش زمان (زمان گسترده) می‌گویند. هم‌زمان این فعل به کاری اطلاق می‌شود که به مدت زمان طولانی در حال وقوع بوده و هست و معمولاً به کارهایی دلالت دارد که به صورت عادت‌وار انجام می‌شوند. با این کاربرد دوم به آن زمان استمراری هم می‌توانیم بگوییم.



گنیش ایلمی

Eyləm+(İ)r+kişi əki

فرمول

در زبان ترکی قشقایی گنیش ایلمی (فعل استمراری) به این نحو صرف می‌شود:

Mən ged+ir+im	Biz ged+ir+ik
Sən ged+ir+ing	Siz ged+ir+ingiz
O ged+ir	Onlar ged+ir/ged+irlər

حالت منفی

Eyləm+m+(İ)r+kişi əki

فرمول

Mən öl+m+ür+üm	Biz öl+m+ür+ük
Sən öl+m+ür+üng	Siz öl+m+ür+üngüz
O öl+m+ür	Onlar öl+m+ür/öl+m+ürlər

ترکیبات فعلی

ذیلاً ترکیبات فعلی که فعل زمان استمراری (گنیش) با زمان‌های گذشته می‌سازد را می‌بینید.
در ادامه هر یک از حالات را بررسی خواهیم کرد؛

۱. گنیش ایلم گۆرولن گچمیشته

۲. گنیش ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته

۱. گنیش ایلم گۆرولن گچمیشته

Eyləm+(İ)r+görülən gəçmiş z. +kişi əki

فرمول

Mən yap+ır+dım	Biz yap+ır+dık
Sən yap+ır+dıng	Siz yap+ır+dıngız
O yap+ır+dı	Onlar yap+ır+dı/yap+ır+dılar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت منفی

گنیش ایلمی گۆرولن گچمیشته (فعل استمراری حکایی) در ترکی به دو صورت منفی می شود:

صورت اول:

Eyləm+m+(İ)r+görülan gəçmiş z. +kişi əki	فرمول
--	-------

– Mən al+m+ır+dım

موارد دیگر را با توجه به فرمول ارائه شده صرف کنید.

صورت دوم:

Eyləm+m(A)z+kişi əki	فرمول
----------------------	-------

Mən tök+məz+dim

Biz tök+məz+dik

Sən tök+məz+ding

Siz tök+məz+dingiz

O tök+məz+di

Onlar tök+məz+di/tök+məz+dilər

کاربرد صورت دوم معمولاً در جمله‌های شرطیست. در ادامه‌ی همین فصل در قسمت بررسی افعال شرطی کاربرد این فعل را خواهیم دید.

۲. گنیش ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته

Eyləm+(İ)r+mış+kişi əki	فرمول
-------------------------	-------

Mən yap+ır+mış+ım

Biz yap+ır mış+ık

Sən yap+ır+mış+ıng

Siz yap+ır+mış+ıngız

O yap+ır+mış

Onlar yap+ır+mış/yap+ır+mışlar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- Biz sat+m+ır+muş+ık

موارد دیگر را با توجه به فرمول ارائه شده صرف کنید.

برای اینکه مفهوم گنیش ایلمی را بهتر درک کنید، لازم است توضیحاتی درباره‌ی مفهوم آن داده شود. ابتدا به جدول زیر دقت کنید؛

گۆرولن گچمیشته	۱. گنیش ایلم گۆرولن گچمیشته(ماضی استمراری حکایی)	به مدت طولانی
(گذشته‌ی حکایی)	۲. ایندیکی ایلم گۆرولن گچمیشته (ماضی استمراری حکایی)	به مدت کوتاه
گۆرولمه‌ین	۱. گنیش ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته (ماضی استمراری روایی)	به مدت طولانی
گچمیشته (گذشته‌ی روایی)	۲. ایندیکی ایلم گۆرولمه‌ین گچمیشته (ماضی استمراری روایی)	به مدت کوتاه

«گنیش ایلمی گچمیشته» را می‌توان معادل ماضی استمراری در زبان فارسی دانست. اما همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌کنید در زبان ترکی علاوه بر دو نوع زمان گذشته‌ی روایی و حکایی برای هر مورد برای کارهایی که در گذشته به مدت زیاد(عادت‌وار) استمرار داشته و انجام آن کار متوقف شده و برای کارهایی که در گذشته فقط به مدت کم استمرار داشته و انجام آن کار متوقف شده، دو نوع فعل متفاوت داریم. یعنی در مجموع چهار نوع فعل از نوع استمراری.

«ایندیکی ایلم» و حالت‌های گذشته‌ی آن را در بخش قبل و «گنیش زمان» و حالت‌های گذشته‌ی آن را در این بخش بررسی کردیم. در بخش «ایندیکی ایلم» مثال زدیم که وقتی این فعل به صورت گذشته آورده شود به کاری اطلاق می‌شود که در گذشته مستمر بوده اما به مدت کم. اکنون فعل «گنیش در گذشته» را می‌بینیم که باز هم کاری مستمر در گذشته



بوده است، اما با این تفاوت که مدت آن طولانی بوده است و گفتیم که معمولاً به کارهایی اطلاق می‌شود که از سرعادت انجام می‌شده است. مثلاً در جمله‌ی

– Mən sigar çəkirdim.

یعنی من سیگار می‌کشیدم. (برای مدت طولانی. مثلاً برای پنج سال- از سر عادت) فعل حکایه‌ایست. یعنی گوینده از انجام آن کار مطمئن است و آن را دیده است. ذاتاً گوینده اول شخص است و توصیف عملی را می‌کند که خود فاعل آن بوده است. پس حکایه‌ی بودن آن منطقی است. حال به مثال بعد توجه کنید؛

– Mən sigar çəkirmişim.

یعنی من سیگار می‌کشیدم. (برای مدت طولانی. مثلاً برای پنج سال- از سر عادت) فعل روایه‌ایست. یعنی گوینده از انجام آن کار بی‌خبر است و آن را ندیده و از کسی روایت می‌کند. حال سؤال این است که چگونه اول شخص خبری را روایت می‌کند که خود فاعل و عامل آن بوده است، اما آن را ندیده است. این به ظاهر غیر منطقیست. در ترکی از این غیرمنطقی بودن زمانی استفاده می‌شود که شخص بخواهد دو مفهوم را به مخاطب القا کند؛

اول اینکه کاملاً می‌داند آن کار را انجام نداده است، اما کسی برایش این را نقل می‌کند. لذا با استفاده از حالت روایی غیرمنطقی و دروغ بودن آن عمل را بیان می‌کند. برای مثال ممکن است یک نفر به نام سیما، محسن را در حضور مادرش به این محکوم کند که تو سیگار می‌کشیدی. لذا سیما از حالت حکایه‌ای استفاده می‌کند. اما محسن که می‌خواهد آن را نقض کند از حالت اول شخص مفرد و بصورت روایی نقل می‌کند که از نظر منطقی در زبان ترکی ایراد دارد و مادرش نیز درک می‌کند که محسن سیگار نمی‌کشیده است. (لااقل از نظر محسن!) اما اگر محسن از حالت حکایه‌ای استفاده کند مادرش باید بلافاصله متوجه شود که محسن از انجام عمل یقین داشته است.

دوم مفهومی که می‌توان از اول شخص روایی برداشت کرد، این است که شخص کاری را در گذشته انجام داده، آن لحظه متوجه آن نشده، اما بعدها که آن را روایت می‌کند متوجه شده که آن کار را به یقین انجام داده است. مثلاً در جمله‌ی

– Yuxuda danışıyormuşum.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یعنی در خواب حرف می‌زده‌ام. (حالت روایی) در اینجا گوینده به این دلیل از حالت روایی استفاده کرده چون آن لحظه متوجه نبوده که در خواب حرف زده است. بعدها به دلایلی متوجه این امر شده، مثلاً کسی برایش نقل کرده است. با این حال اگر جمله را بصورت حکایه

– Yuxuda danışıyordum.

استفاده کند، مخاطب سریع متوجه خواهد شد که گوینده وقتی حرف می‌زده خود نیز متوجه آن بوده است. یعنی به نوعی از عمد در خواب حرف زده است!

متأسفانه بیشتر این مفهوم‌های ریز و قدرت‌های زبان ترکی قشقایی به دلیل عدم امکان آموزش به زبان مادری رو به فراموشی سپرده شده است و در گوشه‌ای از این کره‌ی پهناور میراثی ارزشمند از تمدن بشری رو به اضمحلال می‌رود.

شرط گنیش ایلمی (فعل استمراری شرطی)

زبان ترکی قشقایی به دلیل ناشناخته بودن و پیوندی که با زبان ترکی قدیم دارد، همواره مورد توجه زبان‌شناسان زبان ترکی بوده است. فعل استمراری شرطی از افعال است که در کمتر زبان دیگری دیده شده است، حتی دیگر شاخ‌های زبان ترکی (لااقل از دید نویسندگان این کتاب). در ادامه به بررسی این فعل خواهیم پرداخت.

در زبان ترکی قشقایی، گاهی به وقوع پیوستن افعال استمراری در گرو به وقوع پیوستن فعلی دیگر است، در این حالت از شرط گنیش ایلمی استفاده می‌کنیم. مثلاً در جمله‌ی «روزهایی که باران ببارد، من چتر با خود حمل می‌کنم» حمل چتر منوط به باریدن باران است و در این مورد در زبان ترکی قشقایی از شرط گنیش ایلمی استفاده خواهیم کرد.

Eyləm+(A)r+kişi aki

فرمول

در زبان ترکی قشقایی شرط گنیش ایلمیبه این نحو صرف می‌شود:

Mən ged+ər+im

Biz ged+ər+ik

Sən ged+ər+ing

Siz ged+ər+ingiz

O ged+ər

Onlar ged+ər/ged+ərlər



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شرط/دیلک ایلمی (فعل شرط یا آرزو)

در ترکی قشقایمانند بیشتر شاخه‌های زبان ترکی برای افعال شرطی یا آرزویی از وجه (-) (sa/ -sa) بعد از فعل استفاده می‌کنیم. وجه را در ترکی کیپ معنی می‌کنیم. ابتدائاً برای تثبیت ساختار فعل در ذهن به صرف آن توجه کنید:

Eyləm+s(A)+kişi əki	فرمول
Mən bağla+sam	Biz bağla+sak
Sən bağla+sang	Siz bağla+sangız
O bağla+sa	Onlar bağla+sa/bağla+salar

حالت منفی

Eyləm+m(A)+s(A)+kişi əki	فرمول
Mən sürt+mə+səm	Biz sürt+mə+sək
Sən sürt+mə+səng	Siz sürt+mə+səngiz
O sürt+mə+sə	Onlar sürt+mə+sə/sürt+mə+sələr

در زبان ترکی به این دلیل که برای بیان شرط و آرزو این فعل اختصاصی را داریم نیاز به آوردن کلماتی مانند «کاش» یا «اگر» نیست و بدون این کلمات نیز مخاطب متوجه خواهد شد که فعل شرطی یا آرزوییست. با این حال آوردن این کلمات قبل از فعل نیز ایرادی ندارد و مخاطب با توجه به موقعیت جمله متوجه خواهد شد که فعل شرط را بیان می‌کند یا آرزو را. همچنین به این نکته نیز باید توجه کنیم که در حالت اول یعنی حالت بالایی که بررسی کردیم هم مفهوم شرط و هم مفهوم آرزو نهفته است. اما در ترکیبات بعدی که بررسی خواهیم کرد لزوماً هر دو مفهوم شرط و آرزو در فعل وجود ندارد.

از افعال زمان استمراری (گنیش ایلم) به خاطر آوردن که برای منفی کردن آن از دو صورت استفاده کردیم. در بررسی صورت دوم گفتیم که این حالت منفی معمولاً در جمله‌های شرطی کاربرد دارد. حال که شرط را یاد گرفتیم به جمله‌ی زیر دقت کنید:

- Deməsəyding, **bilməzdim.**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ترکیبات شرط/دیلک ایلمی

در قسمت‌های قبل از همین فصل دیدیم که فعلهای زمان آینده، حال و استمراری با فعل گذشته در دو حالت روایی و حکایی ترکیب می‌شوند و ترکیبات فعلی جدید می‌سازند. حال در این بخش نیز بررسی خواهیم کرد که این فعل نیز توانایی ترکیب با برخی از افعال را دارد. به همین ترتیب در بخش‌های بعدی نیز افعال دیگر را بررسی کرده و ترکیبات ممکن آن با دیگر افعال را مرور می‌کنیم. در جدول زیر ترکیبات «دیلک ایلمی» با افعال دیگر را ملاحظه می‌کنید:

فرمول	مفهوم	فعل
Eylem+Dilək kipi+görülən geçmiş z. +kişi əki	شرط/آرزو	دیلک کیپی گۆرولن گچمیشته
Eylem+Dilək kipi-görülməyən geçmiş z. +kişi əki	شرط/آرزو	دیلک کیپی گۆرولمەین گچمیشته
Eylem+gələcək z. +Dilək kipi+kişi əki	شرط	گله‌جک زاماندا دیلک کیپی
Eylem+indiki z. +Dilək kipi+kişi əki	شرط	ایندیکی زاماندا دیلک کیپی
Eylem+geniş z. +Dilək kipi+kişi əki	شرط	گنیش زاماندا دیلک کیپی

دیلک کیپی گۆرولن گچمیشته

Eyləm+s(A)+görülən geçmiş z. +kişi əki

فرمول

Mən iç+sə+dim-içsəydim

Biz iç+sə+dik-içsəydik

Sən iç+sə+ding-içsəyding

Siz iç+sə+dingiz-içsəydingiz

O iç+sə+di-içsəydi

Onlar iç+sə+di-içsəydi/iç+sə+dilər-içsəydilər

نکته: بین «sə» و «d» حرف «y» قرار می‌گیرد.

مفهوم: همانگونه که می‌بینید این یک فعل شرط در گذشته‌ی حکاییست و هم مفهوم شرط و هم مفهوم آرزو را می‌توان از آن استخراج کرد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت منفی

Eyləm+m(A)+s(A)+görülən keçmiş z. +kişi əki فرمول

با توجه به فرمول صرف کنید.

دیلک کیپی گۆرولمه ین گچمیشته

Eyləm+s(A)+görülməyən keçmiş z. +kişi əki فرمول

Mən iç+sə+miş+im=içsəymişim Biz iç+sə+miş+ik=içsəymişik

Sən iç+sə+miş+ing=içsəymişingiz Siz iç+sə+miş+ingiz=içsəymişingiz

O iç+sə+miş=içsəymiş Onlar iç+sə+miş=içsəymiş

/iç+sə+miş+lər=içsəymişlər

نکته: بین «sə» و «miş» حرف «y» قرار می گیرد.

مفهوم: همانگونه که می بینید این یک فعل شرط در گذشته ی روایی است و هم مفهوم شرط

و هم مفهوم آرزو را می توان از آن استخراج کرد.

حالت منفی

Eyləm+m(A)+s(A)+görülməyən keçmiş z. +kişi əki فرمول

با توجه به فرمول صرف کنید.

سه حالت باقی مانده را فقط با یک مثال بررسی می کنیم. همانطور که در جدول بالا هم

مشاهده کردید فعل شرط با ترکیب سه زمان آینده، حال و استمراری، مفهوم شرط را تداعی

می کند و نه آرزو را.

yatırdacaksam	گله جک زاماندا دیلک کیپی
Oxuyorsangınız	ایندیکی زاماندا دیلک کیپی
Çalırsak	گنیش زاماندا دیلک کیپی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فعل بایدیت

فعل بایدیت - صرف با زمان حال ساده

در زبان ترکی فعلی وجود دارد که مفهوم اجبار را می‌رساند. این فعل با افزودن *mali/məli* به انتهای ریشه‌ی فعل پدید می‌آید. صرف شخصیت‌های مختلف این فعل در زمان حال ساده:

Mən ged+məli+im= gedməliyim	Biz ged+məli+ik= gedməliyik
Sən ged+məli+ing= gedməliyig	Siz ged+məli+ingiz= gedməliyigiz
O ged+məli+dir	Onlar ged+məli+dir/ged+məli+diler

نکته: برخی این فعل را با پسوند «لی» به معنی لیاقت، اشتباه می‌گیرند. این به دلیل تشابه این دو است. در فصل پسوند فرا خواهیم گرفت که افعال با گرفتن پسوند «ma/mə» به اسم تبدیل می‌شوند. مثلاً «görmə» و همین اسم باز با گرفتن پسوند «لی» به اسم با مفهوم لیاقت تبدیل می‌شود. (görməli) حال همین ترکیب با گرفتن فعل «dir/dir» این ابهام را ایجاد میکند که کلاً یک فعل با مفهوم لیاقت است، در حالی که یک ترکیب اسمی یا صفت است که بعد از آن فعل «dir/dir» (به معنی است) آمده است.

görməli+dir

فعل بایدیت - صرف با زمان گذشته ساده

صرف شخصیت‌های مختلف این فعل در زمان گذشته‌ی ساده:

Mən ged+məli+dim	Biz ged+məli+dik
Sən ged+məli+ding	Siz ged+məli+dingiz
O ged+məli+di	Onlar ged+məli+di/ged+məli+diler

در حالت اول، اول شخص مفرد، بین «meli» و «dim» قاعداً باید یک «y» قرار بگیرد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برای اختصار زمان از نوشتن آن خودداری کردیم. تمام افعال بالا را خود یک بار در ذهن صرف کنید.

به این نکته توجه کنید: مثلاً جمله‌ی «O şalvarı almalıydı» به معنی «آن شلوار را باید می‌خریدی.» است که البته اینجا گوینده با بکار بردن این فعل قصد این را دارد که به مخاطب بگوید که بهتر بود آن را می‌خریدی.

فعل بایدیت - صرف با زمان گذشته نقلی

صرف شخصیت‌های مختلف این فعل در زمان گذشته‌ی نقلی:

Mən ged+məli+miş+im	Biz ged+məli+miş+ik
Sən ged+məli+miş+ing	Siz ged+məli+miş+ingiz
O ged+məli+miş	Onlar ged+məli+miş/ged+məli+mişler

همان گونه که می‌دانیم در زبان ترکی فعل ماضی نقلی به معنی انجام کاریست که خود فاعل از انجام آن خبر نداشته ولی به وقوع پیوسته. حال در این فعل بایدیت، با صرف گذشته‌ی نقلی نیز معنی به همان ترتیب است. مثلاً جمله‌ی «O şalvarı almalıymışın» یعنی «آن شلوار را باید می‌خریدی.» اما به توصیه‌ی کس یا کسان دیگری بغیر از آن دو نفر که اکنون صحبت می‌کنند. یا حالت دومی که می‌توانیم متصور شویم این است که گوینده از این فعل استفاده کرد چون خود زمانی که باید فعل انجام می‌شده (زمانی که شلوار باید خریده می‌شد) در آنجا نبوده است. مثال‌های بیشتر:

- Bizde o qonağlıkta olmalıymışık.

گوینده از این فعل استفاده کرد چون در آن مهمانی نبوده است و واضح است که باید از «میش» استفاده کند. یا حالت دوم زمانی است که انجام فعل بنا بر اظهارات، بایدیت یا توصیه‌ی کس یا کسان دیگری باشد.

- Hava sıcak olmadan qoyunları qırılmalıymışım.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گۆج کییی (وجه توانایی)

وجه فعل ساز توانایی در ترکی قشقای با افزودن (A)bil به پایان ریشه‌ی افعال ساخته می‌شود. این ترکیب را فعل توانایی (گۆج ایلمی) می‌گوییم. بعد از این وجه، وجه‌های دیگر و پسوندهای زمانی و شخص قرار می‌گیرد. به همان ترتیب که در قسمت‌های قبل دیدید، فعل توانایی نیز با فعل‌های دیگر ترکیب می‌شود. در جدول بعدی تمامی حالات ممکن برای فعل توانایی و فرمول ساخت را مشاهده می‌کنید. در ادامه هر کدام را بررسی خواهیم کرد.

Eyləm+(A)bil+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki	گۆج کییی و گۆرولن گچمیش
Eyləm+(A)bil+görülməyən gəçmiş zaman əki+kişi əki	گۆج کییی و گۆرولمەین گچمیش
Eyləm+(A)bil+görülən gəçmiş zaman əki+görülməyən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، گۆرولن گچمیش ایلمی و گۆرولمەین گچمیش
Eyləm+(A)bil+m(İ)ş+m(İ)ş+kişi əki	گۆج کییی و میش میش
Eyləm+(A)bil+ geniş zaman əki+kişi əki	گۆج کییی و گنیش زمان
Eyləm+(A)bil+geniş zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، گنیش زمان و گۆرولن گچمیش
Eyləm+(A)bil+geniş zaman əki+görülməyən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، گنیش زمان و گۆرولمەین گچمیش
Eyləm+(A)bil+ indiki zaman əki+kişi əki	گۆج کییی و ایندیکی زمان
Eyləm+(A)bil+indiki zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، ایندیکی زمان و گۆرولن گچمیش
Eyləm+(A)bil+indiki zaman əki+görülməyən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، ایندیکی زمان و گۆرولمەین گچمیش
Eyləm+(A)bil+gələcək zaman əki+kişi əki	گۆج کییی، گلەجک زمان
Eyləm+(A)bil+gələcək zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، گلەجک زمان و گۆرولن گچمیش
Eyləm+(A)bil+gələcək zaman əki+görülməyən gəçmiş zaman əki +kişi əki	گۆج کییی، گلەجک زمان و گۆرولمەین گچمیش
Eyləm+(A)bil+sə+kişi əki	گۆج کییی و شرط کییی
Eyləm+(A)bil+sə+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki	گۆج کییی، شرط کییی و گۆرولن گچمیش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Eyləm+(A)bil+sə+görülməyən gəçmiş zaman əki+kişi əki	گۆج کییی، شرط کییی و گۆرولمه بن گچمیش
Eyləm+(A)bil+əçək+sə+kişi əki	گۆج کییی، گلهجک زامان و شرط کییی
Eyləm+(A)bil+ indiki zaman əki +sə+kişi əki	گۆج کییی، ایندیکی زامان و شرط کییی
Eyləm+(A)bil+ geniş zaman əki +sə+kişi əki	گۆج کییی، گنیش زامان و شرط کییی

گۆرولن گچمیش گۆج ایلمی (فعل توانایی گذشته ی حکایی)

گۆج چاتی و گۆرولن گچمیش ایلمی (وجه توانایی و فعل گذشته ی حکایی)

Eyləm+(A)bil+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki	فرمول
Mən ged+əbil+dim	Biz ged+əbil+dik
Sən ged+əbil+ding	Siz ged+əbil+dingiz
O ged+əbil+di	Onlar ged+əbil+di/ged+əbil+dilər

حالت منفی، صورت اول:

Eyləm+(A)bil+mə+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki	فرمول
Mən ged+əbil+mə+dim	Biz ged+əbil+mə+dik
Sən ged+əbil+mə+ding	Siz ged+əbil+mə+dingiz
O ged+əbil+mə+di	Onlar ged+əbil+mə+di/ged+əbil+mə+dilər

حالت منفی، صورت دوم:

Eyləm+(A)+mə+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki	فرمول
Mən ged+ə+mə+dim	Biz ged+ə+mə+dik
Sən ged+ə+mə+ding	Siz ged+ə+mə+dingiz
O ged+ə+mə+di	Onlar ged+ə+mə+di/ged+ə+mə+dilər



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گۆرولمەین گچمیش گۆج ایلمی (فعل توانایی گذشتهی روایی)
گۆج چاتی و گۆرولمەین گچمیش ایلمی (وجه توانایی و فعل گذشتهی روایی)

Eyləm+(A)bil+miş+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+miş+im	Biz ged+əbil+miş+ik	
Sən ged+əbil+miş+ing	Siz ged+əbil+miş+ingiz	
O ged+əbil+miş	Onlar ged+əbil+ miş/ged+əbil+mişlər	

حالت منفی، صورت اول:

Eyləm+(A)bil+mə+miş+kişi əki		فرمول
– Toxuyabilməmişik		

حالت منفی، صورت دوم:

Eyləm+(A)bil+mə+miş+kişi əki		فرمول
– Toxuyammışık		

فقط یک حالت را صرف کردیم. به ترکیبات توجه کنید.

گۆج کببی، گۆرولمەین گچمیش ایلمی و گۆرولن گچمیش ایلمی (وجه توانایی، فعل گذشتهی روایی، فعل گذشتهی حکایی)

Eyləm+(A)bil+miş+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən aç+abil+miş+tim	Biz aç+abil+miş+tik	
Sən aç+abil+miş+ting	Siz aç+abil+miş+tingiz	
O aç+abil+miş+ti	Onlar aç+əbil+ miş+ti/aç+abil+miş+tilər	



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت منفی، صورت اول:

فقط فرمول را ارائه می‌دهیم. با توجه به فرمول شخصیت‌های آن را صرف کنید.

فرمول	Eyləm+(A)bil+mə+miş+görülmə zaman əki+kişi əki
صورت دوم حالت منفی را خود بررسی کنید.	
بیلیمیش میش ایلمی (گۆج کییی، میش و میش)	
قبلاً یاد گرفتیم که دو وجه «میش» هم می‌تواند پشت سر هم قرار بگیرند. در ترکیب فعل توانایی نیز می‌توان دو وجه «میش» را آورد.	
فرمول	Eyləm+(A)bil+miş+miş+kişi əki
Mən ol+abil+miş+miş+im	Biz ol+abil+miş+miş+ik
Sən ol+abil+miş+miş+ing	Siz ol+abil+miş+miş+ingiz
O ol+abil+miş+miş	Onlar ol+əbil+miş+miş/ol+abil+miş+mişlər

نکته: در زبان ترکی قشقایی برای تلفظ ساده‌تر بین «miş» و «miş» یک «i» هم می‌آید. در تمامی موارد بالا این قانون وجود دارد:

Biz olabilmişmişik

حالت منفی

قبلاً توضیح دادیم که مفهوم دو «میش» پشت سر هم به چه معنی است. لذا بصورت منطقی حالت منفی برای این حالت منسوخ است. جز اینکه نویسنده‌ی خلاقى بخواهد با کلمات بازی کند و مفهوم جدیدی را به ذهن خواننده تزریق کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گنیش گۆج ایلمی (فعل توانایی استمراری)

گۆج کییی و گنیش ایلمی (وجه توانایی و فعل استمراری)

Eyləm+(A)bil+ir+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+ir+im	Biz ged+əbil+ir+ik	
Sən ged+əbil+ir+ing	Siz ged+əbil+ir+ingiz	
O ged+əbil+ir	Onlar ged+əbil+ir/ged+əbil+ir+lər	

حالت منفی

صورت اول:

Eyləm+(A)bil+m+geniş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+m+ir+im	Biz ged+əbil+m+ir+ik	
Sən ged+əbil+m+ir+ing	Siz ged+əbil+m+ir+ingiz	
O ged+əbil+m+ir	Onlar ged+əbil+m+ir/ged+əbil+m+ir+lər	

صورت دوم:

Eyləm+(A)bil+m(A)+kişi əki		فرمول
Mən yaz+abil+mə+m	Biz yaz+abil+mə+k	
Sən yaz+abil+mə+ng	Siz yaz+abil+mə+ingiz	
O yaz+abil+məz	Onlar yaz+abil+məz/ yaz+abil+məzlər	

مفهوم: در این دو حالت فعل عدم توانایی از انجام فعل توسط فاعل را نشان می‌دهد. مثلاً به جمله‌ی «Mən səninnen yazıya çıxabilməm» معنی جمله این است: «من نمی‌توانم با تو بیرون بیایم.» در این مورد فرد بنا به خواست خویش بیرون نمی‌رود و هیچ اجباری خارج از اراده‌ی او باعث این تصمیم نشده است. اما در حالت بعد می‌بینیم که یک نیروی خارج از اراده‌ی فاعل باعث عدم توانایی وی از انجام فعل شده است.



صورت سوم:

فرمول	Eyləm+(A)+m+kişi əki
-------	----------------------

Mən vur+a+mam	Biz vur+a+mak
Sən vur+a+mang	Siz vur+a+mayingız
O vur+a+maz	Onlar vur+a+maz/vur+a+maz+lar

مفهوم: در این حالت نیز فعل عدم توانایی از انجام فعل توسط فاعل را نشان می‌دهد. اما در حالت یک نیروی خارج از اراده‌ی فاعل باعث عدم توانایی وی از انجام فعل شده است. مثلاً به جمله‌ی «Mən səninən yazıya çıxamam» معنی جمله این است: «من نمی‌توانم با تو بیرون بیایم.» اما در این حالت منظور گوینده این است که این عدم بیرون آمدن من با تو علی‌رغم میل باتنی خود به دلیل مانع خارجی است. مثلاً پدرم اجازه نداده یا شرایط هوا یا شرایط جامعه اجازه نمی‌دهد.

به صورت کلی در حالت منفی فعل توانایی در زمان استمراری و حال اگر «(A)bil» وجود داشته باشد، فاعل خود از انجام فعل عاجز است، و اگر نباشد فاعل به دلیل نیروی خارج از اراده‌ی خود قادر به انجام فعل نیست.

صورت چهارم:

فرمول	Eyləm+(A)bil+məz+kişi əki
-------	---------------------------

– Qalabilməzdim

بقیه موارد را خود بررسی کنید. قبلاً اشاره کرده بودیم که در این حالت نیز فعل عدم توانایی از انجام فعل توسط فاعل را نشان می‌دهد. این نوع بیشتر در جملات شرطی کاربرد دارد. قبلاً بررسی کردیم.

نکته: در حالت خاصی می‌توانیم پسوند «mə» را قبل از «(A)bil» بیاوریم. در این حالت عموماً بعد از پسوند «m(A)» پسوند «d(A)» به معنی «هم» نیز آورده می‌شود. فرمول کلی این حالت به این شکل است:



فرمول	Eyləm+məyədə+bil+zaman əki+kişi əki
Mən ged+məyədə+bil+ir+im	Biz ged+məyədə+bil+ir+ik
Sən ged+ məyədə+bil+ir+ing	Siz ged+məyədə+bil+ir+ingiz
O ged+ məyədə+bil+ir +di	Onlar ged+məyədə+bil+ir /ged+məyədə+bil+irlər

مفهوم: در این حالت خاص گوینده به مخاطب این را می‌فهماند که در تصمیم‌گیری برای انجام کار هم می‌تواند آنرا انجام دهد و هم آنرا انجام ندهد. برای واضح شدن مفهوم به جمله‌ی زیر دقت کنید:

– Biz o əvi yıxmayada bilirik.

یعنی: ما آن خانه را می‌توانیم خراب هم نکنیم. (یعنی ما دو گزینه روبروی خود داریم. هم می‌توانیم خراب کنیم و هم می‌توانیم خراب نکنیم.)

گستره‌ی زمانی: ایندیکی زمان و گنیش زامان و گله‌جک زامان (زمان حال و زمان استمراری و زمان آینده). زمان در گنیش گۆج ایلمی (فعل توانایی استمراری) هم به زمان حال ساده و هم به زمان گنیش و هم به زمان آینده دلالت دارد.

این از ویژگی‌های زبان ترکی قشقایی و کلاً زبان ترکی است که فعل زمان گسترده (گنیش زامان) همانطور که از نامش پیداست می‌تواند هم برای زمان حال و هم برای زمان آینده استفاده شود. در این حالت زمان انجام فعل لزوماً طولانی نخواهد بود. اما اگر در زمان گذشته از آن استفاده شود به حتم به مفهوم آن خواهد بود که فعل انجام شده مدت زمان طولانی در مقام انجام بوده است. (افعالی که از سر عادت انجام می‌شده است.)

گنیش گۆج ایلمی گۆرولن گچمیشته (فعل توانایی استمراری در گذشته‌ی حکایی)

گۆج کیبی و گنیش ایلمی گۆرولن گچمیشته (وجه توانایی و فعل استمراری در زمان گذشته‌ی حکایی)



Eyləm+(A)bil+geniş zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+ir+dim	Biz ged+əbil+ir+dik	
Sən ged+əbil+ir+ding	Siz ged+əbil+ir+dingiz	
O ged+əbil+ir+di	Onlar ged+əbil+ir+di/ged+əbil+ir+dilər	

حالت منفی

حالت منفی فعل توانایی در زمان گذشته‌ی استمراری به سه صورت است.

صورت اول:

Eyləm+(A)bil+m+geniş zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+m+ir+dim	Biz ged+əbil+m+ir+dik	
Sən ged+əbil+m+ir+ding	Siz ged+əbil+m+ir+dingiz	
O ged+əbil+m+ir+di	Onlar ged+əbil+m+ir+di ged+əbil+m+ir+dilər/	

صورت دوم:

Eyləm+(A)+m+geniş zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən ged+ə+m+ir+dim	Biz ged+ə+m+ir+dik	
Sən ged+ə+m+ir+ding	Siz ged+ə+m+ir+dingiz	
O ged+ə+m+ir+di	Onlar ged+ə+m+ir+di/ged+ə+m+ir+dilər	

صورت سوم:

Eyləm+(A)+m(A)z+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki		فرمول
Mən vur+a+maz+dim	Biz vur+a+maz+dık	
Sən vur+a+maz+ding	Siz vur+a+maz+dingiz	
O vur+a+maz+di	Onlar vur+a+maz/vur+a+maz+dılar	



مفهوم: در مورد اول، چون ترکیب «(A)bil» در فعل وجود دارد مانند آنچه در قسمت‌های قبل یاد گرفتیم، فاعل خود از انجام فعل ناتوان است، اما در مورد دوم و سوم، فاعل به جبر نیروی خارجی از انجام فعل ناتوان است.

نکته: همانند شکل ساده‌ی استمراری در این فعل نیز می‌توانیم پسوند «mə» را قبل از «(A)bil» بیاوریم. در این حالت عموماً بعد از پسوند «m(A)» پسوند «d(A)» به معنی «هم» نیز آورده می‌شود. فرمول کلی این حالت به این شکل است:

فرمول Eyləm+məyədə+bil+geniş zaman əki+gələcək zaman əki+kişi əki

برای خلاصه‌تر شدن مطالب از صرف همه‌ی اشخاص اجتناب می‌کنیم:

– Siz gedməyədə bilirdingiz

گنیش گۆج ایلمی گۆرولمه‌ین گچمیشته (فعل توانایی استمراری در گذشته‌ی روایی)

گۆج کیپی و گنیش ایلمی گۆرولمه‌ین گچمیشته (وجه توانایی و فعل استمراری در زمان گذشته‌ی روایی)

فرمول Eyləm+(A)bil+geniş zaman əki+görülməyən gəçmiş zaman əki+kişi əki

Mən çalxa+abil+ir+miş+im Biz çalxa+abil+ir+miş+ik

Sən çalxa+abil+ir+miş+ingiz Siz çalxa+abil+ir+miş+ingiz

O çalxa+abil+ir+miş Onlar çalxa+abil+ir+miş

/çalxa+abil+ir+mişlər

حالت منفی

صورت اول:

فرمول Eyləm+(A)bil+m+ir+miş+kişi əki

Mən çalxa+abil+ir+miş+im Biz çalxa+abil+ir+miş+ik

Sən çalxa+abil+ir+miş+ingiz Siz çalxa+abil+ir+miş+ingiz

O çalxa+abil+ir+miş Onlar çalxa+abil+ir+miş/çalxa+abil+ir+mişlər



توجه کنید که بین دو «çalxa» و «abil» یک «y» قرار می‌گیرد. برای اختصار و عدم تکرار از نوشتن خودداری کردیم.

صورت دوم:

فرمول $Eyləm+(A)+m+geniş zaman əki+görülən gəçmiş zaman əki+kişi əki$

Mən ged+ə+m+ir+miş+im	Biz ged+ə+m+ir+miş+ik
Sən ged+ə+m+ir+miş+ing	Siz ged+ə+m+ir+miş+ingiz
O ged+ə+m+ir+miş	Onlar ged+ə+m+ir+miş/ged+ə+m+ir+mişlər

این حالت بندرت در زبان فعلی قشقای استفاده می‌شود.

صورت سوم:

فرمول $Eyləm+(A)+m(A)z+m(İ)+kişi əki$

Mən vur+a+maz+miş+im	Biz vur+a+maz+miş+ik
Sən vur+a+maz+miş+ing	Siz vur+a+maz+miş+ingiz
O vur+a+maz+miş	Onlar vur+a+maz+miş/vur+a+maz+mişlər

مفهوم: در مورد اول، چون ترکیب «(A)bil» در فعل وجود دارد مانند آنچه در قسمت‌های قبل یاد گرفتیم، فاعل خود از انجام فعل ناتوان است، اما در مورد دوم و سوم، فاعل به جبر نیروی خارجی از انجام فعل ناتوان است.

نکته: همانند شکل ساده‌ی استمراری در این فعل نیز می‌توانیم پسوند «mə» را قبل از «(A)bil» بیاوریم. در این حالت عموماً بعد از پسوند «m(A)» پسوند «d(A)» به معنی «هم» نیز آورده می‌شود. فرمول کلی این حالت به این شکل است:

Eyləm+məyədə+bil+geniş zaman əki+miş+kişi əki **فرمول**

– Siz gedməyədə bilirmişingiz.

ایندیکی گۆج ایلمی (فعل توانایی حال)

گۆج کییی و ایندیکی ایلمی (وجه توانایی و فعل زمان حال)

Eyləm+(A)bil+iyor+kişi əki **فرمول**

Mən ged+əbil+iyor+um	Biz ged+əbil+iyor+uk
Sən ged+əbil+iyor+ung	Siz ged+əbil+iyor+unguz
O ged+əbil+iyor	Onlar ged+əbil+iyor/ged+əbil+iyorlar

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+m+iyor+kişi əki **فرمول**

Mən ged+əbil+m+iyor+um	Biz ged+əbil+m+iyor+ik
Sən ged+əbil+m+iyor+ung	Siz ged+əbil+m+iyor+unguz
O ged+əbil+m+iyor	Onlar ged+əbil+m+iyor/ged+əbil+m+iyorlar

صورت‌های دیگر حالت منفی این فعل را خود بررسی کنید.

نکته: در اینجا نیز در حالت خاصی می‌توانیم پسوند «mə» را قبل از «(A)bil» بیاوریم.

Eyləm+məyədə+bil+iyor+kişi əki **فرمول**

– Siz gedməyədə biliyorunguz.



ایندیکی گۆج ایلمی گۆرولن گچمیشته (فعل توانایی حال در گذشته‌ی حکایی)
گۆج کییی، ایندیکی ایلمی و گۆرولن گچمیش ایلمی

Eyləm+(A)bil+iyor+görülan gəçmiş z. +kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+iyor+dum	Biz ged+əbil+iyor+duk	
Sən ged+əbil+iyor+dung	Siz ged+əbil+iyor+dunguz	
O ged+əbil+iyor+du	Onlar ged+əbil+iyor+du	
/ged+əbil+iyor+dular		

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+m+iyor+görülan gəçmiş z. +kişi əki		فرمول
– Onlar istəyəbilmiyordular.		

ایندیکی گۆج ایلمی گۆرولمەین گچمیشته (فعل توانایی حال در گذشته‌ی روایی)
گۆج جاتی، ایندیکی ایلمی و گۆرولمەین گچمیش ایلمی

Eyləm+(A)bil+iyor+muş+kişi əki		فرمول
Mən ged+əbil+iyor+muş+um	Biz ged+əbil+iyor+muş+uk	
Sən ged+əbil+iyor+muş+ung	Siz ged+əbil+iyor+muş+unguz	
O ged+əbil+iyor+ muş	Onlar ged+əbil+iyor+muş	
/ged+əbil+iyor+muşlar		

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+m+iyor+miş+kişi əki		فرمول
– Onlar istəyəbilmiyormuşlar.		



گله‌جک گۆج ایلمی (فعل توانایی آینده)

گۆج کییی و گله‌جک ایلمی (وجه توانایی و فعل آینده)

Eyləm+(A)bil+əcək+kişi əki **فرمول**

همانگونه که می‌دانیم در ترکی قشقایی دو فعل برای ادای زمان آینده داریم؛

صورت اول:

Mən ged+əbil+əcək+im=gedəbiləcəyim	Biz ged+əbil+əcək+ik=gedəbiləcəyik
Sən ged+əbil+əcək+ing=gedəbiləcəyিং	Siz ged+əbil+əcək+ingiz=gedəbiləcəyিংiz
O ged+əbil+əcək	Onlar ged+əbil+əcək/ged+əbil+əcəklər

نکته: حرف «k» بعد از گرفتن حرف با صدا بعد از خود به حرف «y» تبدیل می‌شود. برخی «y» را به صورت «ğ» هم می‌نویسند، اما بهر حال تلفظ آن همان «y» است. برای سهولت ما نیز تصمیم گرفتیم از «y» استفاده کنیم.

صورت دوم:

Mən ged+əbil+əsi+im=gedəbiləsiyim	Biz ged+əbil+əsi+ik=gedəbiləsiyik
Sən ged+əbil+əsi+ing=gedəbiləsiyিং	Siz ged+əbil+əsi+ingiz=gedəbiləsiyিংiz
O ged+əbil+əsi	Onlar ged+əbil+əsi/ged+əbil+əsilər

نکته: در مثال بالا بین دو حرف «i» حرف «y» قرار می‌گیرد.

حالت منفی

فقط برای حالت اول بررسی می‌کنیم؛

Eyləm+(A)bil+mə+əcək zaman əki+kişi əki **فرمول**

Mən ged+əbil+mə+əcək+im=gedəbilməyəcəyim
 Sən ged+əbil+mə+əcək+ing=gedəbilməyəcəyিং
 O ged+əbil+mə+əcək=gedəbilməyəcək



Biz ged+əbil+mə+əcək+ik=gedəbilməyəcəyik

Siz ged+əbil+mə+əcək+ingiz=gedəbilməyəcəyingiz

Onlar ged+əbil+mə+əcək=gedəbilməyəcek

/ged+əbil+mə+əcəklər=gedəbilməyəcəklər

نکته: باز هم در مثال بالا بین دو حرف «ə» حرف «y» قرار می‌گیرد.

گۆرولن گچمیشته گله‌جک گۆج ایلمی (فعل توانایی آینده در گذشته‌ی حکایی)

گۆج کیپی و گله‌جک ایلمی گۆرولن گچمیش زاماندا (وجه توانایی و فعل آینده در زمان گذشته‌ی حکایی)

همانطور که در قسمت‌های قبل نیز گفته شد در ترکی قشقایی به طبع دیگر شاخه‌های زبان ترکی می‌توان از فعل آینده در زمان گذشته نیز استفاده کرد. در ادامه‌ی تعمیم همین قدرت زبان ترکی، می‌توانیم همراه وجه توانایی از زمان آینده در گذشته نیز استفاده کنیم.

Eyləm+(A)bil+əcək+görtülən gəçməş zaman əki+kişi əki

فرمول

با توجه به اینکه فعل آینده در قشقایی به دو صورت صرف می‌شود:

صورت اول:

Mən oxu+abil+əcək+dim=oxuyabiləcəktim

Sən oxu+abil+əcək+dingiz=oxuyabiləcəktingiz

O oxu+abil+əcək+di=oxuyabiləcəkti

Biz oxu+abil+əcək+dik=oxuyabiləcəktik

Siz oxu+abil+əcək+dingiz=oxuyabiləcəktingiz

Onlar oxu+abil+əcək+di=oxuyabiləcəkti

/oxu+abil+əcək+dəilər=oxuyabiləcəktilər

نکته: باز هم در مثال بالا بین دو حرف «u» و «a» حرف «y» قرار می‌گیرد. همچنین طبق آنچه در تبدیلات حروف یاد گرفتیم «d» بعد از «k» به «t» تبدیل می‌شود.



صورت دوم:

Eyləm+(A)bil+əsi+görülən gəçməş zaman əki+kişi əki

فرمول

Mən ged+əbil+əsi+dim=gedəbiləsiydim

Sən ged+əbil+əsi+ding=gedəbiləsiyding

O ged+əbil+əsi+di=gedəbiləsiydi

Biz ged+əbil+əsi+dik=gedəbiləsiydik

Siz ged+əbil+əsi+dingiz=gedəbiləsiydingiz

Onlar ged+əbil+əsi+di=gedəbiləsiydi

/ged+əbil+əsi+dilər=gedəbiləsiydilər

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+mə+əcək+görülən gəçməş zaman əki+kişi əki

فرمول

Mən oxu+abil+mə+əcək+tim=oxuyabilməyəcəktim

گۆرولمه ين گچميشته گله جک گۆج ايلمی (فعل توانایی آینده در گذشته ی روایی)

گۆج کيی و گله جک ايلمی گۆرولمه ين گچميش زاماندا (وجه توانایی و فعل آینده در زمان

گذشته ی روایی)

Eyləm+(A)bil+əcək+miş+kişi əki

فرمول

Mən aç+abil+əcək+miş+im Biz aç+abil+əcək+miş+ik

Sən aç+abil+əcək+miş+ing Siz aç+abil+əcək+miş+ingiz

O aç+abil+əcək+miş Onlar aç+əbil+əcək+miş/aç+abil+əcək+mişlər

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+mə+əcək+miş+kişi əki

فرمول

Sən aç+abil+mə+əcək+miş+ing= açabilməyəcəkmişing



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گۆج و شرط کپی

در ابتدای همین بخش در جدول ترکیبات ممکن فعل توانایی دیدیم که این فعل با فعل شرط/آرزو هم ترکیب می‌شود. نحوه‌ی ترکیب و فرمول‌های مرتبط را ارائه دادیم. در ادامه فقط به بررسی حالت اول می‌پردازیم. با توجه به فرمول‌ها و آنچه تاکنون یاد گرفتیم حالت‌های دیگر را خود بررسی کنید.

Eyləm+(A)bil+sə+kişi əki		فرمول
Mən tik+əbil+sə+m	Biz tik+əbil+sə+k	
Sən tik+əbil+sə+ng	Siz tik+əbil+sə+ngiz	
O tik+əbil+sə	Onlar tik+əbil+sə/tik+əbil+sələ	

حالت منفی

Eyləm+(A)bil+mə+sə+kişi əki		فرمول
Mən tik+əbil+mə+sə+m	Biz tik+əbil+mə+sə+k	
Sən tik+əbil+mə+sə+ng	Siz tik+əbil+mə+sə+ngiz	
O tik+əbil+mə+sə	Onlar tik+əbil+mə+sə/tik+əbil+mə+sələ	

بررسی کنید که «vuramzsam» چگونه فعلیست؟ حالت‌های دیگر منفی این فعل را بررسی کنید.

ایستک ایلمی (فعل درخواست)

این فعل حاوی یک درخواست دوستانه و خواهش کردن از مخاطب/مخاطبین برای همراهی با گوینده است. در ترکی قشقایی (و یا بهتر است بگوییم در بیشتر شاخه‌های زبان ترکی) به دو صورت دیده می‌شود:

صورت اول؛ مورد استفاده در کتابها و متون ادبی:

- İç+ (A) l (İ) m → İçelim (برای حالت جمع)
- İç+ (A) y (İ) m → İçeyim (برای حالت مفرد)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- صورت دوم؛ مورد استفاده در گویش‌ها:

- İç+ (A) K → İçek (برای حالت جمع)
- İç+ (A) y (İ) m → İçeyim (برای حالت مفرد)

نکته: قابل ذکر است که در گویش‌های محلی مردم قشقایی صورت دوم مفرد، بصورت içəm ادا می‌شود که با توجه به خلاصه شدن زبان بر اثر عدم کتابت زبان، امری عادیست.

کاربرد این فعل بیشتر برای اول شخص مفرد و جمع است که فرمول‌های ساخت نیز به ترتیب در بالا ذکر شد. بهر حال صرف کامل این فعل را مشاهده بفرمایید:

Bən gəl+ə+y+im	Biz gəl+ə+lim
Sən gəl+ə+yıng	Siz gəl+ə+yıngız
O gəl+ə	Onlar gəl+ə/gəl+ə+lər

حالت منفی

Bən gəl+mə+y+ə+y+im	Biz gəl+mə+y+ə+lim
Sən gəl+mə+y+ə+yıng	Siz gəl+mə+y+ə+yıngız
O gəl+mə+y+ə	Onlar gəl+mə+y+ə+lər

در حال حاضر کاربرد صورت اول این فعل در گویش‌های ترکی قشقایی از بین رفته است. اما در ترانه‌ها و اشعار ایشان مشهود است. به این دلیل این فعل نیز در این کتاب گنجانده شد. مثلاً در ترانه ای که فرود گرگین پور می‌خواند این فعل را می‌شنویم:

Vətən gəl beləndə (birliktə) gedəlim (gedək).

و همچنین در قطعه‌ی کۆچ ایوزیم، از اپرای کۆراوغلو:

Köç Eyvəzim hay köç, sərməşəlim köç.

سرمشمک فعل است.

چند مثال:

- Məndə çay içəyim.
- Qax ta gedəlim.
- Məndə yox sabr ü sükün səndə vəfadən zərrə/İki yoxtan nə çıxar fikr edəlim bir kərrə.
- Bir qız mənə əmmi demiş, neylə(yə)*yim.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

* اگر آخر فعل به حرف صدادار ختم شود، *yə/ya* یا همان پسوند اول شخص مفرد را می‌توانیم حذف کنیم:

- *Gəlməyəyim > Gəlməyim*
- *Oxumayayım > Oxumayım*
- *Neyləyəyim > Neyləyim*

گله‌جکته شرط ایلمی (فعل شرطی آینده)

این نوع فعل در ترکی قشقایی مورد استفاده‌ی روزمره است و به انجام کاری در آینده دلالت می‌کند با این ویژگی که شرط آن ارضا شود. مثلاً کمال به شرط اینکه باران نیارد به شیراز خواهد رفت. شرط در این جمله «نباریدن باران» است و ادای فعل به اینصورت خواهد بود:

- *Yağış yağmazsa Şiraz'a gedərim.*

به صرف فعل توجه کنید:

<i>Eyləm+(A)r +kişi əki</i>	فرمول
<i>Mən bik+ər+im</i>	<i>Biz bik+ər+ik</i>
<i>Sən bik+ər+ing</i>	<i>Siz bik+ər+ingiz</i>
<i>O bik+ər</i>	<i>Onlar bik+ər/bik+ər+lər</i>

به دلیل شباهت به فعل گنیش (استمراری)، فعل «*ol*» را در دو حالت صرف می‌کنیم، به تفاوت‌ها توجه کنید:

گله‌جکته شرط

<i>Mən ol+ar+ım</i>	<i>Biz ol+ar+ık</i>
<i>Sən ol+ar+ing</i>	<i>Siz ol+ar+ingiz</i>
<i>O ol+ar</i>	<i>Onlar ol+ar/ ol+ar+lar</i>



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Mən ol+ur+um	Biz ol+ur+uk
Sən ol+ur+ung	Siz ol+ur+unguz
O ol+ur	Onlar ol+ur/ ol+ur+lar

در ادامه سه نوع فعل را بررسی می‌کنیم که با دریافت وجه‌هایی کیفیت انجام کار یعنی فاعل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ممکن است در تقسیم‌بندی‌های موجود در دیگر شاخه‌های زبان ترکی این نوع فعل‌ها را با توجه به مفهوم و یا حتی موارد دیگر بررسی کنند. اما آنچه در این کتاب ارائه شد، تقسیم‌بندی افعال بر اساس ساختار و نحوه‌ی ساخته شدنشان بود. با این حال مفهوم آنها نیز تا آنجا که لازم دیده شد، ذکر گردید. در این بخش طریقه‌ی ساخت این افعال را بررسی می‌کنیم. بعدها خواهیم دید که این فعل‌ها نیز مانند آنچه خواندیم قابلیت ترکیب و ساخت زمانهای فعلی مختلف دارند. لذا بررسی تک‌تک موارد از ترکیب این افعال با افعال زمانی دیگر کاری بیهوده خواهد بود و برای اختصار مطلب اشاره‌ی کوتاهی به آن می‌کنیم.

ایشلم (ایشتش)

(İ)ş/l(A)ş

در زبان ترکی و به طبع در زبان ترکی قشقایی پسوندی داریم که بعد از برخی افعال می‌آیند و کیفیت انجام آن فعل را فی‌مابین دو یا چند نفر بیان می‌کند. این پسوند «(İ)ş/l(A)ş» است. نام پیشنهادی ما نیز بر همین اساس بود (ایشلم، ایش+ایلم). مثلاً فرض کنید در زبان فارسی بخواهیم جمله‌ی «علی، سعید را کتک زد.» را به صورتی بیان کنیم که سعید نیز داخل در فعل شود و او نیز کتک بزند. برای این کار هیچ راهی جز تغییر ساختار جمله و اضافه کردن کلماتی که بیان‌کننده‌ی مفهوم باشد، نداریم. یعنی ساختار فعل را نمی‌توان به گونه‌ای تغییر داد که مفهوم کتک دوطرفه از آن استنباط شود. لذا جمله‌ی بالا به «علی و سعید یکدیگر را کتک زدند.» تغییر می‌کند. بگذارید یک مثال واضح‌تر و پرکاربردتر در زبان ترکی قشقایی



بیاوریم. در قشقایی فعل «*gülmək*» به معنای خندیدن داریم. با اضافه شدن وجه «*işteş*» به آن فاعل از یک نفر به چند نفر گسترش می‌یابد. «*gülüşmək*» این فعل عموماً با ضمائر جمع مانند ما و شما و آنها می‌آید و به معنای خندیدن جمعی است.

فعل ایشلم به لحاظ مفهوم به دو نوع تقسیم می‌شود؛

۱. توپلو ایشلم، انجام کار بصورت جمعی

۲. قارشئلئکلی ایشلم، انجام کار بصورت متقابل

با این توضیحات و مثال‌های دیگری که در ادامه خواهید دید متوجه خواهید شد که وجه «*(İ)ş/l(A)ş*» با هر فعلی ترکیب نمی‌شود. ترکیب این پسوند با افعال است که به طور ذاتی قابلیت انجام جمعی یا تقابلی داشته باشند. مثلاً

Üçüşmək	فعل ایشلم از فعل	پرواز جمعی
Ağlaşmak	فعل ایشلم از فعل	گریه‌ی جمعی
Vuruşmak	فعل ایشلم از فعل	کتک‌کاری متقابل
Çarlaşmək	فعل ایشلم از اسم	دعواکردن متقابل

ممکن است این ابهام بوجود آید که فعل «*Ağlaşmak*» یک فعل ایشلم ساخته شده از ریشه‌ی اسم است. بله. این فعل از ترکیب یک اسم یا صفت «*ağ*» و وجه «*laş*» ساخته شده است. اما آنچه امروزه در زبان ترکی قشقایی و البته دیگر شاخه‌های زبان ترکی جا افتاده این است که فعل «*ağlamak*» را به عنوان یک فعل واحد قبول کرده‌ایم. از این قبیل افعال در زبان ترکی فراوان است و ما فعلاً در این بخش، بدون اینکه به بررسی ریشه‌ی آنها بپردازیم آنها را به عنوان یک فعل واحد پذیرفته‌ایم. در بخش پسوندها، بررسی خواهیم کرد.

بنابراین ترکیب «*-ağlaş*» را به این ترتیب است: فعل «*-ağla*» به علاوه وجه «*laş*» که بخاطر وجود حرف صدادار در آخر فعل «*-ağla*» حرف «*l*» از وجه «*laş*» حذف می‌شود.

همچنین برخی از افعال هم هستند که به لحاظ ساختاری با وجه «*(İ)ş*» ساخته شده‌اند اما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بصورت سنتی در زبان ترکی از گذشته‌ی دور به عنوان یک فعل ساده شناخته می‌شوند. حتی در مفهوم آنها نیز به وضوح انجام فعل بصورت جمعی یا تقابلی دیده می‌شود. اما این افعال در زبان ترکی بیشتر به عنوان یک فعل واحد شناخته شده‌اند. ما نیز آنها را در حلقه‌ی افعال ایشلم تقسیم‌بندی نمی‌کنیم. چند نمونه از این قبیل افعال:

Barışmak, Qarışmak

برخی از افعال نیز وجود دارند که خاصیت انجام جمعی یا تقابلی ندارند. بنابراین ترکیب این افعال با «(İ)ş/l(A)ş» غیرمنطقیست. مانند «qanamak» به معنی خونریزی کردن.

همانطور که گفتیم یک فعل ایشلم مانند هر فعل دیگر توانایی ترکیب و ساخت افعال با زمان‌های مختلف را دارد. بعد از اینکه یک فعل ایشلم را ساختید، فرض کنید که یک فعل واحد است و همانند آنچه در بخش‌های قبل تر این فصل خواندیم آن را در زمانهای مختلف صرف کنید. فقط ذکر این نکته مهم است که افعال ایشلم با مفهوم انجام جمعی فقط در سه شخصیت جمع (ما، شما و آنها) قابل صرف است. چون بلحاظ منطقی کاریست که توسط ما، شما و آنها صورت می‌پذیرد. به مورد زیر توجه کنید، ترکیبات ممکن دیگر را خود بررسی کنید.

گۆرولن گچمیش ایشتش ایلمی (ایشتش چاتی و گۆرولن گچمیش ایلمی)

Eyləm+(İ)ş+görülen geçmiş eylem+kişi eki	فرمول
Biz gül+üş+dük= gülüştük	
Siz gül+üş+düngüz= gülüştüngüz	
Onlar gül+üş+dü/gül+üş+dülər= gülüştü/gülüştülər	

برای تمرین ساختار فعل زیر را بررسی کنید:(چند وجه دارد؟)

– Yiğıştiräbiläcäktingiz



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ادیلگن

در فعل ادیلگن فاعل مخفی است. به عبارتی اینکه چه کسی یا کسانی فاعل فعل بوده‌اند مهم نیست. یعنی در فعل‌های ادیلگن از ساختار فعل نمی‌توان متوجه شد که شخص آن چه کسی است، جز اینکه در جمله خود به عمد تصریح کنیم که فاعل که بوده است که این را هم در ادامه بررسی خواهیم کرد. این فعل با افزودن پسوند «(İ)l» به بن فعل ساخته می‌شود.

Yaz+ıl= yazıl- → yazıldı, yazılmış, yazılır, yazılacak, ...

فعل فاقد اطلاعات شخصیت است، (ممکن است که تصور شود شخصیت فعل سوم شخص مفرد یا جمع است، اما اینگونه نیست.) و گوینده با ادای اینگونه افعال یا به نوعی فاعل را مخفی می‌کند (یا اطلاعی از فاعل ندارد) یا اینکه به طریق دیگری فاعل را بیرون از فعل بیان می‌کند.

نحوه‌ی ساخت این فعل نیز تابع دستور «eyləm+(İ)l+zaman əki/eyləm çatı» است. جز در مواردی که آخرین حرف بی‌صدای فعل حرف «l» باشد، آنگاه از ترکیب «(İ)n» استفاده می‌کنیم. اگر آخرین حرف فعل یک حرف بی‌صدا باشد، برای ادیگن کردن فقط از «l» یا «N» استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید؛

Görüləsi	İçildi	Səvilmiş	Söylənsə
Ayrılmıştı	Vurulacaktı	Sökülür	Qırılır

به لحاظ منطقی با فعل توانایی ترکیب نمی‌شود. اما همان‌گونه که در مثال‌های بالا می‌بینید با وجه زمان آینده، گذشته، گسترده (استمراری) و وجه شرط ترکیب شده است. اگر بخواهیم در جمله به نحوی از فعل ادیلگن استفاده کنیم و فاعل را نیز مشخص کنیم می‌توانیم از «Tərəfindən» استفاده کنیم، مانند:

آن آب از طرف آنها بسته شد.	O su onlar tərəfindən bağlandı
----------------------------	--------------------------------

که استفاده از این قبیل جمله‌ها در میان قشقای‌ها کم است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دۆنوشلو

در ادامه ی بررسی افعالی که مستقیم روی فاعل خود تأثیر می گذارند، به دۆنوشلو ایلم (افعال برگشتی) می رسیم. در این افعال اثر فعل به فاعل برمی گردد. (در افعال دیگر کننده فاعل است و اثر به مفعول برمی گردد.) به همین دلیل به آن دۆنوشلو (برگشتی) گفته می شود. به لحاظ ساختاری بسیار شبیه ادیلگن است، حتی گاهی بعضی فعل ها هم ادیلگن و هم دۆنوشلو هستند و فقط از مفهوم آنهاست که می توانیم نوع آن را مشخص کنیم.

مانند فعل ادیلگن از اضافه شدن یکی از ترکیبات «-il, -il, -ul, -ül, -in, -in, -un, -ün» به بن فعل ساخته می شود. اگر آخر فعل صدادار باشد فقط «n» اضافه می شود. به مثال های زیر توجه کنید:

Görün <u>ü</u> si	Bul <u>u</u> ndu	Alın <u>a</u> bilir	Ayrıl <u>m</u> ıştı
-------------------	------------------	---------------------	---------------------

همان گونه که گفتیم برخی از افعال ادیلگن و هم دۆنوشلو هستند، مانند «Ayrılmək»، برای تشخیص:

اولاً: فعل ادیلگن فاعل مشخص نیست.

دوماً: در دۆنوشلو ایلم فاعل (کننده ی کار) مشخص است و شخص کننده ی کار در آن واحد از فعل نیز تأثیر می پذیرد.

مثلاً فعل «Ayrıldı» در جمله ی «Bu beş dənə kissə dününəng ayrıldı» یک فعل ادیلگن است، چون کننده ی کار یعنی فاعل آن مشخص نیست. اما در جمله ی «O altı il bundən geri arvadından ayrıldı» فعل دۆنوشلو است، چونکه کننده ی کار مشخص است، و فاعل کاری را انجام می دهد که اثر آن به خود برمی گردد.

- فعل «Ayrılır» در جمله ی «Duz inən su nəcür birbirdən ayrılır?» ادیلگن است یا دۆنوشلو؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

توجه کنید که فعل «Alındı» در مثالهای فوق به معنی «در خود فرو رفتن» است، بنابراین دؤنوشلو می‌باشد. (اثر کار به خود فاعل برمی‌گردد) همچنین ممکن است «Alındı» به معنی «خریده شد» باشد، که در آنجا ادیلگن است.

پس همانگونه که گفتیم برخی افعال را از مفهومان مشخص می‌کنیم که ادیلگن هستند یا دؤنوشلو. بدیهیست که همه‌ی افعال قابلیت تبدیل شدن به افعال دؤنوشلو را ندارند. اسم‌ها هم می‌توانند با گرفتن «lan\lan» از اسم به فعل دؤنوشلو تبدیل شوند. مانند: yaşlandı, əvləndi

اددیرگن

قبل از اینکه وارد بحث مفهوم و کارایی فعل اددیرگن شویم به نحوه‌ی ساخت آن توجه کنید:

۱. افعالی که حرف آخر آنها صدادار و یا حرف «R» باشد با افزودن «-t» به اددیرگن تبدیل می‌شود.

نکته: دو فعل «-ye» و «-de» استثنا هستند و بترتیب به شکل «-yedird» و «-dedird» اددیرگن می‌شوند.

۲. افعالی که تک‌هجایی هستند و یا به حروف «ف،س،ت،ک،چ،ش،ه،پ،خ» ختم می‌شوند با گرفتن یکی از پسوندهای «-ir,-ür,-ur,-ür» به اددیرگن تبدیل می‌شوند.

۳. دیگر افعال با گرفتن پسوندهای «-dir(d), -dur(d), -dür(d)» اددیرگن می‌شوند.

نکته: در دو مورد ۲ و ۳ (به خصوص در ترکی قشقایی) استثنا هم وجود دارد و بطور کلی برای ساخت اددیرگن‌ها بهتر است شکل اددیرگن افعال را به حافظه بسپاریم.

نکته: چهار فعل زیر استثنا هستند و با هیچ یک از سه قانون بالا همخوانی ندارند.

qalx- (qax-)	qaldır
gəl-	gətir
ged-	götür (gətir)
gör-	görsəd



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در فعل اددیگن، گوینده، انجام فعل را با واسطه و به طریق کس دیگری انجام می‌دهد. فرض کنید در فارسی بخواهیم بگوییم «من موهایم را کوتاه کردم.» از این جمله آنچه باید استنباط شود این است که فرد خود قیچی و شانه برداشته و سرش را کوتاه کرده است. اما چون کوتاه کردن موی سر کاریست که باید در آرایشگاه انجام گیرد، مخاطب متوجه خواهد شد که آن شخص خود موهایش را کوتاه نکرده است. پس بهتر بود جمله به این صورت ادا شود: «من موهایم را به واسطه‌ی آرایشگر کوتاه کردم.» اما همه‌ی جمله‌ها ممکن است به این روشنی نباشد و برای مخاطبین ابهام ایجاد کند. مثلاً به این جمله دقت کنید: «من ماشینم را دیروز درست کردم.» این جمله دو برداشت در زبان فارسی می‌تواند داشته باشد؛ یکی اینکه خود شخص آچار برداشته و ماشینش را تعمیر کرده است، دوم اینکه آنرا به یک تعمیرکار داده است و تعمیرکار آنرا تعمیر کرده است. لذا جز با تغییر ترکیب جمله نمی‌توان ابهام را از آن رفع کرد.

اما در زبان ترکی با تبدیل فعل به اددیگن می‌توان فاعل انجام فعل را به واسطه به کس دیگری محول کرد. مثلاً جمله‌ی «*Mən qutuyu Morteza'ya açtırdım*» یعنی «من درب قوطی را به واسطه‌ی مرتضی باز کردم.» یک کاربرد از فعل اددیگن است.

به طور کلی دو نوع فعل اددیگن در زبان ترکی داریم. افعال اددیگنی که از افعال گذرا ساخته می‌شوند و آنهایی که از افعال ناگذر ساخته می‌شوند. در برخی منابع زبان ترکی به اددیگن‌های ساخته‌شده از افعال ناگذر، اولدورگن گفته می‌شود.

اددیگن	گچیشلی ایلم (گذرا)	اددیگن (اولدورگن)	گچیشسیز ایلم (ناگذر)
-Açtır	-Aç	-Doldur	-Dol
-Buldur	-Bul	-Güldür	-Gül
-Oxut	-Oxu	-Ağlat	-Ağla
		-Atlattır	-Atla
		-Mindir	-Min
		-İndir	-İn
		-Yatır	-Yat



در زبان فارسی برای اولدورگن‌ها معادل مستقیم داریم. مثلاً «Güldürmək» یعنی «خنداندن» یا «yatırtmak» یعنی «خواباندن». اما برای ادای افعال ادیرگن ساخته شده از افعال گذرا حتماً باید ساختار جمله را تغییر دهیم چون معادلی برای آن نداریم. زبان ترکی قشقایی نیز به تأثیر از زبان فارسی برخی از افعال ادیرگن ساخته شده از افعال گذرای خود را از دست داده است. اما بهرحال استفاده از ادیرگن، آنچنان که در زبان ترکی بوده است، باعث اغنیای محتوی خواهد شد. به مثال‌های زیر و معانی آنها توجه کنید؛

– Mən pıfığı oxudum.

من کتاب را خواندم.

– Mən pıfığı uşağa oxuturum.

من به کودک گفتم که او کتاب را برای من بخواند.

– Səhər saçını anasına hördürdü.

سحر زلفش را به طریق مادرش بافت. (از مادرش درخواست کرد و مادرش این کار را برای او انجام داد.)

– Babam mənə telefon səçti.

پدرم یک تلفن برای من انتخاب کرد.

– Babam mənə telefon səçtirdi.

پدرم به واسطه‌ی من یک تلفن انتخاب کرد. (پدرم از من خواست تا من یک تلفن برای او انتخاب کنم.)

– Esməcil aşiq sazıynən hər kəsi ağlatacaq.

اسماعیل عاشق با ساز خود هر کس را خواهد گریانند.

– Bu çuqurları doldurayımişlar.

این چاله‌ها را باید پر می‌کردند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اددیگرگن‌های دو مثال اخیر از افعال ناگذر (اولدورگن) و بقیه گذرا هستند. همانگونه که می‌بینید ترجمه‌ی دو جمله‌ی اخیر به راحتی صورت پذیرفته است. اما جملاتی که با اددیگرگن‌های ساخته شده از افعال گذرایند به راحتی ترجمه نمی‌شوند و باید جملات را تغییر داد. نکته‌ای که اینجا قابل بحث است این است که در افعال اددیگرگن ساخته شده از افعال گذرا، فرد کننده‌ی کار یا همان کسی که انجام کار را به او محول کرده‌ایم با حرف اضافه‌ی «a\ə» ظاهر خواهد شد. به کلمات «u\sağa, anasına» و «mənə» دقت کنید. دومین نکته این است که یک فعل ناگذر بعد از تبدیل شدن به اددیگرگن، به فعلی گذرا تبدیل خواهد شد. یعنی بطور کلی اددیگرگن و اولدورگن گذارا هستند.

ممکن است در ادراک افعال اولدورگن این شبهه بوجود آید که اینها خود به صورت واحد یک فعل هستند. این شبهه بخاطر ترجمه‌ی آنها به زبان فارسی یا حتی زبان انگلیسی است، اما از نظر منطق زبان ترکی این افعال نوعی اددیگرگن هستند. مثلاً فعل «yapışmak» به معنی «چسبیدن» را در نظر بگیرید. از منطق زبان ترکی یک چیز یا خود چسبیده خواهد شد، یا اینکه به واسطه‌ی کسی می‌چسبید. بنابراین از منطق زبان ترکی «yapıştırmak» یعنی تبدیل فعل به حالت گذرا که به نهاد، مفعول یا متمم نیاز خواهد داشت. (اددیگرگن)

چوخلو اددیگرگن

اددیگرگن را می‌توانیم به یک مرحله‌ی بعد نیز گسترش دهیم. یعنی انجام کاری را به واسطه‌ی یک نفر و آن یک نفر نیز آن کار را به نفر بعدی محول کند. به جمله‌های زیر دقت کنید:

- Adam ölmüş.
- Oğuru adamı öldürmüş.
- Babası (oğuru) adamı öldürtmüş.

جمله‌ی اول یعنی «آدم مرده است». جمله‌ی دوم «دزد آدم را کشته است». اددیگرگن ساخته شده از فعل ناگذر یا همان اولدورگن است. جمله‌ی آخر یعنی «پدرش به واسطه‌ی دزد، آدم را کشته است». فعل در این حالت چوخلو اددیگرگن است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ترکیبات فعلی ممکن

در این بخش با افعالی آشنا شدیم که هر یک به طریقی روی فاعل خود تأثیر می‌گذارند. این فعل‌ها خود نیز با یکدیگر ترکیب می‌شوند.

- ترکیب ایشلم و ادیلگن: وقتی یک فعل وجه ایشتش بگیرد می‌توانیم اینگونه فرض کنیم که یک فعل واحد است. بنابراین یک ایشتش می‌تواند مانند یک فعل ساده با ادیلگن هم ترکیب شود. (-danışıl)
- ترکیب اددیرگن و ادیلگن: فعل بعد از آنکه اددیرگن شد می‌تواند پسوند ادیلگن بگیرد. (-doldurul-, Öldürül)
- ترکیب ایشلم، اددیرگن و ادیلگن: به مثال توجه کنید: (gül+üş+tür+ül+dulər) (خود بررسی کنید).

تکرار این گفته باز مفید خواهد بود که تمام افعال ایشلم (ایشتش)، ادیلگن، دؤنوشلو، اددیرگن، چوخلو اددیرگن قابلیت ترکیب با زمان‌ها و وجه‌های مختلف را دارند. اما بررسی تمامی حالات ممکن کاری دشوار نیست و به عهده‌ی خواننده می‌گذاریم. اما به بررسی فعل توانایی توجه بفرمایید:

در ترکی قشقای فعل توانایی با پسوند اددیرگن یک جا آورده می‌شود. در این حالت انجام آن فعل توسط شخص شماره‌ی یک بوده است که به کمک شخص / اشخاصی صورت گرفته است و مفهوم نیز این است که شخص اول توانایی انجام را نداشته و یا معلول از انجام آن کار باشد و شخص / اشخاصی دیگر در انجام آن کار به او کمک کنند. در این حالت فعل به این صورت ساخته می‌شود:

Eylem+(A)bil +dir(Eddirgən əki)+ zaman əki+ kişi əki

- vəqtlər ki bimarəstandaydım hər gün şərbətimi arvadım inən içəbildirirdim.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این جمله یعنی «آن وقت‌هایی که در بیمارستان بودم شربت‌م را به کمک همسرم می‌توانستم بنوشم.» حال اگر پسوند توانایی در فعل را حذف کنیم یعنی «içdirdim» یعنی اینکه شربت را بوسیله‌ی کسی نوشانیدم. در این حالت جمله با کمی تغییر بیان می‌شود:

– vaqtlər ki bimarəstandaydım hər gün şərbətimi arvadım inən özümə içtirirdim.

یعنی «آن وقت‌هایی که در بیمارستان بودم شربت‌م را به وسیله‌ی همسرم به خودم می‌نوشاندم.» فرق جمله‌ی اول با جمله‌ی دوم در این است که در حالت اول آن فرد خودش شربت را می‌خورده اما برای این کار به یاری کسی نیاز داشته است. اما در حالت دوم کاملاً از انجام آن فعل عاجز بوده است و تمام و کامل آن کار را همسرش انجام می‌داده است.

همچنین در ترکی قشقای فعل توانایی با پسوند ادیلگن هم یک جا آورده می‌شود. در این حالت انجام آن فعل توسط کسی به وقوع پیوسته که مهم نیست و ذات انجام فعل از درجه‌ی اهمیت بیشتری برخوردار است. طبق قواعد ادیلگن چون حرف آخر پسوند (A)bil حرف «İ» است فقط با پسوند «in» به ادیلگن تبدیل می‌شود.

– Qöcə kişi qaxabilindi.

یعنی پیرمرد به وسیله‌ی کس/کسانی توانست بلند شود. در اینجا باید به این توجه کنیم که فاعل در فعل توانایی نمی‌تواند مخفی یا کمرنگ باشد و از طرفی در ادیلگن نیز فاعل بی‌اهمیت است. لذا در این جا با یکی دیگر از قدرت‌های اعجاب‌انگیز زبان ترکی مواجه می‌شویم. در اینجا فعل به وسیله‌ی پیرمرد انجام شده اما آن فعل به کمک کس/کسانی بوده است که اهمیتی ندارند. لذا در این جمله علاوه بر اینکه نفس و ذات فعل اهمیت دارد، فاعل (پیرمرد) نیز مهم می‌شود چرا که بدون خواست پیرمرد و بدون اراده‌ی او و حتی بدون تلاش او برای انجام فعل، آن فعل هرگز صورت نمی‌پذیرفت. لذا جمله در ترجمه به زبان فارسی به این گونه است: «پیرمرد به وسیله‌ی کس/کسانی توانست بلند شود.» (اما عمل بلند شدن را خود انجام داد. کسی او را بلند نکرد، بلکه فقط به او در انجام کار یاری شد.)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در مقام مقایسه به جمله‌ی زیر نیز توجه کنید:

– Qöcə kişi qaxıldı.

در اینجا چون زبان فارسی عاجز از ترجمه‌ی مستقیم است به تشریح معنی آن می‌پردازیم: یعنی «پیرمرد (بوسیله‌ی کسی) درخواست.» در این جمله نیز پیرمرد را کسی بلند کرده است. مثلاً اینگونه تصور کنید که پیرمرد معلول حرکتیست. و چون معلول از انجام فعل است، فعل با پسوند (A)bil آورده نمی‌شود و این دقیقاً تفاوت با جمله‌ی قبل است. در این جا پیرمرد هیچگونه توانایی برای انجام فعل ندارد. اما در جمله‌ی قبل توانایی داشته ولی کافی نبوده است و احتیاج به یاری دیگری بوده است.

– Qöcə kişi qaxabildi.

«پیرمرد توانست برخیزد»

– Qöcə kişi qaxtı.

«پیرمرد درخواست»

امر ایلمی (فعل امر)

فعل امر همانگونه که از نامش پیداست، حاوی بار امری به مخاطب است. بنابراین در حالت اول شخص مفرد یا جمع از نظر زبان ترکی غیرمنطقی بنظر می‌آید. به صرف آن دقت کنید:

Sən qal siz qalın
O qalsın onlar qalsın/qalsınlar

حالت منفی

براحتی و با اضافه کردن «m(A)» بعد از بن فعل:

Sən qalma siz qalmayıng
O qalmasın onlar qalmasın/qalmasınlar

در قسمت‌های قبل با افعالی مثل ایشتش، اددیرگن، و دونوشلو آشنا شدیم. اگر یک فعل را فقط با همین وجه‌ها و بدون وجه زمانی بیاوریم، فعل امری خواهد بود. تمامی مثال‌های زیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

امری هستند:

- Ağlaşing, doldur, yatırd, ayrıl, yaxınlaş, dərdləş, qaşın, birləşsinlər, alıştırmaying, götürməsinlər, bikil

اکایلم (افعال الحاقی)

پسوندهایی هستند که با اضافه شدن به کلماتی که ذات اسم دارند و آنها را به گزاره تبدیل می‌کنند (گزاره را بعدها خواهیم خواند). همچنین اکایلم‌ها به افعال تک‌زمانی یا ساده نیز اضافه می‌شوند و آنها را چندزمانی می‌کنند؛ با این تفاسیر در ترکی اکایلم دو وظیفه اصلی دارد:

- ۱- تبدیل کردن کلماتی که ذاتشان اسم است به گزاره
- ۲- تبدیل افعال ساده (تک زمانی) به افعال دو زمانی

□ کاربرد اول، تبدیل کردن کلماتی که ذاتشان اسم است به گزاره

اکایلم یا افعال الحاقی (پسوندی) با اضافه شدن پسوندهای «d(İ), m(İ)ş, s(A), d(İ)r» به آخر کلماتی که ذاتشان اسم است (اسم، ضمیر، ادات، قید، صفت)، ساخته شده و در نقش گزاره ظاهر می‌شوند. بدیهیست که بعد از پسوندهای فوق‌الذکر کیشی‌اکی (پسوند شخصیت) خواهد آمد.

نکته: جملاتی که گزاره‌ی آنها بدین طریق ساخته شود، «جملات اسمی» گوییم. در بخش‌های آتی این جملات را خواهیم دید.

در جملات اسمی، اکایلم با ۴ وجه صرف می‌شود:

- گۆرولن گچمیش زامان (گذشته‌ی مشخص) ← idi



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کیشی	کلمه	اکایلم	وجه صرفی گۆرولن گچمیش زامان	کیشی اکی
Mən	Qəşəng	i	di	m
Sən				ing
O				-
Biz				ik
Siz				ingiz
Onlar				lər

نکته: در صورتی که دو حرف باصدا پشت سر هم آید یکی از آنها حذف می شود:

Qəşəng+idi+ik = Qəşəngidik

- گۆرولمه یین گچمیش زامان (گذشته ی نامشخص) ← imiş

کیشی	کلمه	اکایلم	وجه صرفی گچمیش زامان	کیشی اکی
Mən	Qəşəng	i	miş	m
Sən				ing
O				-
Biz				ik
Siz				ingiz
Onlar				lər

- گنیش زامان (گسترده یا استمراری) ← idir

کیشی	کلمه	اکایلم	وجه صرفی گنیش زامان	کیشی اکی
Mən	Qəşəng	i	-	m
Sən		i	-	ing
O		-	dir	-
Biz		i	-	ik
Siz		i	-	ingiz
Onlar		-	dir	lər



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- شرط ایلمی (افعال شرطی) ← ise

کیشی	کلمه	اکایلم	وجه صرفی گچمیش زمان	کیشی اکی
Mən	Qəşəng	i	sə	m
Sən				ing
O				-
Biz				ik
Siz				ingiz
Onlar				lər

نکته: در تمامی موارد بالا اگر کلمه مختوم به حرف صدادار باشد، بین کلمه و «i» حرف «y» آورده می شود.

Dəli+imış= Ddeliymiş

□ کاربرد دوم، تبدیل افعال ساده (تک زمانی) به افعال دو زمانی

اکایلم یا افعال الحاقی، با اضافه شدن به افعالی که تک زمانی هستند، آنها را دو زمانی می کنند. از گذشته بیاد آورید که زمان های مختلف را با یکدیگر بکار می بردیم، مثلاً آینده در گذشته (Əvlənəcəktim). تمامی این موارد، در واقع کاربرد افعال الحاقی در دو زمانی کردن افعال است.

شبه فعل ها

در ترکی با نام های Eyləmsilər یا sözdə eyləm شناخته می شوند. کلماتی هستند ساخته شده از فعل، اما صرف نمی شوند و نقش های متفاوتی در جمله عهده دار می شوند (بیشتر به عنوان اسم). شبه فعل ها به مانند افعال، منفی هم می شوند. با توجه به تعریف فوق شبه فعل ها یا Eyləmsi ها را به شکل زیر دسته بندی می کنیم:

- Eyləmlük (مصدر): gəlmək, gedmək, oxuma, yazma, gəliş, gediş.
- Ortaç (صفت - فعل): gələn adam, tanıdık insan, bişmiş yeməli.
- Ulaç (فید - فعل): gülərək baxmaq, çıxıp gedmək.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به طور کلی شبه‌فعل‌ها در ترکی دو نوع وظیفه یا نقش را در جمله دارند:

۱- نقشی که اسم‌ها، صفت‌ها، قیده‌ها و کلمات هم‌جنس اسم در جمله دارند را می‌گیرند.

Çalışmak insanı başarılı edər. → یک اسم است و در نقش فاعل است

Oxuma, adaming ruhunu tazalar.

→ صفت Qızarmış yomurta yedik. است فاعل نقش در و است اسم یک

Urumu da çox **tamdık** yoldaşlarımız var. → صفت

Burdan ayrılanda ələ geri **baxarak** aralandı. → قید

۲- قبل از بررسی این مورد به این تعریف توجه کنید؛ «جمله‌ی وابسته» (yan cümlə):

جمله‌ایست که در یک جمله‌ی مرکب، مفهوم جمله‌ی هسته را کامل می‌کند. (توضیحات بیشتر در مباحث نحو همین کتاب آمده است.) شبه‌فعل‌ها با ساخت جمله‌ی وابسته، در تولید جمله‌ی کامل کمک می‌کنند و ساخت جملات کوتاه، صریح و آشکار در زبان ترکی را آسان می‌کنند. جملاتی که در زبان ترکی با **ortaç** و **ulaç** ساخته می‌شوند باعث کوتاهی جملات می‌گردد که در دیگر زبان‌ها از جمله فارسی، این جملات با **bağlaç** یا حروف ربط ساخته می‌شوند و جمله طولانی می‌گردد.

چند مثال ببینیم:

Kişi dünəng əvi kiraladı pulunu da verdi → Dünəng əvi **kiralayan** adam pulunu da verdi.

Əmin kitabını oxudu və yaddı. → Əmin kitabını **oxuyub** yaddı.

در ادامه به بررسی سه نوع از شبه‌فعل می‌پردازیم:

۱. مصدر (Eyləmlilik)

فرق بین فعل و مصدر این است که فعل حاوی زمان و شخص است ولی مصدر این‌چنین



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نیست و به همین دلیل مصدر یکی از اقسام اسم به شمار می‌آید. در زبان ترکی پسوندهای
-mak, -ma, -ış- مصدرساز هستند:

-mak(mək) : gəlmək, gedmək, vermək, almak, səvmək

نکته: در برخی از گویش‌ها به صورت‌های -maq(məq) یا -max(məx) نیز دیده می‌شود. اما
پیشنهاد ما حالت اول و کتابی آن که مشترک‌های لهجه‌ها و گویش‌های ترکیست، می‌باشد.

-m(A): oxuma, anglama, yazma, vurma, gedmə, bilmə.

- (İ)ş: gülüş, baxış, alış, yaşayış, veriş, dikiş.

قبلاً در بحث فعل‌ها نیز گفتیم، فعل ساده بعد از گرفتن پسوندهایی مانند پسوندهایی که
افعال را به دؤنوشلو، ادیلگن و... تبدیل می‌کند، نیز می‌تواند مصدر شود:

Yaz → yaz-mak

yaz-dır-mak

yaz-ıl-mak

yaz-dır-ıl-mak

Bil → bil-mək

bil-dir-mək

bil-in-mək

bil-dir-ıl-mək

bil-mə-mək

چند مثال در جمله:

Bu axşam nama **yazamak** istirim.

Bu qonu da indi heç zad **yazmamak** daha mantıqlıdır.

Sizləri **səvməmək** mümkün dəğil.

Bu qonuda daha çox **düşünməktə** zərər yox.

Çox **yatmaktan** heç xoşum gəlmir.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مصدرسازی می‌تواند با m(A) نیز باشد:

Yaz → yaz-ma

yaz-dır-ma

yaz-ıl-ma,

yaz-dır-ıl-ma

yaz-ma-ma

Bil → bil-mə

bil-dir-mə

bil-in-mə

bil-dir-il-mə

bil-mə-mə

چند مثال در جمله:

Mənim böyük babam (atam) çox yaxşı yazma oxuma bilirdi.

Ana dilində oxuması yazması olmayan insan bilimsiz sayılır.

Bu toplantıya qatılmangız çox faydalı olar.

Əvə getmə vaxtı gəldi.

Arabasız işə getmə gəlmə çətindir.

مصدرسازی می‌تواند با (İ)ş نیز باشد:

Yaz → yaz-ış

yaz-ıl-ış

Bil → bil-iş

Dik → dik-iş

Aç → aç-ış

aç-ıl-ış



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تفاوت بین $m(A)$ و $(İ)ş$:

عموماً ترکیبات ساخته شده با $m(A)$ به یک عمل دلالت دارد و $(İ)ş$ بر شیوه و نوع کار دلالت دارد. مثال‌های زیر را ببینیم:

Qızıng baxışını heç bəyənmədim.

در این مورد شیوه و طرز نگاه کردن مد نظر است.

نکته: اگر بصورت «baxışını» هم بیاید همان معنی را می‌رساند.

Qızıng baxışını bu qonuda bəyənmədim.

در این مورد چون یک موضوع آمده منظور نظر و عقیده است.

Qızıng baxmasına bir cavap verəcəktim.

در این مورد منظور انجام فعالیت است. که در اینجا فعالیت مورد نظر نگاه کردن است.

۲. صفت - فعل (Ortaç)

وقتی فعل بعنوان صفت مورد استفاده قرار گیرد به آن اورتاچ گفته می‌شود. گاهی اوقات در قالب اسم نیز کاربرد دارد. همچنین می‌تواند حامل زمان باشد. اورتاچ‌ها در شکل سه زمان گنیش زامان اورتاچی، گله‌جک زامان اورتاچی و گچمیش زامان اورتاچی کاربرد دارند:

- شکل اول: گنیش زامان اورتاچی

گنیش زامان اورتاچی با سه پسوند ساخته می‌شود، $(A)n$ ، $(A)r$ و $(İ)c(İ)$

(A)r

می‌دانیم که $(A)r$ پسوند ساخت فعل گنیش است. با این حال برای ساخت گنیش زامان اورتاچی هم استفاده می‌گردد. ذکر این نکته نیز ضرورت می‌نماید که در بخش پسوندها نیز $(A)r$ را بررسی خواهیم کرد، متنها در آنجا بیشتر تمرکزمان را روی اتمولوژی پسوند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خواهیم گذاشت.

پسوند (A)r در مقام اورتاچ، نه به عنوان فعل، بلکه قبل از یک اسم می‌آید و نقش صفت را بازی می‌کند. مفهومی که از این صفات ساخته شده استنتاج می‌شود به عنوان کننده/نکننده‌ی کار و بار زمانی گنیش یعنی همیشگی دارد. حالت منفی آن نیز با پسوند «m(A)z» ساخته می‌شود.

Axmak → Axar → **Axar** sular artıq Azərbaycan diyarında.

Yanmak → yanar → yanmaz → Bu palto **yanmaz** parçadan dikilmiş.

Çalmak → çalar → Sening xatəringə **çalar** oldum **yazar** oldum.

Gəlmək → gələr → gəlməz → yarım **gədər gəlməz** oldu.

(A)n

این را هم در بخش پسوندها بررسی کرده‌ایم. قبل از یک اسم می‌آید و نقش صفت را بازی می‌کند. معمولاً دارای بار زمانی گنیش و ایندیکی زامان است. حالت منفی آن با پسوند «m(A)» ساخته می‌شود.

Gəlmək → gələn → Gələn adam mənim babamdır.

Axmak → Axan → Axan suya dayanma, hər deyilənə inanma(Atasözü).

Yazmak → yazılan → yazılan kağızlara imza at. (imazala)

Yanmak, kəsilmək, qazılmək → yanan, kəsilən, qazılan → yanan yerdən yaş çıxar, kəsilən yerdən qan çıxar, qazılan yerdən su! (Atasözü)

Bilmək → bilən → bilməyən → Bilməyən adamı çi dalınga alang! Çi yerə vurang. (Atasözü).

(i)c(i)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قبل از یک اسم می آید و نقش صفت را بازی می کند. معمولاً مفهوم زمانی گنیش و گله جک را شامل می شود. حالت منفی آن با پسوند «m(A)» ساخته می شود. (در قشقای کاربرد کمی دارد):

Gəçmək → gəçici → gəçici ləzətlər için yaşamımıza zarar verməməliyik.

- شکل دوم: گله جک زامان اورتاجی

پسوند k(A)c(A) که برای فعل گله جک استفاده می شود، برای ساخت گله جک زامان اورتاجی نیز کاربرد دارد. حالت منفی آن با پسوند «m(A)» ساخته می شود.

- Gəlmək → gələcək → **gələcək** hafta dərslər başlar.
- Oxumak → oxunmak → **oxunacak** → bu oxulda **oxunacak** kitab yox.

- شکل سوم: گچمیش زامان اورتاجی

d(i)k

معمولاً قبل از یک اسم می آید و نقش صفت را بازی می کند. مفهوم زمانی گچمیش زامان را بیان می کند. حالت منفی آن با پسوند «m(A)» ساخته می شود.

Görmək → Bugün gördüğüm qız, Qaşqaymış.

Baxmaq → **Baxdığımız** filim, bu il Osakar aparmış (qazanmış).

Tanımək → **Tanımadığım** adamlarınan tez səmimi olma .

m(i)ş

معمولاً قبل از یک اسم می آید و نقش صفت را بازی می کند. مفهوم زمانی گچمیش زامان را بیان می کند. حالت منفی آن با پسوند «m(A)» ساخته می شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

yazmak → yazılmış → Yazılmış bərgələri bir yana yazılmamış bərgələri də bir daha yana qoyung.

ağarmak → ağarmış → Ağarmış saçlarıma baxma.

görmək → görməmiş → Görməmiş adamın oğulu oldu, çəkdi s*k və da*ağı qoparddı.(Atasözü).

۳. قید - فعل (Ulaçlar)

تقریباً معادل اسم مصدر در فارسیست. واژه‌های که از فعل ساخته می‌شوند و در نقش قید (بلیرتیج) بکار می‌روند. پسوندهای صرفی و شخص را همراه خود ندارد. همچنین پسوندهای منفی و تنیدگی‌ها (çatı) را می‌گیرد و معمولاً بین واژه‌ها رابطه‌ای را برقرار می‌کند. به پنج دسته باغلاما اولاچلاری، دوروم اولاچلاری، زامان اولاچلاری، سبب اولاچلاری و قیاس اولاچلاری تقسیم می‌شوند.

باغلاما اولاچلاری

همان‌طور که از اسمش نیز پیداست برای اتصال استفاده می‌شود. هرگاه دو فعل با زمان و شخص یکسان پشت سرهم بیایند، زمان و شخص فعل اول را حذف کرده و از باغلاما اولاچی استفاده می‌کنیم. روش کار بدین صورت است که بن فعل اول را بعلاوه‌ی پسوند «(İ)P» می‌کنیم.

Börkünü aldı və geddi. → Börkünü alıp geddi.

Uşaq südü içdi və yattı. → Uşaq südü içip yattı.

دوروم اولاچلاری

وضعیت و طرز انجام گرفتن فعل را نشان می‌دهد. کلمات و شکل‌های گوناگونی درگوش‌های مختلف زبان ترکی قشقایی دارد. چند مورد پراستفاده را ببینیم:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

– (A)

Qardaşım ağlaya ağlaya əvə gəldi.

Gülə gülə çatlading!

Oğulu vura vura dəridən çıxarddim.

Adam düşə qalxa özünü yeterddi buraya.

– m(A)d(A)n

Pul almadan bu işi görməz.

Hava qararmadan əvdən çıxtık.

– d(İ)ğ(İ) yerde/halda.

این حالت علاوه بر نشان دادن وضعیت یک نوع مقایسه و سنجش را نیز به همراه دارد. در ترکی قشقای حالت اول بیشتر کاربرد دارد.

Bu qadar dərş çalıştığını yerde genə də dərşə qaldı.

Bu taxım çox pul xarcladığı halda qahraman olamadı.

Onung yalanlarını gördüğü halda hələ də ona inanır.

– (A)nd(A)

Yaz güllər açılanda, bülbüllər ötər.

– Kən

– (A)r(A)k

دو مورد آخر در ترکی قشقای بی استفاده است به این دلیل از ذکر مثال خودداری می کنیم.

زمان اولچلاری

این اولچ وظیفه‌ی نمایش زمان انجام فعل را برعهده دارد. عموماً می توان گفت وضعیت نیز

همراه آن نشان داده می شود، برخی از پسوندهای پر کاربرد را ببینیم:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

d(İ)g(İ)nd(A) / d(İ)g(İ) zaman

Pulumu **aldığım zaman/aldığımda** sizin pulunguzu da verəcəyim.

Anam **gəldiği zaman/gəldiğində** varı zadı dəyəcəyim.

İstanbula **geddigimiz zaman/geddigimizdə** bütün müzələri gəzdik.

D(İ)kt(A)n sonra

Otobüstən **indiktən sonra**, telefonumu itirdim.

Yağış **yağdıktan sonra**, dünya gülüstan olur.

Tehran'dan **döndüktən sonra**, bir başda Təbrizə gedəcək.

İş bulduktan **sonra** elçiligə gedəcəyim.

d(İ)kç(A)

Adam **yaşlandıqça** bəyni işdən düşər.

(A)l(İ)

Müdür **oldu olalı** daha heç kəsə baxmaz.

Sən **geding gedli** dünya başıma axır oldu.

Özümü **bildim** biləli bu şirkəttəyim.

Özümü **bildim** biləli bu şirkəttəyim.

نکته: سه جمله‌ی زیر معادلند:

Səni **gördüm görəli** çox sevdim.

Səni **görəli bəri** çox sevdim.

Səni **gördüğümdən bəri** çox sevdim.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

– r m(A)z


بلافاصله بعد از وقوع فعل، فعل دیگری بوقوع می‌پیوندد. کاربرد این پسوند در چنین مواقع است.

Oxulu tükədir tükədməz bir iş bulacayım.

به محض اینکه مدرسه/دانشگاه را تمام کنم، کار پیدا خواهم کرد.

Ələ yaz gəlir gəlməz əkinləri biçməyi başlayasık.

Sizi görür görməz aqlıma bir zad gəldi, yaddan çıxarddım.(unuttum).

سبب اولچلاری 

این پسوندها سببیت اتفاقی را بخاطر انجام یک فعل بیان می‌کند.

d(İ)ğ(İ)nd(A)n

Çox yəməli yəməktən qarnım ağrıdı.

Pulum olmadıgından əv alamadım.

d(İ)g(İ)+kişi əki+için

ترکیب «d(İ)g(İ)+kişi əki+için» معادل «d(İ)ğ(İ)nd(A)n» است و همان مفهوم را ادا می‌کند.

Çox yəməli yədigim için qarnım ağrıdı.

Pulum olmadığı için əv alamadım.

m(A)kt(A)n

Dərs oxumaktan yoruldum.

Bu qadar vil danışmaktan yorulmadınız?!

Əving Abad! Gülməktən olduk.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قیاس اولچلاری

میان دو یا چند فعل، مقایسه انجام می دهد.

qadar

Ələ gəldikləri təkın geddilər.

təkın

İstədiging qadar burda qalabiliring.

Vala mənim qadar/bildiğimçə/çəs dəyilmiş.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل پنجم: سوزنا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تا بدین جای کتاب، در فصول مختلف پسوندهایی را دیدیم و کم و بیش با برخی از آنها آشنا شدیم. زبان ترکی عموماً قدرت زیادی در پسوندسازی دارد. به این دلیل ما نیز بر آن شدیم تا فصلی جدا را به بررسی پسوندها اختصاص دهیم. پسوند نیز خود جزئی از وندهاست که وندها نیز به پیشوند، میانوند و پسوند و موارد دیگر تقسیم می‌شوند. اما در ترکی جز یک مورد پیشوند (پیشوند شدت‌دهی که قبلاً بررسی کردیم) بقیه‌ی وندها همه پسوند هستند. بررسی این پسوندها از دو لحاظ متنها به فایده است. اول اینکه با استفاده از قوانین اسم‌سازی یک فرد استفاده‌کننده از زبان ترکی قادر خواهد بود براحتی اسم‌های با معنی جدید متعددی بسازد به نحوی که شنونده بی‌سابقه‌ی شنیدن آن اسم، ماهیت آن را تشخیص دهد. دوم اینکه با آشنایی با این قوانین اسم‌سازی ریشه‌ی بسیاری از کلمات مصطلح در زبان‌های دیگر مشخص خواهد شد و معنی آنها هم همان‌گونه که خواهید دید آشکار خواهد شد.

پسوند در زبان ترکی تک واژه‌ای است که به انتهای یک کلمه می‌چسبد و معنای آن را دستخوش تغییرات می‌دهد:

پسوند دارای دو وظیفه است:

✓ نقش کلمه را در جمله مشخص می‌کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

✓ واژه‌ی جدید با معنای جدید می‌سازد.

اجزاء زبان ترکی در واقع با اضافه شدن پسوند که عموماً تک‌هجایی هستند، ساخته می‌شوند. این پسوندها گاهی آنچنان مانند زنجیر به یکدیگر می‌چسبند که در نقش یک کلمه خود به تنهایی می‌توانند تداعی‌گر یک جمله کامل باشند. تعداد پسوندها برای یک کلمه از یک تا سیزده پسوند متغیر است. ما استرس پایانی برای سوالی شدن در ترکی قشقای را یک پسوند در نظر گرفتیم. (در بسیاری از گویش‌های دیگر ترکی از جمله ترکی استانبولی پسوند (mi, mu, mü) برای سوالی کردن به کار می‌رود). به مثال زیر توجه کنید:

Qaşqailılaştıramadıklarımızdanagnız?

Qaşqai+li+laş+tır+a+ma+dık+lar+1+mız+dan+a+agınız+? (استرس سوال)

معنی: آیا شما از آنهایی هستید که ما نتوانستیم شما را اهلیت قشقای بدهیم؟ همان‌طور که می‌بینیم با افزودن سیزده پسوند به کلمه‌ی «قشقای» توانستیم یک کلمه‌ی جدید بسازیم که خود این کلمه به تنهایی تداعی‌گر یک جمله است. به طور کلی پسوندها در زبان ترکی به دو دسته کلی تقسیم می‌گردند:

- پسوندهای صرفی (çekim əkləri)
- پسوندهای ساختاری (yapım əkləri)

پسوندهای صرفی (çekim əkləri): پسوندهایی که به ریشه و یا حالت ساختاری شده‌ی (با پسوندهای ساختاری) یک اسم یا فعل می‌آیند و مفاهیمی همچون شخص، زمان، سوالی شدن، جمع، مثبت بودن، منفی بودن، جایگاه، مکان و سمت و سو را به کلمه می‌افزایند. در پسوندهای صرفی مفهوم ریشه کلمه تغییری پیدا نمی‌کند.

əv-əvi-əvləri-əvdə-əvdən-əvə-əvimiz-

پسوندهای ساختاری (yapım əkləri): پسوندهایی هستند که به ریشه و یا حالت ساختاری شده از قبل، اضافه می‌شوند و واژه‌ای جدید با معنای جدید می‌سازند.

Göz-gözlük-gözlükçü-gözlükçülük



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

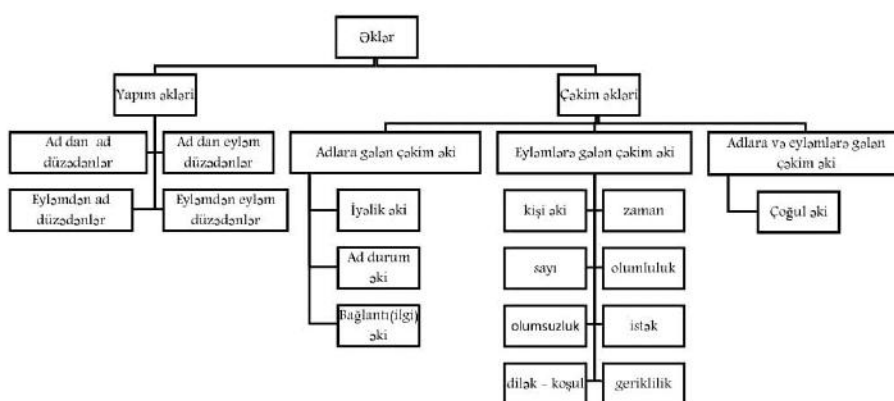
تفاوت پسوندهای صرفی و ساختاری در یک مثال: در دو مثال زیر به طور واضح مشخص است که در پسوندهای ساختاری واژه‌ی جدیدی ساخته می‌شود. مثلاً از واژه‌ی «کتاب» واژه جدید «کتابدار» ساخته شده است یعنی به طور کامل معنی واژه تغییر کرده است؛

odun+cu =oduncu kitab+cı=kitapçı

اما در پسوندهای صرفی مانند پسوند جمع واژه «کتاب» به «کتابها» تبدیل شده یعنی اصل واژه تغییری نکرده است.

Odun+lar = odunlar kitab+lar=kitaplar

با اندکی دقت در مبحث پسوندها در زبان ترکی و آنچه در بخش‌های قبل بررسی کردیم به راحتی می‌توان پی برد که از اصلی‌ترین ویژگی‌های زبان ترکی، «چسبانشی» یا «التصاقی» بودن آن است؛ و این مهم توسط پسوندها ایجاد می‌گردد، به این معنی که بسیاری از حالت‌ها به وسیله‌ی پسوندها بیان می‌شوند. زبان ترکی از این لحاظ با زبانی مانند زبان فارسی متفاوت است. بسیاری از حروف اضافه مانند از، در، به، برای و ... که در فارسی قبل از اسامی می‌آیند در زبان ترکی به صورت پسوند به انتهای واژه‌ها می‌چسبند، مثلاً عبارت «در خانه» به ترکی می‌شود «خانه در». حالت‌های ملکی، مقایسه‌ای، ساختن اسم از فعل، ساختن صفت از فعل و ... همگی با پسوند انجام می‌شوند. در مباحث پیش رو پسوندها را بنا به تقسیم بندی فوق بررسی خواهیم کرد. ذیلاً یک تقسیم‌بندی کلی از پسوندهای زبان ترکی را به صورت یکجا در یک چارت می‌بینیم:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پسوندهای صرفی (çäkim äkläri):

وقتی صحبت از پسوندهای صرفی می‌شود، ذهن ما به سمت پسوندهایی می‌رود که برای صرف افعال استفاده می‌شود. اما پسوندهایی مانند *ad durum äkläri* و *äyälük äkläri* (پسوندهای مالکیت) نیز معنای ویژه را تغییر نمی‌دهند. بنابراین پسوندهای صرفی را می‌توانیم به دسته‌های زیر تقسیم کنیم:

۱. پسوندهای صرفی بعد از اسمها (*adlara gälän çäkim äki*)
۲. پسوندهای صرفی بعد از افعال (*eylämä gälän çekim äki*)
۳. پسوندهای صرفی بعد از اسمها و افعال (*adlara və eylämläragälän çekim äk*)

۱. پسوندهای صرفی بعد از اسمها

الف - پسوند مالکیت (*iyälik äki*)

ب - پسوند موقعیت (*ad durum äkläri*)

ج - پسوند پیوند دهنده (*Bağlantı äkläri*)

الف - پسوند مالکیت (*iyälik äki*):

این پسوند مشخص می‌کند که اسم به چه چیزی و یا چه کسی تعلق دارد. پسوندهای ملکی با توجه به حرف آخر کلمه و قانون هماهنگی اصوات طبق جدول زیر هستند:

شخص	اگر حرف آخر کلمه مصوت باشد
Män-im	m-
Sän-ing	ng-
O-nun	sı/ -sı/ -su/ -sü-
Biz-im	mız/ -mız/ -muz/ -müz-
Siz-ing	ngız/ -ngız/ -nguz/ -ngüz-
Onlar-m	ları/ -läri-



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مثال؛

Mən-im	boşqabım	əvim	qolum	gülüm	çantam
Sən-ing	boşqabıng	əving	qolung	gülüng	çantang
O-nun	boşqabı	əvi	qolu	gülü	çantası
Biz-im	Boşqabımız	əvimiz	qolumuz	gülümüz	çantamız
Siz-ing	boşqabıngız	əvingiz	qolunguz	gülüngüz	çantangız
Onlar-in	Boşqabları	əvləri	Qolları	gülləri	çantaları

Mən-im	مال من
Sən-ing	مال تو
O-nung	مال او
Biz-im	مال ما
Siz-ing	مال شما
*Onlar-ing	مال آنها

*در ترکی قشقایی در صرف افعال فقط ضمایر دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع هستند که نون غنه می‌گیرند. در ضمایر اما وضع کمی متفاوت است و بعضاً با مواردی مواجه می‌شویم که تشخیص استفاده‌ی درست از آن را با کمی سختی همراه می‌سازد. در ترکی آذربایجانی و استانبولی به این دلیل که نون غنه از نوشتار حذف شده است، برخی اوقات ایهاماتی ایجاد می‌شود. مثلاً در ترکی استانبولی «*elini*» هم به معنی «دستت» و هم به معنی «دستش» است. (یعنی هم دوم شخص مفرد و هم سوم شخص مفرد) اما در قشقایی «*lingi*» به معنی «دستت» و «*lini*» به معنی «دستش» است که به راحتی این دو ضمیر از هم قابل تفکیک است. تصور ما بر این است که شکل تلفظ باستانی سوم شخص مفرد به صورت «*lingini*» بوده است. در مورد افعال گفتیم که در صرف آنها، فقط ضمایر دوم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شخص مفرد و دوم شخص جمع هستند که نون غنه می‌گیرند. حال مورد فعل «اولسون» بحث می‌کنیم. اولاً می‌دانیم که «اولسون» بمعنی «باشد» است و «باشد» هم سوم شخص مفرد است، یعنی «آن/این باشد.» (یک فعل آرزوست.) پس سوم شخص مفرد هم نون غنه نمی‌گیرد. برخی به اشتباه «اولسون» را «اولسونگ» می‌نویسند که به لحاظ گرامری اشتباه است، هرچند آن را در لهجه‌ای ببینیم.

نکته: همانطور که می‌دانیم با اضافه شدن پسوند ملکی به ضمائر، ضمائر ملکی ایجاد می‌شود. وقتی بعد از ضمائر ملکی اسم قرار گیرد، ضمائر ملکی به صفات ملکی تبدیل می‌شوند. در این صورت اسم بعد از آنها پسوند ملکی همان شخص را می‌گیرد. مثال:

Mənim əvim-Səning əving

نکته: به طور معمول کلماتی که پسوند ملکی گرفته‌اند، دیگر نیاز به ضمائر ملکی ندارند و

ضمیر در آنها به صورت مستتر است: Mənim Anam - Anam

نکته: بعد از پسوند مالکیت (əyəlik əki) می‌توان پسوند موقعیت (Ad Durum Əkləri) را آورد:

əvimi- əvimə - əvimdən - əviming

ب - پسوند موقعیت (Ad Durum Əkləri)

ابتدائاً به جدول زیر توجه کنید:

Ad durum ekləri	a	I	O	U	Ə	İ	Ö	Ü
Yahn durum	Bal	Qız	Yol	Oxul	Ev*	İp	Köy	Üzüm
Bəliirtmə durumu	Balı	Qızı	Yolu	Oxulu	Evi	İpi	Köyü	Üzüümü
Yönəlmə Durumu	Bala	Qıza	Yola	Oxula	Evə	İpə	Köyə	Üzümə
çixma durum	Baldan	Qızdan	Yoldan	Oxuldan	Evdən	İpdən	Köydən	Üzümdən
tamlayan durum	Balıng	Qızıng	Yolung	Oxulung	Eving	İpıng	Köyüng	Üzüümüng
qalma durum	Balda	Qızda	Yolda	Oxulda	Evdə	İpdə	Köydə	Üzüümdə

*هر دو شکل «Ev» و «Əv» در زبان ترکی قشقایی معمول است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ج - پسوند پیونددهنده (Bağlantı eki).

همراه اسم یا کلماتی که از جنس اسم هستند، می‌آید و باعث بوجود آمدن یک ارتباط یا پیوند می‌شود؛

Səhərki- aqşamki- onungki- uxarki- otaqdaki- buyilki-gələnyilki

نکته: معمولاً این پسوند از قوانین صوت و الفبا پیروی نمی‌کند. مگر در برخی کلمات استثناً؛ مثل: Bugünkü, Oğünkü, dördüncü.

نکته: قابل توضیح است که وقتی این پسوند با اسم مکان و زمان می‌آید چون اسم را به صفت تبدیل می‌کند، جزء پسوندهای ساختاری نیز دسته‌بندی می‌گردد. (در مبحث پسوندهای ساختاری اشاره شده است.)

این پسوند بعد از پسوند «qalma durum» (وضعیت جایگاهی) می‌آید؛ به جدول «پسوند موقعیت» دقت کنید.

Otaq+da+ki kitap

Əv+da+ki oğul

Uxar+da+ki otaq

در مثال اول، جمله‌ی «کتابی که در اتاق هست.» (پیوند لازمه بین اتاق و کتاب ایجاد کرده است. عنصر و مشخصه‌ی شناسایی کتاب «در خانه بودن» آن کتاب است.) این پسوند همچنین بعد از پسوند «حالت مکمل-tamlayan durum» نیز می‌آید، بیشتر برای جلوگیری از تکرار است و به عنوان یک ضمیر جای واژه‌ای که قبلاً (در جمله‌ی قبل) به کار رفته می‌نشیند:

Otaqıng pencərəsi → otaqıngki

Onung maşını → onungku

Kiming əşəgi? → kimingki?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این پسوند قبل از پسوندهای موقعیت (ad durum əkləri) می‌آید:

پسوندهای موقعیت اسم	مثال
Bəliirtmə Durumu	.Səninkini gətir
Yönəlmə Durumu	.Səninkinə bax
Çıxma Durum	.Səninkində bu var
Tamlayan Durum	.Səninkindən mən də aldım
Qalma Durum	. Səninkininə damqası silinmiş

این پسوند بعد از کلماتی که زمان را بیان می‌کنند نیز می‌آید:

Səhərki təsadüf → Səhər vaxtında olan təsadüf

Gəçən ilki yağış → Gəçən ildə yağan yağış

bu ilki – indiki – Gələcək haftaki –

نکته: در بحث پسوندهای صرفی دو پسوند «d(A)» و «ki» را خواندیم. پیشتر نیز این دو را به عنوان «bağlaç» خوانده بودیم. لذا این دو هم می‌توانند نقش «bağlaç» و هم نقش غیر را ایفا کنند. ذیلاً به املا و چگونگی تشخیص آن دقت کنید:

– زمانی که «d(A)» و «ki» در نقش «bağlaç» هستند، به صورت جدا نوشته می‌شوند:

Eşiddim ki sən əvlənmişing.

Bu qunuyu sən də angladıng, beyə dəyil?

– زمانی که دو پسوند «d(A)» و «ki» در نقش «əkl» یا پسوند هستند، چسبیده نوشته می‌شوند:

Ogünkü qızlar bugün də gəldilər.

Mənimki genə də olmadı.

Bu məsələdə hər iki tərəf də haqsızdır.

Bu kitab səndə qalsın.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تشخیص این دو از مفهوم جمله پیداست. $d(A)$ هنگامی که «bağlaç» هست معنی «هم» می‌دهد و $k(i)$ معنی «که». همچنین برای تشخیص این دو می‌توان از تکنیک زیر استفاده کرد؛ تشخیص $d(A)$: اگر با حذف $d(A)$ از جمله، جمله همچنان یک جمله‌ی بامعنی باقی ماند، $d(A)$ یک «bağlaç» است. در غیر این صورت $d(A)$ یک «پسوند» است. در جملات زیر چون $d(A)$ ها «bağlaç» هستند می‌توانیم آن را حذف کنیم. (مفهوم جمله تغییر می‌کند اما باز هم یک جمله کامل و معنی‌دار است.)

Bu qunuyu sən də angladın, beyə dəyil?

Qızlar bugün də gəldilər.

به همین روال، در جملات زیر چون $d(A)$ ها «پسوند» هستند نمی‌توانیم آنها را حذف کنیم (جمله‌ی باقی‌مانده، نامفهوم خواهد بود).

Bu kitab səndə qalsın.

Bu məsələdə hər iki tərəf də haqsızdır.

برای تشخیص «ki» اگر بدون توجه به جمله، کلمه‌ی همراه «ki» را جمع بیندیم و کلمه همچنان معنا دار باشد، «ki» پسوند است در غیر اینصورت bağlaç:

Mənimki+lər genə də olmadı. → با معناست → پسوند است

Eşidimlər ki sən əvlənmişəng. → بی معناست و معنا از بین رفته است → bağlaç

بعد از بررسی «پسونهای صرفی بعد از اسامی»، مورد دوم و سوم را بررسی خواهیم کرد؛

۱. پسوندهای صرفی بعد از اسم‌ها (adlara gələn çekim eki)

۲. پسوندهای صرفی بعد از افعال (eyləmə(edişə) gələn çekim eki)

۳. پسوندهای صرفی بعد از اسم‌ها و افعال (adlara və eyləmlərə(edişlərə) gələnçekim ək)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲. پسوندهای صرفی بعد از افعال

در فصل قبل به طور کامل با افعال و پسوندهایی که بعد از آنها می‌آیند آشنا شدیم. به طور کلی پسوندهای صرفی که همراه فعل می‌آیند عبارتند از پسوندهای مانند زمان، شخص، شمارش، منفی، مثبت، درخواست، شرط/آرزو و بایدیت.

۳. پسوندهای صرفی بعد از اسم‌ها و افعال

پسوند جمع بستن اسم (adlardan sonra çoğul əki):

زبان ترکی از یک قاعده‌ی ثابت برای جمع بستن اسم‌ها و افعال استفاده می‌کند، جز در مواردی که ذات کلمه خود جمع باشد، که آن هم در مواقعی طبق همان قاعده‌ی یکپارچه جمع بسته می‌شود؛ مانند ملت، گروه و ... در زبان ترکی با اضافه کردن $I(A)r$ به کلمه جمع بسته می‌شود:

Alma+lar= almalar əv+lər=əvlər

biz+lər=bizlər gəlmişlər=gəlmişlər

علامت جمع برای نام‌ها می‌تواند دارای برخی کاربردهای ویژه نیز باشد؛

- همراه کلماتی که بیانگر ملت، مکان و شبیه اینها هستند:

Gəçsaran şəhrində Türklər və Lərlər yaşarlar.

İşsizlikdən kənlilərin çoxu şəhrlərə köçmüş.

Hunlar dünyanın əng büyük imparatorlarından biriymiş.

Şirazlılar Qaşqalarınan uzun zamandan bəri bir ara da yaşamışlar.

- به اسامی خاص، «شبهات» و «احترام» می‌افزاید:

Biz Xosrov xanlar, Sətar xanlar gördük bu ülkədə.

Şəhriyarlar, Fuzulilər Türk ədəbiyatining büyük iftixarıdır.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- برای مخاطب قرار دادن یک اجتماع استفاده می‌شود:

Əziz bacılar, qardaşlar bugün burda Qaşqayının çox dəyərlı bir irçisini qarşılayasık.

Əziz cahallar elimiz sizing gayrətləringizinən hər zaman üçə başlı qalar.

- به جای مفهوم «هر» و نشان دادن تکرار همراه زمان‌ها استفاده می‌گردد:

Gecələr səning yoxlugundan yuxu yoxum.

Yazlar Ərdəbil çox gözəl və gedməlidir.

پسوندهای جمع بستن فعل (eyləmədən sonra çoğul əki)

در همه‌ی زمان‌های افعال برای سوم شخص جمع استفاده می‌شود:

Gəlmişlər - Gəldilər - Gələcəklər - Gələsilər - Gəlsəydilər

همچنین در افعال برای بیان احترام نیز از شکل جمع آن استفاده می‌گردد:

Böyük şaiirmiz təşrif gətirdilər.

Ustad Şəhriyar bu gözəl qoşmayı "Heydər Babaya Salam" dıvanında buyurmuşlardır.

در ابتدای همین فصل گفتیم که پسوندها به دو نوع صرفی و ساختاری تقسیم می‌شوند. پسوندهای صرفی را بررسی کردیم. در ادامه پسوندهای ساختاری را بررسی خواهیم کرد؛

پسوندهای ساختاری (yapım əkləri):

پسوندهایی هستند که به ریشه و یا حالت ساختاری شده از قبل، اضافه می‌شوند و واژه‌ای جدید با معنای جدید می‌سازند. زبان ترکی قشقایی نیز مانند دیگر شاخه‌های زبان ترکی پسوندهای ساختاری مختلفی دارد. لذا از این حیث بسیار غنیست. آنچنان که خواهیم دید، با اضافه شدن پسوندهای ساختاری به افعال و نام‌ها، هزاران واژه‌ی جدید می‌توان ساخت.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در واقع واژه‌های اصیل زبان ترکی برپایه‌ی «اضافه شدن پسوند ساختاری به ریشه افعال و نامها» ست. «یوهان واندوله»ی بلژیکی معتقد است که زبان ترکی از این حیث در جهان بی نظیر است، وی در این باره در مرکز آموزش زبان ترکی دانشگاه آنکارا با ارائه یک کنفرانس مدعی شده است که از یک کلمه‌ی ترکی می‌تواند هزاران واژه‌ی جدید بسازد. از زیبایی‌های این ویژگی این است که فردی که زبان ترکی می‌داند یا زبان ترکی یاد می‌گیرد، قادر است به راحتی واژه‌هایی با معانی جدید بسازد و شنونده این واژه جدید نیز اگر برای نخستین بار می‌شنود می‌تواند ماهیت این واژه جدید را تشخیص دهد. این ویژگی همچنین کمک فراوانی به یادگیری مفهوم کلمات می‌کند.

پسوندهای ساختاری در زبان ترکی را می‌توان به چهار دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

۱. پسوندهای اسم‌ساز از اسم (Adlardan ad düzəltən əklər)
۲. پسوندهای فعل‌ساز از اسم (Adlardan eyləm düzəltən əklər)
۳. پسوندهای اسم‌ساز از فعل (Eyləmdən ad düzəltən əklər)
۴. پسوندهای فعل‌ساز از فعل (Eyləmdən eyləm düzəltən əklər)

در ادامه، هریک از موارد بالا را به اختصار مورد بررسی قرار خواهیم داد. قبل از بررسی، لازم به توضیح است که میزان و نحوه‌ی استفاده‌ی این پسوندها در زبان ترکی امروزی (همه‌ی لهجه‌ها و گویش‌ها) متفاوت است. از نظر نحوه و میزان استفاده می‌توان آنها را در سه دسته قرار داد:

- پسوندهای ساختاری پر استفاده
- پسوندهای ساختاری کم استفاده
- پسوندهای ساختاری قالب یافته (برخی از پسوندهای ساختاری بیشتر به شکل یک قالب درآمدند و دیگر به عنوان یک تکواژه‌ی جدید شناخته می‌شوند، نه یک واژه پسوند دار).

ما با صرف‌نظر از میزان استفاده و با توجه به دسته‌بندی چهارتایی مذکور، سعی خواهیم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

داشت شمار قابل قبولی از آن را در این کتاب ارائه دهیم. چرا که معتقدیم به یادگیری مفهوم و شناسایی ریشه‌ی کلمات کمک شایانی خواهد کرد؛

۱. پسوندهای اسم ساز از اسم (Adlardan ad düzəltən əklər)

همانطور که از نام آن نیز مشخص است، پسوندهایست که به کمک یک اسم، اسم و یا واژه‌ای جدیدی از جنس «اسم» می‌سازد و از آنجا که از پسوندهای ساختاریست، مشخصاً اسم جدید معنای متفاوتی خواهد داشت.

نکته: صفت‌ها و قیدها واژه‌هایی از جنس اسم هستند.

(A)q

زبان ترکی یکی از گسترده‌ترین زبان‌های دنیاست. از غرب چین گرفته تا اروپای شرقی بسیاری از مردمان به لهجه‌های مختلف از این زبان صحبت می‌کنند. به این دلیل کلمات مشابه با چرخش در میان لهجه‌ها اشکال مختلفی به خود می‌گیرند. به این دلیل است که گاه پیدا کردن خویشاوندی دو کلمه در دو لهجه‌ی مختلف برای افراد عادی دشوار می‌نماید. از حرف‌هایی که بسیار در لهجه‌های ترکی تغییر می‌کند حروف «ق»، «غ»، «گ» و «ک» است. این چهار حرف مدام از لهجه‌ای به لهجه‌ی دیگر به یکدیگر تبدیل می‌شوند. به این دلیل این را گفتیم چون در ادامه با مثالهایی مواجه خواهیم شده که گاهاً حرف «ق» به سه مورد دیگر تبدیل می‌شود. مثلاً به کلمه‌ی Souq توجه می‌کنیم که به سه شکل دیگر نیز در لهجه‌های گوناگون ترکی ادا می‌شود:

Souk, Soug, Souḡ

لذا برای مشتاقان زبان ترکی بسیار مفید است که در مواجهه با این گونه کلمات به این توجه کنند که هر یک از چهار حروف کذایی ممکن است یکی از موارد دیگر بوده که در یک لهجه‌ی خاص مصطلح بوده و به مرور به دیگر لهجه‌ها رسوخ کرده است. با این توضیحات ممکن است در کتب دیگر با پسوندهای اسم سازی نظیر «(A)k»، «(A)g» یا «(A)ḡ» مواجه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شويد که از نظر ما همگي يکيست.

-Qoxuğ = Qox +uğ

qox به معنی بوی بد و Qoxuğ به معنی چیزی که بوی بد دهد. مجازاً به افراد بد بو اطلاق می‌شود. ممکن است به صورت Qoxuq هم تلفظ شود.

-Yosuğ = Yos +uğ

Yos به معنی پر کردن و Yosuğ به معنی چیزی که پر آن کنده شده است. مجازاً به افراد بی‌چیز و آسمان‌جل اطلاق شود.

-Siniğ = Sin +iğ

به معنی چیزی که شکسته شده است..

-İşiq = iş +iq

به معنی چیزی که از خود نور دهد. یا جایی که نورانی باشد.

-Pamıq = Pam +ıq

Pam نام گیاهی نرم است و Pamıq نیز به معنی چیزی نرم و لطیف است. در ترکی استانبولی این کلمه به صورت pamuk تلفظ می‌شود.

c(i)

از پسوندهای پر استفاده در زبان ترکی به شمار می‌آید، همراه شدن این پسوند با اسم‌ها دو کاربرد مهم را ایجاد می‌کند:

- شغل مرتبط با آن اسم را می‌سازد: $\text{Çay} + c_1 = \text{Çaycı}$, $\text{Aş} + c_1 = \text{Aşçı}$

نکته: به قانون تبدیل «c» به «ç» در کلمه‌ی «Aşçı» دقت کنید.

- همراه برخی صفت‌ها و اسم‌ها می‌آید و یک صفت مشخصه و یا یک عمل مکرر را نشان

می‌دهد: $\text{Yalan} + c_1 = \text{Yalancı}$



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

c(i)l

از پسوندهای کم استفاده در زبان ترکیست. همراه کلماتی از جنس اسم می آیند و اسم و صفت جدید البته با ویژگی «عادت» و «ماهیت» می سازند.

Balıǵ+çıl= Balıǵçıl → balıǵ yiyən quş.

Ev+cil= Evcil → evdə adam yanında qalan hayvan.

نکته: وقتی فعل «ye» پسوند صفت ساز «(A)n» بگیرد، بصورت استثنا به «yiyən» تبدیل می شود. هم چنین است در مورد «de» و «gey, diyən» و «giyən».

Ot+çul= Otçul → otunan bəslənənlər.

Mən+cil= Məncil → faqat özünə düşünən.

c(A)k و c(İ)k

این دو پسوند همراه اسامی یا کلمات از جنس اسم می آیند و مفهوم دلرحمی، مهر و همچنین کوچک و کم شمردن را دارد و از پسوندهای کم استفاده در زبان ترکیست:

oyun+cak → oyuncak (uşaq oynadığı vəsilələr, bir mühüm zadı küçümsədikdə də işlənir)

Əv+cik → əvcik → küçük (oyuncak əv, uşaq əvi)

Tat+cik → Taticik (Tacik) → Əski Türklərə qonşu olan küçücük bir qovum adı.

quzu+cuk → quzucuk → küçük, səvməli quzu



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

c(A)

- با قرار گرفتن بعد از نام ملت‌ها، زبان آن ملت را می‌سازد:

Türk+ca = Türkçe (زبان ترکی) Fars+ca=Farsça
İngilis+ca=İngilizce İtalyan+ca=İtalyanca

- همراه اسامی بیانگر زمان (معمولاً اسامی جمع) می‌آید و معنی بازه‌ای از آن زمان را می‌دهد.
به عنوان مثال وقتی با واژه‌ی سال می‌آید به معنی «سال‌ها» یا «سال‌هایی» خواهد بود.

müddət+ca=müddətcə
yıllar+ca=yıllarca Haftalar+ca=Haftalarca
saatlar+ca=saatlarca günlər+ca=günlərcə

- همراه برخی صفات قیاسی می‌آید و شدت این صفت را کمتر می‌کند. در مواقعی نیز معنی «مثل و مانند» به آن می‌افزاید.

az+ca=azca çox+ca=çoxca
qeləng+ca=qeləngcə qısa+ca=qısaca

نکته: واژه‌ی «انگ» یا «əng» مختوم به نون غنه، یک معیار مقایسه (به معنی به اندازه‌ی، تا) است، که ترکیبات آن را بوفور در کلمات ترکی می‌بینیم. بررسی این واژه خود در مبحث اتومولوژی می‌گنجد که خارج از حوزه‌ی این کتاب است. اما برای درک بهتر به چند مورد اشاره‌ای کوتاه خواهیم کرد؛ واژه‌ی «qeləng» خود متشکل از دو واژه‌ی «qel» به معنی «مو» و «əng» است، که کل واژه‌ی «qeləng» به معنی «به اندازه‌ی یک تارمو/ مجازاً به معنی چیز کم و ناچیز» است. «qeləngcə» نیز به همان معنیست. همچنین است در مورد «əvəngçə» متشکل از «əv+əng+çə» به معنی «تا خانه»، «burəngças» متشکل از «bura+əng+ças» به معنی «تا اینجا». چند مورد دیگر خود پیدا کنید. همچنین توجه کنیم که «əng» به معنی «ترین» نیز هست که این مورد را قبلاً بررسی کرده‌ایم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- همراه بعضی ضمائر آمده و بار معنایی «عقیده» و «نظر» را به آن اضافه می‌کند و معادل «görə» است:

Sizcə → Sizə **görə**Bizcə → Bizə **görə**Məncə → mənə **görə**

d(A)ş

این پسوند همراه اسامی و کلمات هم جنس اسم می‌آید با بار معنایی «هم»، که در کل مفهوم «همراهی» و «باهم بودن» را می‌رساند. از پسوندهای محبوب و پر استفاده است.

el + **daş** = el**daş*** → bir eldən olan. (هم ایلی)

Ad + **daş** = ada**ş** → adı bir olan. (هم نام)

Arxa + **daş** = arxada**ş** → bir birlərinə arxa çıxan adamlar.

Soy + **daş** = soyda**ş** → bir soydan olan.

sır + **daş** = sırda**ş** → bir sırı bilənlər, sır da ortaq olanlar.

Yol + **daş** = yolda**ş** → yolu və düşüncələri bir olanlar

Yurd + **daş** = yurdda**ş** → bir yurdda yaşayanlar.

Qarın+ **daş** = qarında**ş**(qarda**ş**) → bir anadan (qarndan) doğulan.

Çağ + **daş** = çağda**ş** → bir çağda(zamanda) olan.

Dil + **daş** = dilda**ş*** → bir dildə danışan.

Yan + **daş** = yanda**ş** → bir yan (taraf) da olan.

Yön + **daş** = yöndə**ş** → bir yöndə olan.

qat + **daş** = qatda**ş** → bir qatta olan.

Yaş + **daş** = yaşda**ş** → yaşı bir olan, bir yaşta olan.

ayaq+ **daş** = ayaqda**ş** → bir yol, ayaq və düşüncədə olan.

Pay + **daş** = payda**ş** → payı bir olan.

*این کلمات بطور استثنا از قوانین هماهنگی اصوات پیروی نمی‌کنند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

L (İ)

از پسوندهای فعال و پر استفاده‌ی ترکی است و کاربردهای متفاوتی به شرح زیر دارد:

- بعد از اسم و کلمات هم‌جنس اسم می‌آیند و مفهوم «دارایی»، یا «مالکیت» را به اسم می‌دهد:

Pul+lu → pullu adam (پولدار) Əv+li (خانه دار؛ مجازاً به معنی فرد ازدواج کرده)

Başarı+lı (توانا) Güc+lü

Aqıl+lı Duz+lu (پرنمک)

Bilinç+li Əli + ağac +lı → Əliağacı

Ata+lı (پدردار) Qirxdirək + li → Qirxdirəkli çadır

Məmə +li → Məməli hayvanlar

نکته: متضاد این مفهوم را پسوند «siz» افاده می‌کند.

Pul+suz (بی پول) Başarı+sız

Aqıl+sız Güc+süz

Əv+siz Duz+suz Bilinç+siz

Əli + ağac +süz → Əliağacsız Ata+sız

- همراه نام مکان می‌آید و انتساب به شهر، کشور، محله یا منطقه را مشخص می‌کند:

Asiya +lı = Asiyalı (اهل آسیا، آسیایی)

İstanbul +lu = İstanbullu

Meylatun+lu = meylatunlu

- همراه نام دسته، اجتماع و گروه‌ها می‌آید و منسوبیت به آن گروه یا اجتماع ایجاد می‌کند:

quzay+lı = quzaylı

Traktör +lü = Traktörlü

Kən + li = kənli



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- همراه با برخی اسم‌ها که با پسوند «m(A)» از فعل‌ها ساخته شده است، می‌آید و یک نوع مفهوم «لیاقت» را بیان می‌کند:

Gedmə+li → gedməli şəhər

شهریست دیدنی، (شهر زیبایی است)

Yemə+li

Bu süd kəşik çürük olmuş, içməli değil.

این شیر خراب شده و دیگر قابل نوشیدن نیست.

Yemə+li

Çox yeməli kəbabdır.

کباب خوردنی‌ایی است. (کباب با کیفیت و با لذت‌یست).

یادآوری: برخی فعل بایدیت را با پسوند «لی» به معنی لیاقت، اشتباه می‌گیرند. این به دلیل تشابه این دو است. در آینده خواهیم خواند که افعال با گرفتن پسوند «ma/mə» به اسم تبدیل می‌شوند مثلاً «görmə». و همین اسم باز با گرفتن پسوند «لی» به اسم با مفهوم لیاقت تبدیل می‌شود (görməli). حال همین ترکیب با گرفتن فعل «dır/dir» این ابهام را ایجاد می‌کند که کلاً یک فعل با مفهوم لیاقت است، در حالی که یک ترکیب اسمی یا صفت است که بعد از آن فعل «dır/dir» (به معنی است) آمده است.

görməli+dir

- در کلمات مکرر (معمولاً برای بیان قیود) می‌آید.

Saçlı saqəli gəldi girdi toyunğ ortasına.

Yuxulu yuxulu mindi maşına.

ki

درباره‌ی این پسوند در قسمت پسوندهای صرفی توضیحاتی دادیم. این پسوند هم با ضمائر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌آید و هم با برخی اسامی زمان و مکان. لذا، در حالتی که با اسامی مکان و زمان بیاید، چون اسم‌ها را به یک صفت تبدیل می‌کند، در دسته‌بندی ساختارهای صرفی نیز قرار می‌گیرد:

Səhər+ki → səhərki qələm

bağçada+ki → bağçadaki çiçək

نکته: برای تشخیص «ki» در حالت پسوند (ək) از bağlaç به توضیحات این پسوند در قسمت ساختارهای صرفی مراجعه کنید. برای تشخیص ساختاری بودن از صرفی بودن پسوند هم اگر بتوانیم به جای «ki» یک اسم قرار دهیم، صرفیست، در غیر اینصورت ساختاریست:

Səhər+ki → səhərki qələm → ساختاری

bizim+ki → bizim kitabımız → صرفی

L(i)k

از پسوندهای پرستفاده‌ی زبان ترکی است؛

- به همراه برخی اسم‌ها آمده و عموماً اشاره به ابزاری دارد که جای نگه‌داری آن اسم باشد. (معادل «دان» در قلمدان که جای نگه‌داری قلم است.)

Kitap+luk = kitaplık

qulaq+luk = qulaqluk

duz+luk = duzluk

göz+lük = gözlük

نکته: در این حالت، علاوه بر مفهوم ابزار، گاهی برای القای مفهوم کثرت و وفور یک چیز نیز به کار می‌رود؛

saman+luk = samanlık

daş+luk = daşluk

tıkan+luk = tıkanlık

m(b)eşə+luk = m(b)eşəlik



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- به همراه برخی اسم‌ها و کلمات همجنس اسم آمده و یک مفهوم «ارتباط معنوی» می‌سازد:

Ana+luk = Analuk → mənəvi ana, ögə ana

Ata+luk = Ataluk → mənəvi ata, ögə ata

Baba+luk = Babaluk → mənəvi baba, ögə baba

uşaq+luk = uşaqluk → düşüncəli davranmayan

inasan+luk = insanluk → yaxçı olan insan

Türk+luk = Türkluk → Türk varlıklarına inanmak

- به همراه اسم‌ها و کلمات هم جنس اسم مانند شغل‌ها، سمت‌ها، نام‌های سیاسی، مذهبی، فلسفی و... آمده، انجام آن شغل و یا مقام مربوط به آن و یا وابستگی به آن را افاده می‌کند:

xan+luk = xanluk

islamçı+luk = islamçilik

Türkçü+luk = Türkçülük

doktor+luk = doktorluk

dişçi+luk = dişçilik

şah+luk = şahlık

- به همراه برخی اسامی واحد و زمان می‌آید و از آن مفهوم قید مقیاس و چگونگی می‌سازد. همچنین می‌تواند معادل «انه» مانند «ماهانه» و «ی» مانند «کیلویی» در فارسی باشد:

Ay+luk = ayluk

Gün+luk = günlük

kilo+luk = kiloluk

milyon+luk = milyonluk

نکته: همراه مقیاس‌هایی مانند کم، زیاد و... نیز مفهومی نزدیک به همین مفهوم می‌سازد، مانند کمی، زیادی و... در فارسی:

çox+luk = çoxluk

Az+luk = azlık

yox+luk = yoxluk

yaxçı+luk = yaxçılık

xub+luk = xubluk

نکته: همراه رنگ نیز مفهومی نزدیک به همین مفهوم می‌سازد:

qırmızı+luk = qırmızılık

sarı+luk = sarılık

mor+luk = morluk



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(İ)mk(İ) lınc (İ)

این پسوند همراه اعداد می آید و از آنها اعداد ترتیبی می سازد. در زبان محاوره‌ی قشقایی بیشتر از حالت (İ)mk(İ) استفاده می گردد. حالت دیگر آن نیز بیشتر در کتب قشقایی مشهود است و کاربرد آن در محاوره کمتر است:

Bir → birinci ya birimki üç → üçüncü ya üçümkü

Aq/naq/laq

از پسوندهای کم استفاده در زبان ترکیست؛ همراه اسم و یا بن فعل می آید و قیدهایی حالات، مکان و زمانی می سازد:

Yay → yaylaq (جایی که بهار و تابستان به آنجا بروند)

qış → qışlaq qum → qumlaq

duz → duzlaq (duzlu yer)

s(İ)z

قبلاً نیز اشاره شد که این پسوند عکس پسوند «li» است و در واقع از اسم، نیستی یا عدم وجود می سازد یا به نوعی حالت منفی است. برعکس پسوند «li» که موجودیت می ساخت:

Pul+suz → pul**suz** adam Başarı + **sız** → Başarısız qız

Aqıl+sız → aqıl**sız** oğulGüç + **süz** → güçsüz pahlavan

Əv+sız → əv**sız** insanlarDuz + **suz** → duzsuz yeməli

Ata+sız → ata**sız**Qırxdirək + **sız** → Qırxdirəksiz çadır



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این پسوند از پسوندهای کم استفاده است و فقط در چند کلمه محاوره‌ای به چشم می‌خورد. مفهوم تشدید و مبالغه را می‌رساند. از پسوندهایست که در گذشته بیشتر مورد استفاده بوده است. همچنین کلمات ساخته شده از آن به شکل یک واژه مستقل شناخته می‌شوند.

Türk+mən → Türkmən (Türkləring əng böyük qısmı olan, çox Türk olan, əsalətli Türk)

qara+man → qaraman (qahraman halında Farsça və yeni Türkçəyə girmiş)

şış+man → şışman (çox ətli, və şış olan)

qoca+man → qocaman (qoca : böyük, çox böyük olan)

danış+man → danışman

از این پسوند در واژه سازی‌های نو در زبان استانبولی نیز استفاده‌های متعددی شده است، و ما نیز برای واژه‌سازی استفاده از آن را پیشنهاد می‌دهیم:

söz +mən → sözmən

yönət+mən → yönətmən

uz+man → uzman

səç+mən → səçmən

örgət+mən → örgətmən

say+man → sayman

۲. پسوندهای فعل‌ساز از اسم (Adlardan eyləm düzəltən əklər)

این پسوند با اضافه شدن به اسم، فعل می‌سازد. در زبان ترکی این نوع پسوندها نیز استفاده‌ی زیاد دارد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

m(A)n

این پسوند همراه اسم یا صفت‌ها می‌آید و فعل دژنوشلو می‌سازد، در مورد افعال دژنوشلو قبلاً در بخش افعال توضیح داده‌ایم:

Az +al = azalmak	Çox +al = çoxalmak
Boş + al = boşalmak	Düz+əl = düzəlmək
Duru + al = durulmak	Qısa+al = qısalmaq
Doğru + al = doğrulamak	Ücə +əl = üçəlmək

l(A)

این پسوند نیز همراه اسم یا صفت‌ها می‌آید و فعل می‌سازد:

baş +la = başlamak
diş +lə = dişləmək
cilt+lə = ciltləmək

همچنین به کلمات منعکس کننده‌ی صدا نیز اضافه شده و فعل می‌سازد:

xor + la = xorlamak
çat+la = çatlamak
xır + la = xırlamak
vız +la = vızlamak

l(A)n

این پسوند همراه اسم می‌آید و فعل می‌سازد از پسوندهای پر استفاده در ترکی‌ایست که همچنین به کلمات بیگانه‌ای که وارد زبان ترکی شده نیز اضافه می‌شود:

umut +lan = umutlanmak	duygu +lan = duygulanmak
yaş+lan = yaşlanmak	baş+lan = başlanmak



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

hava+lan = havalanmak suç+lan = suçlanmak
çamur+lan = çamurlanmak pul+lan= pullanmak
benzin+lən = bənzinlənmək

I(A)ş

این پسوند همراه اسم یا صفت‌ها می‌آید و افعال دؤنوشلو و ایشتش می‌سازد:

iyi +ləş = iyiləşmək ağır+laş= ağırlaşmaq
yaxın +laş= yaxınlaşmaq uzaq +laş= uzaqlaşmaq
gözəl+ləş = gözəlləşmək
Fars +laş = Farslaşmaq

(A)r

این پسوند معمولاً همراه اسم رنگ‌ها آمده و فعل می‌سازد که این افعال از نوع دؤنوشلو هستند:

ağ+ar= ağarmak sarı +ar = sararmak
boz+ar = bozarmak qızıl+ar = qızarmak
mor+ar = morarmak qara+ar= qararmak
yaş+ar = yaşarmak baş+ar= başarmak

S(A)

این پسوند همراه اسم یا صفت‌ها می‌آید و فعل می‌سازد. جز پسوندهای رایج و پر استفاده بحساب نمی‌آید:

Qarıp + sə = qaripsəmək
Su + sa = susamak
önəm + sə = önəmsəmək



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۳. پسوندهای اسم ساز از فعل (Eyləmədən ad düzəltən əklər):

(A)

این پسوند به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد. از پسوندهای کم استفاده است:

– Küppə = küp + ə

küp به معنی توده و جمع و Küppə به معنی چیزی که جایی جمع شده است یا توده‌ای از چیزی.

– Çəppə = Çəp + ə

Çəpələmək فعل به معنی فشردن و پرس کردن و Çəppə به معنی چیزی که فشرده شده است یا مجازاً به معنی یک مشت از چیزی.

– Küfə = küf + ə

küf به معنی چیزی را با سرعت بیرون دادن و Küfə به معنی سرفه.
موارد دیگر:

Yarmak → yar + a = yara

doğmak → doğ + a = doğa

(A)c(A)k

این پسوند به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد. از پسوندهای کم استفاده است:

İçmək → iç + əcək = içəcəkmək → al + acək = alacak

gəlmək → gəl + əcək = gələcək Yemək → ye + əcək = yiyəcək



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

g(A)n

این پسوند به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد. از پسوندهای کم استفاده است:

ağlamak → ağla+ gan = ağlayan

osurmak → osur+ gan = osurgan

alınmak/almak → alın+ = alingan

saldırmak → saldır+ gan = saldırgan

نکته: قشقای‌ها در تلفظ «گ» را بصورت «غ» تلفظ می‌کنند.

نکته: شکل «(A)g(A)n» نیز وجود دارد:

Gəzmək → gəz+ əgən = gəzəgən

yatmak → yat+ agan = yatagan

(A)n

این پسوند از افعال، کلماتی از جنس اسم می‌سازد. از پسوندهای پر استفاده در زبان ترکیست. کلمات ساخته شده با این پسوند یا نقش اسمی دارند یا نقش صفت و یا هردو:

baxmak → bax+ an = baxan*

düzmək → düz+ ən = düzən*

doymak → doy+ an = doyan

açmak → aç+ an = açan

bilmək → bil+ ən = bilən*

yaradmaq → yarad+ an = yaradan*

gəlmək → gəl+ ən = gələn



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نکته: اسامی که با علامت * مشخص شده‌اند می‌توانند هر دو نقش اسم و صفت را بازی کنند:

O kitaba **baxan** adam Bayramdır.

Bayram bu oxulung **baxam**dır.

در جمله‌ی آخر « **baxan** » به معنی رئیس است، اما در جمله اول نقش صفت دارد.

(A)q

-Qaşıq = qaş + ıq

qaş فعلی به معنای حدودی «کندن، برداشتن، زدودن، حذف کردن، خارانیدن» و Qaşıq به معنی وسیله‌ای که با آن غذا را بردارند. شکل فارسی شده‌ی آن قاشق است. به شکل Qaşığ هم تلفظ می‌شود.

(A)n(A)q/(A)n(A)k

این پسوند به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد. از پسوندهای کم‌استفاده است و صرفاً برای شناخت ریشه‌ی کلمات در این کتاب آورده می‌شود:

gəlmək → gəl+ ənək =gələmək

taxmək → tax+anaq =taxanaq

səçmək → səç+ ənək =səçənək

yetmək → yet+ ənək =yetənək

g(A)

این پسوند نیز به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد. از پسوندهای کم‌استفاده است و صرفاً برای شناخت ریشه‌ی کلمات در این کتاب آورده می‌شود:

Bilmək → bil+ gə =bilgə

Bölmək → böl+gə =bölgə

Süpürmək → süpür+ gə=süpürgə



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

g(İ)/k(İ)

این پسوند از افعال، کلماتی از جنس اسم می‌سازد. از پسوندهای پرستفاده در زبان ترکیست:

çalmak → çal+ gı = çalgı
saymak → say+gı = saygı
görmək → gör+ gü= görgü
yazmak → yaz+gı = yazgı
silmək → sil+gi = silgi
basmak → bas+ gı= basgı (baskı)
çizmək → çiz+gi = çizgi
olmak → ol+gu = olgu

g(İ)n/k(İ)n

این پسوند از افعال، کلماتی از جنس اسم می‌سازد که بیشتر در نقش صفت کاربرد دارند.

Bilmək → bil+ gin = bilgin
Susmak → sus+gun = susgun
Coşmak → coş+ gun= coşgun
Sürmək → sür+gün = sürgün
Yanmak → yan+gın = yangın
Düz → düz+gün = düzgün
Gərmək → gər+gin = gərgin



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

1(İ)

این پسوند از افعال کلماتی از جنس اسم می‌سازد. از پسوندهای پرستفاده در ترکیست.

açmak→aç+ 1= aç1

başarmak→ başar+1 = başarı

batmak→ bat+1 = batı

doğmak→ doğ+u = doğu

gəzmək→ gəz+i =gəzi

yazmak→ yaz+ 1= yazı

çatmak→ çat+1 = çatı

surmak→sor+ u= soru

ölmək→ öl+ü = ölü

ölçmək→ ölç+ü = ölçü

(İ)c(İ)

این پسوند از افعال کلماتی از جنس اسم می‌سازد. به طور معمول این کلمات بیانگر شغل و یا نوعی ویژگی هستند. از پسوندهای پرستفاده در ترکیست.

axmak→ax+ıc1= axıc1

almak→ al+ıc1 = alıc1

satmak→ sat+ıc1 = satıc1

boğmak→ boğ+ucu = boğucu

güldürmək→ güldür+ücü =güldürücü

örgənmək→örgən+ ıci= örgənci

sürmək→ sür+sücü = sürücü

dilənmək→dilən+ıci= dilənci

əzmək→ əz+ıci = əzici

bilmək→ bil+ıci = bilici



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

m(A)k

این پسوند به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد:

Çaxmaq

Qaymaq

m(A)k

این پسوند به بن فعل (همه‌ی افعال) اضافه شده و مصدر می‌سازد.

Sevmək, gəlmək, bilmək, almak, bulmak,

m(A)

این پسوند نیز به مانند پسوند قبل به بن فعل اضافه شده و اسم می‌سازد.

-Sürmə = sür +mə

sür به معنی مالیدن و Sürmə به معنی مالیدنی و مجازاً به معنی دارویی که زنان به چشم مالند.

-Sürtmə = sürüt +mə

Sürüt به معنی به روی زمین کشیدن و Sürtmə به معنی چیزی که از پشت به دنبال خود کشیده شود. حرف «ü» به مرور از لحجه‌ها حذف شده است.

-Basma = Bas +ma

bas به معنی به فشار دادن و Basma به معنی چیزی که به آن فشار وارد شده است. مجازاً به معنی نان‌هایی که از فشار دادن خمیر روی ساج نان‌پزی بدست آید.

-Pamma = pam +ma

pam به معنی نرم شدن/ کردن و pamma به معنی چیزی که نرم باشد. مجازاً به معنی گیاهی با پرزهای نرم. در فارسی همین کلمه به پمبه تبدیل شده است.

موارد دیگر:

Asma - dolma - dondurma - yazma - yoklama - besləmə - qavurma -
tamlama - çəkmə



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

m(A)c(A)

این پسوند از افعال، کلماتی از جنس اسم می‌سازد. از پسوندهای کم‌استفاده در ترکیب است.

Bilmək → bil+məcə = bilməcə

Çəkmək → çək+məcə = çəkməcə

Bulmak → bul+maca = bulmaca

Tapmak → tap+maca = tapmaca

نکته: پسوندی به شکل « maç » نیز در ترکیب کاربرد دارد. البته در ترکیب قشقای کمتر دیده می‌شود:

bulamak → bula+maç = bulamaç

m(A)z

این پسوند از افعال، کلماتی از جنس اسم می‌سازد. از پسوندهای کم‌استفاده در ترکیب است.

Bilinmek → bilinməz bulmaca

Çıxmak → çıxmaz yol

Yetişilmək → yetişilməz eşq

(İ)nt(İ) / t(İ)

از پسوندهای کم‌استفاده در ترکیب است:

Bulmak → buluntu

çalmak → çalıntı

qazmak → qazıntı

çıxmak → çıxıntı

söyləmək → söylənti



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

qaşınmak → qaşıntı
görünmæk → görüntü
qürülamak → qürültü
söylämæk → söylänti
çixmak → çixıntı

(A)r

پسوندها «(A)r» بعد از اسم، فعل یا صفت می‌آید و کلمه‌ی جدید می‌سازد. به طور کلی این پسوند به معنی کننده یا سبب شونده است. مثلاً «دیو+آر» که «دیو/دیب» در ترکی به معنی کناره، مرز و سرحد و دامنه است. لذا دیوار یعنی چیزی که مرز و سرحد را مشخص کند (سبب شونده‌ی مرز و سرحد). البته بعضی از این کلمات در گویش مردمان قشقایی کمرنگ شده است.

– Axar = ax + ar

ax به معنی جریان دادن، روان کردن و axar به معنی چیزی که سبب جریان شود.

– Yanar = yan + ar

«yan» به معنی سوختن و سوزاندن و yanar به معنی چیزی که می‌سوزد یا می‌سوزاند.

– Yaşar = yaş + ar

«Yaş» در مقام فعل به معنی زندگی و در مقام اسم به معنی سن و در مقام صفت به معنی تر و خیس است. لذا یاشار را می‌توان با معانی سبب زندگی و عمر زیاد یا سبب سرزندگی دانست. یاشار اسمی مردانه در زبان ترکیست.

– Açar = aç + ar

وسيله‌ای برای باز کردن پیچ. (در ترکی استانبولی به معنی کلید است)

– Xumar = xu + ar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

xu, uxu یا uyxu به معنی خواب است و لذا Xumar به معنی کسی که خواب آلود است. (بین دو حرف صدادر طبق تبدیلات زبان ترکی یک حرف بی صدا قرار می گیرد. به این دلیل بین «xu» و «ar» حرف «m» آمده است).

- Sunar = su + ar

su به معنی آب و sunar مجازاً به معنی حیات دهنده. Sunar اسمی دخترانه در زبان ترکیست. (به مانند Xumar بین دو حرف صدادر طبق تبدیلات زبانی ترکی یک حرف بی صدا قرار می گیرد. به این دلیل بین «su» و «ar» حرف «n» آمده است).

(İ)ş

این پسوند با اضافه شدن به بن فعل از آن فعل، اسم می سازد.

Açış – anlayış – baxış – çıxış – qurtuluş – uyanış – tanış

(İ)m

این پسوند با اضافه شدن به بن برخی افعال یا بن پسونددار فعل، از آن فعل، اسم می سازد.
این اسم ها از اسم های شناخته شده ی پرکار است:

Anglatım – dənətim – baxım – ayırım – bölüm – çözüm – doğum – yaşam – toplam – anlam – saçım – dürüm – uçurum – ölüm – itim – durum

(İ)q

این پسوند با اضافه شدن به بن ساده یا پسونددار فعل، از آن فعل، اسم می سازد:

artmak → artıq (artmış)alışmak → alışiq (alışmış)

açmak → açiq (açılmış)bölmək → bölük (bölünmüş)

ilmək → ilik (ilişmiş)qatmak → qatıq (qatılmış)

durmak → duraquçmak → uçaq



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

yatmak → yataqtapınmak → tapınaq
sökmək → sökük (sökülmüş)
qırpmak (qırpmak) → qırpıq, kırpık (qırpış)
qonmak → qonuq ya qonaq (qonmuş, qonulmuş)

(A)I

-Yaşıl = yaş+ ıl

به معنی سبز و مجازاً به گیاهان سرسبز و زنده نیز گفته می شود.

-Küppül= küp+ ül

küp به معنی توده و جمع و Küppül مجازاً به افراد چاق و کودکان اطلاق می شود. حرف «پ» به این دلیل دو بار تکرار شده چون در ترکی قشقایی حرف پ در این مواقع با شدت تلفظ می شود.

-Bikil = bik+ il

bik به معنی خم کردن و پیچاندن و Bikil به معنی چیزی که خم شده یا پیچیده شده. مثلاً Kərə bikil به معنی نانی پیچیده شده است که درون آن کره باشد. یا Bikili به معنی خم شده.

doğmak → doğ + al = doğalqurmak → qur+al=qural

Çatmak → çat+al = çatal

(i)t

Gəçmək → gəçitqanmak → qanıt

ummak → umutyazmak → yazıt



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۴. پسوندهای فعل ساز از فعل (Eyləmədən eyləm düzəltən əklər)

آنچه پسوندهای این بخش می سازند، فعل هستند. بحث فعل ها را قبلاً بررسی کردیم. فقط ذکر این نکته در اینجا خالی از لطف نیست که فعل های ساده با افزوده شدن پسوندها پیشرفته شده و به افعالی مانند دؤنوشلو، اددیرگن و ... تبدیل می شوند که این پسوندها را سابقاً دیده ایم. فقط دو پسوند جدید را در این بخش بررسی می کنیم و بقیه را فقط به ذکر سرتیتر بسنده می کنیم.

(A)ql(A) / (A)xl(A) / (A)kl(A)

این پسوند از افعال، افعال جدیدی می سازد. از پسوندهای کم استفاده در ترکیب است. saymak → sayıxlamak qazmak → qazıx(q)lamak
بعد از اینکه پسوند به فعل اضافه شد، آنچه با آن مواجهیم یک فعل است که می توانیم آن را در زمان ها و شخصیت های مختلف صرف کنیم، مثلاً «sayıxla» را به عنوان یک فعل واحد در زمان گذشته ی روایی سوم شخص مفرد بصورت «sayıxla+di» است. یک مورد دیگر را خود صرف کنید.

(A)l(A)

این پسوند نیز از افعال، افعال جدیدی می سازد. از پسوندهای کم استفاده در ترکیب است.

Eşmək → eşləmək silkmək → silkələmək

ovmak → ovalamak itmək → itələmək *

نکته: شکل اول آن در ترکی استانبولی و شکل دوم در ترکی قشقایی به معنی «هل دادن» استفاده می گردد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پسوندهای زیر را در بخش افعال بررسی کرده‌ایم.

(i)l	افعال را ادیگن می‌کند.	Açılmak, Baxılmak, Dizilmək, Görülmək, Yazılmak
	افعال را دؤنوشلو می‌کند.	Boğulmak, Üzülmək
	افعال را ادیگن و یا دؤنوشلو می‌کند. تشخیص آن به توجه به کاربرد آن در جمله است.	Bozulmak, Çekilmək, Boğulmak, Qırılmak, Yığılmak, Tükülmək
(i)n	افعال را ادیگن می‌کند.	Çalınmak, Oynanmak, Oxşanmak, Denənmək
	افعال را دؤنوشلو می‌کند.	Sevinmək, Giyinmək, Bəzənmək, Soyunmək
	افعال را ادیگن و یا دؤنوشلو می‌کند. تشخیص آن به توجه به کاربرد آن در جمله است.	Alınmak, bölünmək, bulunmak, silindi
(A)r (i)r	افعال را اددیگن می‌کند.	Çıxarmak, doğurmak, içirmək, aşırmaq
d(i)r	افعال را اددیگن می‌کند.	Bastırmaq, diktirmək, doyurmaq, indirmək, bildirmək
(i)ş	افعال را ایشتش می‌کند.	Baxışmaq, uçuşmaq, çarpışmaq, tanışmaq
	افعال را دؤنوشلو می‌کند.	Qalxışmaq, sıxışmaq, titrəşmək



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



فصل ششم: نحو



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



نحو به دانش ترکیب کلمات و ساخت جملات اشاره دارد، حال آنکه صرف، به نحوی ساخت کلمات می‌پردازد. آنچه تاکنون مطالعه کردیم، صرف بود، جز بخش شبه‌فعل‌ها و البته نکاتی که پراکنده از شیوه‌ی ساخت جملات گفته شد. در ترکی به صرف چکیم (çəkim) و به نحو سۆز دیزی می (söz dizimi) گفته می‌شود.

در این بخش، سعی می‌شود نحوی صحیح ترکیب کلمات و ساخت جملات از دیدگاه زبان‌شناسی بیان شود. شعرا و نویسندگان گاهاً برای افزایش ضریب تأثیر جمله، یا به دلایل زیباشناسی ممکن است این قوانین را به چالش بکشند، که البته این چالش، خود نوعی هنر است. با این حال سعی ما بر این است که تمامی موارد را تا آنجا که مقدور است محضر شما تقدیم بداریم.

«انواع بیان»، «جمله و اعضای آن» و «ترتیب اعضای جمله» از مواردیست که می‌بایست در بحث نحو، بررسی شوند. در ادامه هر یک را بررسی خواهیم کرد.

انواع بیان

طرز بیان یک جمله یا احساسیست یا منطقی. مراد از بیان احساسی، مزین کردن جمله به کلماتیست که بتواند حامل بار احساسی گوینده یا نویسنده باشد. چند مورد زیر از بیان احساسیست:

Ah!oh! çox xoş! Çox qorxtum! Acımdan ölürüm



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جمله و اعضای آن

جمله در ترکی بطور کلی از دو بخش «اؤزنه»(نهاد) و «یوکلم» (گزاره) تشکیل می‌شود. جمله گاهی می‌تواند از یک بخش نهاد یا گزاره تشکیل شود. مثلاً خطاب قرار دادن یک فرد با یک کلمه: «رحیم!» یا جملات دستوری مانند: «باخ!» یا جمله‌ی خبری: «گلدیلر.» که فاعل آن مخفیست، همگی جملات کامل و تک‌کلمه‌ای هستند. جمله‌ی زیر یک جمله با اؤزنه و یوکلم است:

- Aynaz gəldi.
- Sara ağlamıştı.

یوکلم:

یوکلم(گزاره) در ترکی، عملی که از طرف اؤزنه(نهاد) انجام می‌شود، را با بیان شخصیت و زمان منعکس می‌کند. یوکلم می‌تواند یک کلمه یا چند کلمه باشد. در ترکی یوکلم بر دو نوع است:

ایلیم یوکلمی (گزاره فعلی)	Şəhərdari əvi yıxtı
آد یوکلمی (گزاره اسمی)	Suya siçən qurbağaymış

در گزاره‌ی فعلی، هسته‌ی فعل هر زمان فعل است. و در گزاره‌ی اسمی هسته‌ی گزاره، اسم است که به کمک «افعال‌الحاقی» به فعل تبدیل می‌شود. مثال‌های بیشتر از این دست را ببینید:

- Dünən gecəki film çox qəşəngidi.
- Nəçin bugün buqadar dağınmg?

ترکیب معمول جملات در ترکی بدین صورت است که ابتدا اؤزنه و سپس یوکلم قرار می‌گیرد. اما برای تغییر تاکید در جمله می‌توان جای آنها را دستخوش تغییرات داد:

- Hüseyin su içti.
- Su içti Hüseyin.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چند بخشی بودن یوکلیم:

کلمات توضیح دهنده و کامل کننده ی یوکلیم، معمولاً قبل از یوکلیم اصلی می آید. شامل کلمات همجنس اسم، اسم و کلماتی از جنس فعل است.

در جمله ی Babək dünəng uçaqınan Təbrizdən gəldi به جز کلمه Babək سایر اجزاء یوکلیم بحساب می آیند. به مثال دیگر توجه کنید:

Ata	oğluna bir bağ bağışlamış,	oğul	ataya bir xoşa üzüm qıyamamış.
Öznə	یوکلیم چند بخشی	Öznə	یوکلیم چند بخشی

اؤزنه هم مانند یوکلیم می تواند چندبخشی باشد.

اؤزنه و یوکلیم های چندبخشی را می توان به صورت جداگانه تشریح کرد:

اجزاء برابر (eşit ögələr): بعضاً در برخی جملات از یک جزء، چند نمونه پیدا می شوند. در چنین مواقعی اجزایی که دارای ارزش برابری هستند یک مورد شمرده می شوند:

Eşit öznə:

Yazda **quşlar, çiçəklər, ağaclar, gün, ay və ulduzlar** insana çox gözəl bir hes verir.

Eşit nəsnə:

kitabları qələmləri, dəftərləri varısını bir çəmədana yerləştirdim.

Eşit tümlec:

Biz yazda, qışta, yayda, fayızda, cahalıkta ve qocalıkta sağlıgımıza deqqət edməliyik.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Eşit yükləm:

Adam anadan **olur**, yaşar, **əvlənir** , **uşaq** əyəsi **olur** və bir gün də bu dünyadan **gedər**.

اۆزنه:

اۆزنه یا نهاد قسمتی از یک جمله است که کاری را انجام می دهد و یا به واسطه ی یوکلم یا گزاره حالت یا صفتی را به آن نسبت می دهیم.

Sara oxula geddi.

Köpək vefali bir canavardır .

Alma yararlı bir miyədir.

Daşlar dağdan aşağıya düştü .

Bilməzlik eyb dəğil, sormamak eybdir.

راه پیدا کردن اۆزنه در یک جمله نیز بدینصورت است که سؤال های «kim» و «nə/nəmənə» برای یوکلم موجود در جمله پرسیده می شود. جواب حاصله اۆزنه است.

نکته: اوزنه هرگز پسوندهای «a-ə-da-də-dan-dən» یا همان « Ad durum » **əkləri** را نمی گیرد.

اۆزنه یا همان نهاد در فارسی، دو حالت دارد:

۱- گرچک اۆزنه: (نهاد حقیقی): که خود بر دو نوع است.

i آشکار اۆزنه: اۆزنه آشکارا در جمله وجود دارد.

ii گیزلی اۆزنه (نهاد مستتر): در بعضی از جملات اۆزنه مستتر یا مخفیست. اکثر اوقات ضمیرها هستند که مستترند.

- Qasım ikki gündür heç yox. (Gerçek ve aşkar öznə)
(Kim yox? Qasım)
- Oxula gec gəldim . (Gerçek ve gizli öznə)
(Kim gec gəldi? Mən)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲- سؤزده اؤزنه: در جملات مجهول یا ادیگن که فاعل مشخص نیست، مفعول جمله گویی در شکل و جایگاه مفعول دیده می شود. از آنجا که حقیقتاً فاعل وجود ندارد به آن سؤزده اؤزنه گفته می شود.

Qapı açıldı → nə açıldı ? Qapı

چند بخشی بودن اؤزنه:

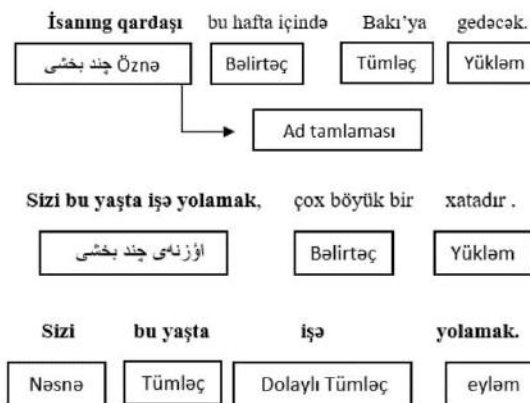
اؤزنه نیز مانند یوکلم، به تنهایی می توانند مشمول چندین کلمه باشد. کلمات توضیح دهنده و کامل کننده اؤزنه، معمولاً قبل از اؤزنه ی اصلی می آیند، و حتی گاهی می تواند یک جمله ی کامل نیز باشد:

Taşkent'ten gələn uçaq, on dəqiqə bundan iləri qondu.

تجزیه ی اؤزنه در جمله ی بالا:

<u>Taşkent'ten</u>	<u>gələn</u>	<u>uçaq</u>
Dolaylı Tümləç	Oratç	Öznə

واضح است که اؤزنه اصلی در مثال فوق کلمه ی uçaq است و دیگر کلمات تکمیل کننده ی این اؤزنه هستند. چند مثال دیگر:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همان‌طور که گفته شد، اصلی‌ترین جزء یک جمله اوزنه و یوکلم است. اما گاهی نیاز داریم جملات پیچیده‌تر بسازیم که فقط شامل اوزنه و یوکلم نیست. جمله‌های ترکی با اجزاء دیگری که به عنوان توملج می‌شناسیم، می‌توانند مفعول، قید و... بگیرند. توملج‌ها خود متشکل از سه جزء هستند: نسنه (مفعول)، دولایلی توملج و قید توملج.

□ نسنه (مفعول)

نسنه یا همان مفعول در فارسی، جزئی از جمله است که مستقیماً تحت تأثیر عمل فاعل قرار می‌گیرد. به جمله‌ی «Elham çiçekləri səvir» (الهام گل‌ها را دوست دارد) دقت کنید. اگر نسنه را حذف کنیم: «Elham səvir» مفهوم جمله ناقص می‌ماند چرا که مشخص نیست الهام چه چیزی را دوست دارد.

اسم‌ها، کلمات همجنس اسم، افعال، حرف‌ها و جملات همگی می‌توانند در نقش نسنه به کار گرفته شوند. در زبان ترکی نسنه بر دو نوع است:

۱- نسنه‌ی مستقیم و مشخص (bəlirtili nəsnə): نسنه‌ی مستقیم و مشخص یکی از پسوندهای مشخص‌کننده‌ی وضعیت (i-i-u-ü) را می‌گیرد:

Çiçəkləri qoparmayıng.

Uzağtaki adamı görürüm .

Otobüsü gözleyirik.

Göydəki buludu gördüm

۲- نسنه‌ی غیرمستقیم و نا مشخص (bəlirtisiz nəsnə): در این مورد پسوند مشخص‌کننده وضعیت را ندارد و نسنه‌ی عام است .

Ayhan kitab oxur. (bəlirtisiz)

Ayhan kitabı oxur. (bəlirtili)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

□ دولایلی توملج

اسامی که با حروف اضافی « (A) ، $-d(A)$ ، $-d(A)n$ » آیند و عملی که بواسطه‌ی یوکلم (گزاره) انجام می‌شود را از منظر مکانی مشخص کنند. مثلاً در جمله‌ی «**Sudan balıg** **!tutur**» کلمه‌ی «**Su**» یک دولایلی توملج است. برای پیدا کردن دولایلی توملج باید این سؤالات را پرسید: $haraya$, $harda$, $hardan$, $kimə$, $kimdə$, $kimdən$:

Qızımızı **evə** apar. (Haraya apar?)

Oxuldan gəliyorum. (Hardan geliyorum?)

Burda qal! (Harda qalım?)

□ قید توملجی

جزئی از جمله است که کیفیت کار انجام گرفته در یوکلم را دستخوش تغییرات قرار می‌دهد، یا بنوعی کیفیت کار شامل سرعت، جهت، مقدارحالت، وضعیت و... را مشخص می‌کند. با پرسیدن سؤالاتی از قبیل $nə zaman$, $haçan$, $nəçür$, $naqadar$, $haraya$, $hanısı$ یوکلم، می‌توان آن را مشخص کرد:

Babamgili **sabah** yola çıxacaklarmış. (زمان انجام فعل را مشخص می‌کند.)

Uşaq qorxudan titirəyirdi. (علت انجام فعل را مشخص می‌کند.)

Yatmadan geri **biraz** kitab oxudum. (شدت و مقدار انجام فعل را مشخص می‌کند.)

□ ترتیب اعضای جمله (cümlə üzvlərinin dizilişi)

در یک جمله معمولی اؤزنه یا نهاد در ابتدای جمله و یوکلم یا گزاره در پایان جمله قرار می‌گیرد. اما همانطور که قبلاً نیز گفته شد، افراد ممکن است برای تغییر اثربخشی جمله و یا دلایل زیباشناسی این ترتیب را بهم بریزند، که این درهم‌ریختگی سازمان جمله، خود دال بر هنر استفاده از کلمات است که بر عهده‌ی نویسنده، شاعر، ادیب و سخنور است. ترکی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هنر است. یک نویسنده و یا شاعر و یا متکلم به این زبان، می تواند از میان انبوه قوانین، خلاقیت بخرج داده و جملات زیبایی ادا کند. در این بخش آنچه وظیفه‌ی ما ایجاب می کند، شناساندن قوانین و اجزاء جمله در ترکی و ترکی قشقایست. پس در ادامه‌ی بحث، ترتیبات رایج یک جمله در زبان ترکی را بررسی خواهیم کرد.

دانستیم که مهمترین جزء یک جمله یوکلم یا گزاره است. دیگر اجزاء جمله نسبت به درجه‌ی اهمیتش می تواند در کنار یوکلم قرار گیرد. در این مورد به مثال زیر توجه کنید. در هر جمله قسمتی که مهمتر است مشخص گردیده و نزدیکی آن به *Yükləm* دیده می شود:

Babək dünəng uçaqınan Təbrizdən gəldi . → hardan gəldi? Təbrizdən

Babək dünəng Təbrizdən uçaqınan gəldi. → nə inən gəldi? uçaqınan

Babək Təbrizdən uçaqınan dünəng gəldi. → haçan gəldi ? dünəng

Dünəng uçaqınan Təbrizdən Babək gəldi . → kim gəldi ? Babək

Babək	dünəng	uçaqına	Təbrizdən	gəldi.
Öznə	Bəlırtəç	İlgəç	Tümləç	Yükləm

همان طور که در مثال‌ها بالا دیده می شود ، اعضای که قصد بیان اهمیت بیشتری را دارند در کنار یوکلم قرار می گیرند. در یک شکل کلی تشریح اعضای جمله‌ی نخست بالا را ببینیم که در جمله‌های با قاعده، اوزنه در ابتدای جمله و یوکلم در پایان جمله قرار می گیرد، و سایر اجزاء بنا به میزان اهمیت می توانند تغییر مکان دهند. البته همانطور که گفته شد یوکلم نیز در جملات محاوره و یا جملاتی با استفاده‌ی خاص، می تواند تغییر مکان دهد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انواع جمله (cümle türleri)

در زبان ترکی جملات را با توجه به ساختار، مفهوم، مفعولات و ترتیب اعضای جمله می‌توان در چهار دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

۱- تقسیم‌بندی با توجه به مفهوم جمله (anlamına göre cümlələr):

- جملات خبری (bildirmə cümlələri)

- جملات مطالبه (istək cümlələri)

- جملات امری (əmr cümlələri)

- جملات سوالی (soru cümlələri)

- جملات شرطی (şart cümlələri)

- جملات تعجب و هیجان (ünləm cümlələri)

- جملات مثبت (olumlu cümlələr)

- جملات منفی (olumsuz cümlələr)

۲- تقسیم‌بندی با توجه به ساختار جمله‌ها (quruluşuna görə cümlələr):

- جملات ساده (yalın cümlələr)

- جملات مرکب (birləşik cümlələr)

- جملات ترتیبی (sıralı cümlələr)

• جملات ترتیبی مستقل (bağımsız sıralı cümlələr)

• جملات ترتیبی وابسته (bağımlı sıralı cümlələr)

۳- تقسیم‌بندی با توجه به یوکلم:

- جملات اسمی (Ad cümlələri)

- جملاتی فعلی (Eyləm cümlələri)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۴- تقسیم‌بندی با توجه به ترتیب اجزای جمله:

- جملات منطقی و با قاعده (Qurallı cümlələr)

- جملاتی بی قاعده (Quralsız ya dövrik cümlələr)

در ادامه، هرکدام از موارد فوق با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تقسیم‌بندی با توجه به مفهوم جمله (anlamına görə cümlələr)

۱- جملات خبری (bildirmə cümlələri): جمله‌ای است که خبری را می‌رساند.

برخی از ویژگی‌های جملات خبری:

- در جملات خبری، بیشتر از افعال با زمان‌های گذشته‌ی روایی و حکایی، زمان حال، زمان آینده، زمان گسترده استفاده می‌گردد:

Düneng gecə yarıyañças yağış yağdı.
Quşlar Ağçəmdəki bütün buğdaları yemiş.
Uşaqlarımız bizdən daha yağçı günlər yaşayacaq.
Doğa inan uyumlu olmak insana sağlıq verir.

- در جملات خبری افعال پسوندی (اک ایلم‌لر) نیز استفاده می‌گردد:

Səning yanında çox **mutluyum**.
İnsanlar, düşünən **varlıqlardır**.
Örgətmənlər, adamı yetişirən **adamlardır**.

- در جملات خبری زمانی که افعال پسوندی منفی مد نظر باشد از **deyil** استفاده می‌کنیم:

Bu dövranda pulsuz yaşamaq qolay **deyil**.

- با افعال کمکی **var** و **yoX** جملات خبری ساخته می‌شود:

Hər gözəling bir xuyu **var**.

Açgözlülüğüng sonu **yoxtur**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲- جملات مطالبه (istək cümlələri): جمله می تواند حاوی مفاهیم درخواست، بایدیت، آرزو و امر باشد، اما توجه کنیم که همه ی عناصر بالا را از مفهوم جمله استنتاج می کنیم. یعنی گوینده یا نویسنده به نوعی آن را توصیه می کند و انجام آن کار خواسته شده، نوعی خواست قلبی اوست.

Vətən gəl bilə (birliktə) **gedəlim (gedək)** (qaşqayı şiiri) → istək

Bu işi tezdən həl **edməliyik** → gerəklilik

Bu gecə bizə **gəlırsə** onunğ`nan danışaram. → dilək

Dərsləringi yaxçı **oxu**, yaxçı bir insan **ol** ve kimsəyə yaman edmə. → əmr

۳- جملات امری (əmr cümlələri): جمله ای است برای بیان فرمان و یا قانون.

Buraya gəl!

Qapıyı aç!

Qapıyı açma!

۴- جملات سوالی (soru cümlələri): با کلماتی چون

(hara, hardan, kim, ne, neçin, nəcür) جملات را سوالی می کنیم. در ترکی قشقای

برای سوالی کردن از نوع «بله/خیر» یا همان «yes/no questions» در انگلیسی، گرامر

خاصی وجود ندارد. اما در لهجه ی ازبکی و استانبولی از «m(İ)» استفاده می شود.

Hardan alding?

برخی از جملات گرچه ظاهری سوالی دارند، اما باطنشان سوالی نیست و گوینده و

مخاطب هر دو جواب را می دانند، فقط گوینده برای تأکید جمله را سوالی ادا می کند:

Hanı o cahal igitlər?

Kim bilir mən nələr çəktim?

۵- جملات شرطی (şərt cümlələri): جمله ای است که برای بیان شرط به کار گرفته می شود و

گزاره ی (فعل) آن دارای پسوند s(A) است. افعال شرطی را در بخش افعال بررسی کرده ایم:

Baxsang bağ olur, baxmasanag dağ olur (Atasözü).

Belə qaçsag, tez yorul dang.

Nə əksəng, onu biçərəng (Atasözü)

Hər kəs yalnız özünü düşünsə heç kəsdə yolduaş qalmaz.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۶- جملات تعجب و هیجان (iünlöm cümläləri) : جمله ای است برای بیان هیجانات. آخر اینگونه جمله به علامت تعجب مختوم است.

Yaşasın! Bu oyunu da Tiraxtör qazandı!
Bugün hava naqadar gözəldir!
Ana! Burda böyük bir ilan var!

۷- جملات مثبت (olumlu cümlälär)

Ağ malı qoymuşlar qəraə gün için. (Atasözü)
Şansım olsaydı adımlı qoyarlardı şansəli (deyim)
Düşmənlerimiz, daha güclü olmya təşviq edən eng böyük yoldaşlarımızdır.
Gər gəçining hesabı ağıl dämində çəkilir.(Atasözü)
Mənım yaram ağırır səning harang ağırır. (Atasözü)
Genə oxula dərslərini oxumadan gedmiş.
Bir gün o da məni anlayacak.

۸- جملات منفی (olumsuz cümlälär)

Bu məntəqədə (bölgedə) tək dana əv yox.
Gəçən zaman geri gəlməz.
Daha dönməz sərçəşmədən çixan su. (Mezun şiiri)
Bilgi, bilim və axlaqing olmadıyı yerdə, demokrasi olmaz.
Bizim əşəktə asla quyrıq yoxudu.(deyim)
No kəsədən qərz edmə, qərz eding xərc edmə .(Atasözü)
Düşməningi küçük görmə .
Güvənmədiging adama sırıngı demə.

نکته: تمامی شش نوع جمله در تقسیم بندی مفهوم که در بالا آورده شد، هر کدام به تنهایی می توانند مثبت یا منفی هم باشند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تقسیم بندی با توجه به ساختار جمله ها (quruluşuna görə cümlələr):

۱- جملات ساده (yalın cümlələr): جمله‌ای است که تنها یک فعل داشته باشد. این جملات

با توجه به مفهوم می‌توانند هر یک از موارد, ünləm, istək, əmr, soru ,Bildirmə, olumlu , olumsuz, باشد:

Yaşasın ! bizim qartal Tiraxtörümüz.(ünləm)

Bu gecə kəsin bənə telefon ed .(əmr)

Bir daşınan ikki quş vurulmaz. (bildirmə) – (Atasözü)

Vətən məni tək qoyma .(istək)

Səndə toya gəlirəng?(soru)

جملات ساده می‌توانند یک کلمه یا یک جمله‌ی طویل باشند.

Yazırım.

İki ildən bəri bir roman yazırım.

İki ildən bəri Qaşqayı tarixi qonusunda, ortalma beş yüz sayfalık uzun bir roman yazırım.

۲- جملات مرکب (birləşik cümlələr): جمله‌ای است که بیش از یک فعل داشته باشد.

اعضای یک جمله‌ی مرکب در زبان ترکی به صورت زیر است:

- فعل صرفی (çəkimli eyləm)

- جمله‌ی هسته (təməl cümlə)

- جملات وابسته و مکمل جمله‌ی هسته (cümləyi tamamlayan yan cümlələr)

جمله‌ی مرکب از یک جمله‌ی هسته (təməl cümlə) و یک یا چند جمله‌ی وابسته (yan cümlə) تشکیل شده است.

Sanaz səndəlidən qalxdı. } Sanaz səndəlidən qalxıp pəncərəyi açtı.
Sanaz pəncərəyi açtı.

همانطور که می‌بینیم در جمله‌ی فوق دو فعل و یا دو بیان موجود است که می‌توانستیم هر کدام را به صورت یک جمله بیان کنیم، اما با استفاده از امکانات زبان توانستیم یک جمله‌ی مرکب تشکیل دهیم. زبان ترکی از این حیث دارای قدرت فراوانی است:

Bildiklərimi anlatmaya çalışırım.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در جمله‌ی فوق سه جمله که هریک می‌توانست به صورت یک جمله‌ی کوتاه بیاید، در قالب یک جمله آمده است. اینگونه نیست که استفاده از جملات ترکیبی، همیشه به زیباتر شدن جملات کمک می‌کند. گاهی بیان جملات کوتاه گیرایی بیشتری دارد. در بخش نگارش به این موضوعات اشاره خواهد شد. در ادامه با ذکر چند مثال دیگر به تشریح مفاهیم اعضای جمله‌ی خواهیم پرداخت:

Sən dünyaya gülsəng, dünyada sənə gülər.

Yan cümlə

Təməl cümlə

جمله‌ی هسته (təməl cümlə): جمله‌ای است که در یک جمله‌ی مرکب بیان اصلی را عهده‌دار است. همچنین دارای یک یا چند جزء وابسته است. به طور معمول در یک جمله‌ی مرکب فقط یک جمله‌ی هسته وجود دارد.

جمله‌ی وابسته (yan cümlə): جمله‌ای است که در یک جمله‌ی مرکب مفهوم جمله‌ی هسته را کامل می‌کند. یک جمله‌ی مرکب می‌تواند یک یا چند جمله‌ی وابسته داشته باشد.

Çox danışan az, az danışan çox bilir.

Yan

Yan

Təməl cümlə

Bal yiyən burmaq yalar.

Yan

Təməl cümlə

Çox bilən quş tələyə düşər.

Yan

Təməl cümlə

Ərim ər olsun da yerim çalı dibi olsun.

Yan

Təməl cümlə

Aql yaşta değıl, baştadır.

Təməl cümlə

Yan



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۳- جملات ترتیبی (sıralı cümlələr): جملاتی که با توجه به نزدیکی مفهوم به هم می پیوندند، را جملات ترتیبی گویند.

۳,۱- جملات ترتیبی مستقل (bağımsız sıralı cümlələr): جملات ترتیبی که می توانند اؤزنه، توملچ و یوکلم مشترکی داشته باشند.

Süleyman həm iş görür, həm də oxula gedir. اؤزنه مشترک

Qoca kişi daşa dayanaraq qovzandı, qanlı ələri'nən tütəngini çininə attı, və yavaş qurd dəligindən uzaqlaşdı. اؤزنه مشترک

Pulu mən çıxardırım , arvad ,uşaq xərcliyir. توملچ مشترک

Biz dünəng **oxulda** , oyun oynadık , dərş oxuduk ,irladık. çox yaxçı bir gün gəçirdik.

« **Biz** » اؤزنه مشترک و « **oxulda** » توملچ مشترک است.

almaz. dilənci motəbər , Alıcı verici , یوکلم مشترک

همانطور که می بینیم در جمله ی فوق یوکلم مشترک برای جلوگیری از تکرار یک کلمه استفاده شده است، که از موارد پر استفاده است:

Divarı nəm, insanı qəm yıxar.(Atasözü)

۳,۲- جملات ترتیبی وابسته (bağımlı sıralı cümlələr): جملات ترتیبی اؤزنه، یوکلم و توملچ مشترکی ندارند.

Qəfəs açılmış, quş uçmuş, səndəli dəvrilmiş, Akvaryum qırılmış bu əv də beyə nə xəbərmiş?

مفاهیم جمله و عبارت میانی (ara cümlə, ara söz):

جمله ی میانی: در جملات ساده و مرکب گاهاً برای بیان بهتر موضوع از جمله میانی استفاده می گردد و با حذف آن اساساً مفهوم از بین نمی رود.

Her kəsi desəng, **inan**, onun təkın oğlan bulaməng.

Həmedan, **haraya gedirəngiz gedim** , İraning eng güzəl şəhərdir.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عبارت میانی: در جملات ساده و مرکب گاهی برای بیان متفاوت تر موضوع، از کلمات میانی (که یک جمله نیستند) نیز استفاده می گردد، و البته با حذف آن اساساً مفهوم از بین نمی رود.
Mən də, **hər kəs tək**in, səndən işim yox(iş yoxum).
Yaşamak, **hər nə olsa**, gözəldir.

تقسیم بندی با توجه به یوکلم

۱- جملات اسمی (*Ad cümlələri*): جمله ای است که در آن مفهوم انجام دادن کار نباشد، بلکه صفتی یا حالتی را به کسی یا چیزی نسبت دهند، یا از آن سلب نمایند.

Onung anası örgətmənimiş.

Bugün çox yaxçıyım.

در بخش افعال بیاد آورید که نحوه ی ساخت افعال الحاقی (اکايلم) را فرا گرفتيم.

۲- جملات فعلی (*eyləm cümlələri*): جمله ای که در آن مفهوم انجام دادن کاری در یکی از زمان های معمول وجود داشته باشد.

Hər gərçək, bir xayalınan başlar.

Dilini saxlayan, başını da saxlar.(Atasözü)

Anamınan atam toya geddilər.

Bu işi başaabilirim.

Səni gəçən gün sinəmada görmüşüm.

Kaşki qar yağsa.

Şişeyi Süleyman qırmış.

Saat ikiden on geçir.

Qorxudan rəng verdi rəng aldı.

Qaşa baxma, gözə bax, ağızdan çıxan sözə bax.

Gündə iki kəşə dişlərimizi təmizləməliyiz.

Rəcəb əmi o sığaقتa axşamanças iş görürdü (çalışırdı).



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۱- جملات منطقی و با قاعده (Qurallı cümlələr): به جملاتی که یوکلم یا گزاره‌ی آن در پایان جمله است و معمولاً اؤزنه یا نهاد آن در ابتدای جمله است، گویند.

İsmayıl gəçən il Zəncan'a geddi.

Gün və ölümə, dik dik baxılmaz.

İşığing sürəti sanıyada üç üz ming kilometredir.

۲- جملات بی قاعده (Quralsız ya dəvrik cümlələr): به جملاتی که یوکلم آن در پایان جمله نباشد و ساختار قاعده‌مند را نداشته باشد. عموماً در زیان محاوره استفاده می‌شود.

Qonşunga **Gülmə**, başınga **gəlir**. → **Gülmə** qonşunga, **gəlir** başınga.

این شیوه بیشتر در ادبیات از جمله شعر و نثر کاربرد داشته و دارد و کاربرد آن در زبان ترکی به قرن‌ها پیش برمی‌گردد، چنانچه در بسیاری از کتب قرون گذشته زبان ترکی به وفور دیده می‌شود. همچنین این شیوه در ضرب المثل‌ها و اصطلاحات مردمی نیز کاربرد فراوان دارد:

Bəri **gəl** başımınq tacı, əvımınq təxtı.(Dədə Qorqut)

Ne **doğrasang** aşınga, o **çıxar** qaşığınq! (Atasözü)

Verdi üzünən , **vermədi** gücünən!

Dəymə gedsin! (xalk mühaverəsi)

Vil et gedsin! (xalk mühaverəsi)



فصل ہفتم: آمین مکارش



نگارش زبان ترکی قشقایی به دو رسم الخط عربی و لاتین متدوال است. با این حال، زبان ترکی به دلیل تعدد حروف صدادار، مناسب نگارش با رسم الخط عربی نیست، با این منطق ما نیز سعی کردیم مثال‌های این کتاب با نگارش لاتین باشد. با این حال بسیاری از نکاتی که در این فصل به آن اشاره خواهیم کرد، قابل اعمال هم در رسم الخط عربی و هم رسم الخط لاتین است، جز مواردی که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

در فصل نخست، باب الفبای لاتین و عربی مورد استفاده در زبان ترکی قشقایی توضیحاتی دادیم. و همچنین با آگاهی بر اینکه زبان ترکی، زبانیست که هماهنگی اصوات دارد، اما به موارد بسیار زیادی در ترکی قشقایی برمی‌خوریم که کلمات قیودت به این قانون را از دست داده‌اند. زبان اگر مکتوب نشود و افراد متکلم به آن، آن زبان را فقط در گفتار و نه نگارش استفاده کنند، زبان خلاصه شده و قوانین زبان از هم فرو می‌پاشد. منظور از نگارش، نوشتن زبان در چت‌های روزمره نیست، بلکه منظور «آموزش به زبان مادری» و نه حتی آموزش زبان مادریست. چون معتقدیم زبان اگر روزمره‌ی افراد نشود، و فقط درسی در مدارس باشد به نام «آموزش زبان مادری»، به دلیل عدم کاربرد، به مانند دروسی که از منظر دانش‌آموزان بی‌اهمیت تلقی می‌شوند، مانند درس پرورشی و امثالهم، فقط در مدرسه و در ساعت همان درس به آن توجه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌شود و بعد از اتمام ساعت درسی آن، مانند کتابش در گوشه‌ای از کیف، پنهان خواهد ماند. زبان باید روزمره‌ی افراد شود تا کاربرد پیدا کند، البته واضح است که تا زمانی که زبان ترکی اجازه‌ی حضور در ادارات، دولت، مدارس و دانشگاه‌ها نداشته باشد، بی‌کاربرد خواهد بود و این پاسخ‌یست به یاوه‌گویی‌های عده‌ای که مدعی‌اند ترکی کاربردی ندارد! نپتون کاربرد را ایجاد خواهد کرد، البته اگر اجازه دهند!

آنچه در ادامه خواهید دید اشاره به نکاتی تیتروار از آیین نگارش و ادبیات ترکی و بطبع ترکی قشقایی خواهد بود.

نکات نگارشی:

- حرف اول هر جمله در رسم‌الخط لاتین ترکی قشقایی باید با حرف بزرگ باشد.
- در رسم‌الخط لاتین، نام اسامی خاص و اشخاص هر جای جمله که باشند با حرف بزرگ آغاز می‌شوند.
- در رسم‌الخط لاتین، نام اسامی و شهرها، به همان صورت که شکل انگلیسی و اصلی آن است، باید نوشته شود.
- در تایپ کردن با رایانه و گجت‌ها، در گذاشتن کاما و نقطه، باید ابتدا کاما گذاشته شود و سپس با یک فاصله (Space) کلمه‌ی بعدی آورده شود.
- در رسم‌الخط لاتین ترکی قشقایی، در نوشتن کلماتی مانند /Sağhğimiza /sağhğimiza هر دو شکل نوشتاری معمول است. فقط تلفظ آن «گ» خفیف است.
- در رسم‌الخط لاتین ترکی قشقایی، در نوشتن کلماتی مانند doran/dovran هر دو شکل نوشتاری معمول است. فقط در تلفظ آن صدای «o» کشیده می‌شود یا به سمت «w» می‌رود. هر دو تلفظ صحیح هستند. این چنین کلماتی چون ریشه‌ی ترکی ندارند از بکاربردن حرف «w» خودداری کردیم و پیشنهاد ما نیز عدم استفاده از آن است، تنها به این دلیل که زبان را آسانتر و سلیس‌تر می‌کند. همچنین در شکل dovran نیازی به تلفظ «v» نیست و به این خاطر آورده شد تا افراد با دیدن آن، تلفظ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صحیح آن را ادا کنند.

- در رسم الخط لاتین ترکی قشقایی، در نوشتن حروف اضافه مانند da, dan, a اگر کلمه‌ی ما قبل اسم خاص باشد باید یک کاما بین دو اسم خاص و حرف اضافه در بالا گذاشته شود: Şiraz'dan

- در رسم الخط لاتین ترکی قشقایی، «da/də» اگر به معنی «همچنین» باشد جدا از کلمه‌ی قبلش نوشته می‌شود و اگر به معنی «در» و «درون» باشد، از قاعده‌ی بالا استفاده می‌کنیم:

Dilini saxlayan, başını **da** saxlar.

Cebimde pəxşə qəncəmər oynur.

- در رسم الخط لاتین ترکی قشقایی، کلمه‌ی «inən/inan» به معنی «با» هم بصورت جدا هم بصورت خلاصه نوشته می‌شود. اگر خلاصه باشد و با اسم خاص بیاید:

Şirin'nən Əmir./ Şirin inən Əmir.

- در نوشتن حرف «və» در رسم الخط لاتین قشقایی، نوشتن آن بصورت «Sarı o» «yaşıl» اشتباه بوده و بهتر است بشکل «Sarı və yaşıl» نوشته شود، هر چند در گفتار، «və» را «o» تلفظ کنیم.

نکات ادبی:

- در بخش جملات ترکیبی یاد گرفتیم که جملات کوتاه را می‌توان با استفاده از امکانات زبان ترکی، (ip/ip) خلاصه کرده و به جملاتی کوتاه‌تر تبدیل کنیم. استفاده از این قاعده خود باعث زیبایی علاوه بر کوتاهی هم می‌شود.

Arayıp, buldum, Səning təkin çiçegi... royamda ama!

با این حال، اینگونه نیست که استفاده از جملات ترکیبی، همیشه به زیباتر شدن جملات کمک می‌کند. گاهی بیان جملات کوتاه و مستقل گیرایی بیشتری دارد.

- استفاده از پسوند ip/ip در جملات امری اشتباه است. مثلاً جمله‌ی «gəlip otur.» اشتباه است و می‌نویسیم: «gəl otur.»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- در ترکی قشقایی فعلی بنام استمراری شرطی داریم که در دیگر شاخه‌های ترکی دیده نمی‌شود. از این فعل باید بدرستی استفاده کرد. مثلاً زمان فعل «gülər» در جمله‌ی زیر، استمراری شرطیست، و به این دلیل که اتفاق افتادن آن فعل وابسته به جمله‌ی قبل است (ارضا شدن شرط) از آینده‌ی شرطی استفاده کرده‌ایم.

Sən dünyaya gülsəng, dünyada sənə gülər.

نکته: فعل آینده‌ی شرطی به فعل زمان گنیش (گسترده) شبیه است. شکل گنیش فعل: gülür

- در ادبیات ترکی قشقایی، جمله‌هایی شبیه «Səndən işim yox» را بتأثیر از فارسی، بصورت «Səndən iş yoxum» نوشته می‌شود. هر دو شکل صحیح است، اما توصیه‌ی ما استفاده از شکل اصلی خود «Səndən işim yox» است.
- در بخش نحو در مورد جابجایی اجزای جمله و تغییر تأکید جمله بحث شد. بهتر است اجزای جمله را جوری بچینیم که بی‌آنکه باعث سردرگمی در دریافت معنی شود، تأکید را نیز به بهترین نحو آشکار سازد.
- در بکار بردن عبارات ضمیری، گاهی برای زیبایی ادبی، جای tamlanan و tamlayan عوض می‌شود:

- Mənim canım = Canım mənim



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دو داستان کوتاه با ترجمه‌ی ترکی قشقایی

در پایان، ترجمه‌ی دو داستان به زبان فارسی را به ترکی قشقایی آورده‌ایم. البته لازم به ذکر است که ترجمه‌ها در ترکی گاه‌با‌گاه با تغییراتی همراه بوده است.

داستان اول

«آل جینی» محمدبهمن بیگی، برگرفته از کتاب بخارای من ایل من

خانواده‌ی صفدر در پریشانی و اضطراب عجیبی به سر می‌برد. از همه‌ی اعضای خانواده پریشان‌تر، زلیخا همسر صفدر بود. او در انتظار نوزاد بود. در دامن کوهی پرت، در کنار جنگلی انبوه، دور از ماشین و راه ماشین، دور از طیب و دارو در انتظار نوزاد بود. در ماه نهم بارداری بود. بی حال و سنگین به سختی نفس می‌کشید. قلبش به تندی می‌تپید. شکمش خیلی بالا آمده بود. چشم و گوشش به زحمت می‌دید و می‌شنید.

همه در بیم و هراس بودند. زلیخا از همه بیشتر!

زلیخا از درد زایمان نمی‌ترسید. از اجنه و اشباح نمی‌ترسید. از جن و آل که با جگر زن زانو تغذیه می‌کرد نمی‌ترسید. از پنجه‌ی خونین مرگ و چنگال بی‌رحم اجل نمی‌ترسید. ترس بزرگتری داشت. ترسی سهمگین‌تر و کشنده‌تر از همه‌ی ترس‌ها!

می‌ترسید که باز به جای پسر دختر بیاورد و بار دیگر نزد سر و همسر، ننگین و شرمنده شود. پس از چهارده سال ازدواج و هفت دختر پی‌درپی، اکنون نوبت به فرزند هشتم رسیده بود. نام نخستین دخترش گلنار بود. فقط این نام را خود برگزیده بود. اسامی دختران دیگر همه اضطرابی و اجباری و همه به امید جلوگیری از تولد مولود دختر انتخاب شده بود:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دختر بس، گل بس، ماه بس، قز بس، کفایت، کافی!

خانواده صفدر و زلیخا، عضو یک تیره کوچک کوه نشین جنگلی از ایل بزرگ ممسنی بود. ایل پسر می خواست. در ایل تنها پسر بود که می توانست اجاق خانه را روشن کند. اجاق پدران دختردار را کور و خاموش می پنداشتند و به حال زار مادران دخترزا غم و غصه می خوردند.

ایل با آن همه مادر رشید، دختر را حقیر می شمرد. ایل با آن همه زن سرافراز- چنان زنانی که هنگام شکست مردان خود، از بیم اسارت به دست دشمن، گیسو به هم می بافتند و از قلعه های مرتفع خود را به زمین می انداختند- دختر را ارث نمی داد. جهیزیه و مهریه نمی داد. او را بر سر سفره مرد نمی نشاند. دختر را به مدرسه ها که تازه باز شده بودند نمی فرستاد. خواهر را با برادر برابر نمی دانست. بابت بهای دختر شیربها می گرفت. او را گویی می فروخت و گاه آن چنان گران می فروخت که دختر و همسرش را به خاک سیاه می نشاند.

در این اجتماع کوچک لر زبان کوهستانی از اطلاق کلمه ی بچه به دختر خودداری می شد. فقط پسرها بچه های خانواده بودند. بارها مهمانان و رهگذران از صفدر شمار فرزندان را پرسیده بودند و او، شرمنده و سر به زیر پاسخ داده بود: «بچه ندارم. چند کنیز دارم.»

زلیخا بارها این عبارت تلخ را از زبان شوهرش شنیده و خون دل خورده بود. زلیخا با همه ی این غم و غصه های جانکاه هنوز زن زیبایی بود. سالهای عمرش از سی نگذشته بود. خرمن گیسوانش هنوز شانه می شکست. دو چشم درشت و فتانش هنوز ضامن عشق و وفای شوهرش بود. پوست بدنش را که به سفیدی برف بود، خونی سرخ تر از آتش بلوط سیراب می کرد. زلیخا از زیباترین زن های قبیله بود.

همسرش مرد زبده ای بود. او با تبر تیز و بازوان توانایش درختان تنومند گوشه ای از جنگل را به زمین افکنده، کشتزار کوچکی فراهم ساخته بود. چند چارپای ریز و درشت داشت و با کمک زلیخا و دخترها کشت و برداشت مختصری می کرد و چرخ زندگی را می چرخاند.

دختران زلیخا مانند خودش زیبا بودند. شیربهای هنگفت در انتظارشان بود. چشم انداز آینده روشن به نظر می رسید. ولی این دلخوشی ها در برابر آن درد بزرگ مثل کاهی بود در مقابل کوه. زلیخا گرفتار درد و داغ بی پسری بود خجل و سر در گریبان بود در میان زن ها و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مادرها انگشت نما بود. چهارده سال از ازدواجش می‌گذشت و در کنار هفت دختر قد و نیم قد حتی یک پسر نداشت. درختی بود بی‌ثمر و چشمه‌ای بود خشک و بی‌آب! غمش توان فرسا، روزش بی‌خورشید و شبش بی‌ماه و ستاره بود.

زلیخا بی‌آن‌که گناهی کرده باشد گناهکار بود بی‌آن‌که محکمه‌ای صورت گیرد محکوم بود. صفدر شریک جرمش بود، ولی او پدر بود. مرد بود. گناهِش بخشودنی بود. دوش ناتوان زلیخا برای بار گناه، مناسب‌تر و سزاوارتر بود. او زن بود. مادر بود. گناهِش غیرقابل بخشایش بود. طعنه‌ها و طنزها، ملامت‌ها و شماتت‌ها همه رو به سوی او داشتند. زلیخا دندان روی جگر می‌گذاشت و این شکنجه‌ی عظیم را به دشواری تحمل می‌کرد. تمام ارکان وجودش، زیر این بار گران به لرزه افتاده بود. چاره‌ی کارش فقط پسر بود. سند برائتش فقط پسر بود. دردش را جز پسر درمان دیگری نبود.

مادران دیگر، همسایگان و خویشاوندان، همه پسر داشتند. همه چتر حمایت پسر بر سر داشتند. زلیخا تماشاگر پسران دیگران بود. دست به تفنگ می‌بردند، به شکار می‌رفتند، کشتی می‌گرفتند، فلاخن می‌انداختند، به مدرسه عشایری می‌رفتند، شعر می‌خواندند، نمایش می‌دادند و در بازی‌های دسته جمعی شرکت می‌کردند.

زلیخا با اندوه و حسرت تماشاگر بی‌قرار این صحنه‌های دلاویز و آرزوانگیز می‌شد. جنب و جوش جنین را احساس می‌کرد. صدای پای طفل را می‌شنید. دست به شکم می‌برد و در آرزوی پسر آه می‌کشید. پسری که در این بازی‌ها، خودنمایی‌ها و زورآزمایی‌ها شرکت کند. آرزو می‌کرد که او نیز به جای کنیز و زرخرید، کودکی آزاد را به دنیا بیاورد. کودکی نر و نیرومند تا مایه‌ی فخر و مباهاتش شود. کودکی که کانون سرد خانواده را گرم و فروزان سازد. به مدرسه برود، درس بخواند، جوان و پهلوان شود و پشتیبان او و دخترانش گردد.

زلیخا برای رسیدن به این آرزو راه‌های دراز پیموده بود. دعا گرفته بود. اجاق بوسیده بود. بره و کهره نذر کرده بود. به سراغ شیخ و درویش و چاوش رفته بود. برای زیارت امام زاده‌های گرمسیری، سردسیری، شهری، کوهی، فقیر و غنی، دشت‌ها و کوه‌ها را زیر پا گذاشته بود. به قدم گاه‌ها قدم نهاده بود. به درختهای نظرکرده دخیل بسته بود. چارقش را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از سر گرفته به ضریح‌ها آویخته بود.

دختران زلیخا هم شریک درد مادرشان بودند. آنان نیز با امید و اضطراب در انتظار نوزاد بودند. در آرزوی برادر لحظه شماری می‌کردند. برادر می‌خواستند تا گهواره‌اش را بجنابند، تا برایش لالایی بگویند، تا دورش بگردند، تا کاکل مویش را ببینند، تا کف پایش را ببوسند، تا منجوق مولافلی و مهره‌ی سلیمان بر کلاه و پیراهنش بدوزند!

دردها از روشنایی می‌گریزند. دردها با شبهای تاریک، انس و الفتی دیرینه دارند. دردهای زلیخا در شبی تاریک آغاز گشت. خبر زایمان در ایل پیچید. زنها دور زائو جمع شدند. یکی از پیرترین آنها که قابله‌ی قبیله بود دیرتر از دیگران رسید. با وسایل کارش و خرجین داروهایش: زنجبیل، دارچین، فلفل، اسپند، میخک، هل، آویشن، نعنا، قراقرروت، نبات، زاج، باروت، نیل، زهره‌ی کلاغ، زهره‌ی روباه، پنجه‌ی پلنگ، دهان‌گرگ، چنگال عقاب و موی یال و دم اسب...!

زلیخا بی‌حال و بی‌رمق، در چادر شبی چهارخانه، بر بسترش افتاده بود. بسترش ترکیبی بود از یک بالش سفت، یک نمد ضخیم، یک جاجیم راه راه و یک پتوی کهنه‌ی سربازی که در کنار اتاق پهن بود. اجاق روشن بود. شعله‌ی آتش و رفت و آمد زن‌ها سایه‌ی روشن متحرکی در اضلاع چادر به وجود آورده بود. گویی اشباح در جنب و جوش بودند. دود هیزم و اسپند، فضا را غبارآلود و تیره کرده بود. همه از روبرو شدن با واقعه‌ای که داشت اتفاق می‌افتاد در بیم و هراس بودند. کمتر در غم سلامت مادر و بیشتر در اندیشه‌ی تولد پسر بودند.

ابروهای درهم کشیده و چشم‌های هراسان و بی‌نگاه زلیخا نشان می‌داد که از فاجعه وحشت دارد و از احتمال تولد دختر پریشان است.

نگرانی و تشویش، محیط خانه و خانواده را فرا گرفته بود. زلیخا ضعیف و ناتوان شده بود. با صدایی دردآلود ناله می‌کرد. لبهایش را بر هم می‌فشرد. پیرزن گریبان او را گشود. چفت‌های پیراهنش را باز کرد. چارقدهش را از سر گرفت. ولی مثل این که هوای کافی به ریه‌هایش نمی‌رسید. داشت خفه می‌شد. تقلا می‌کرد. دست و پا می‌زد. چاره‌ها و داروهای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیرزن اثر نمی‌کرد. حال زلیخا دم به دم سخت‌تر می‌شد. زایمان سهل و ساده نبود. مثل زایمان‌های قبلی نبود. همه‌ی دختران زلیخا را همین پیرزن گرفته بود. این بار گرهی در کار بود. کار زلیخا به بیهوشی کشید. دندان‌ش کلید شد. نه فقط دوا بلکه یک قطره آب هم از گلویش پایین نمی‌رفت. نفس‌های زلیخا با نفس اجل در هم آمیخته بود. مرگ در دو قدمی او ایستاده بود. در کشاکش نبردی تن به تن بود. زلیخا با دشمنی نامرئی گلاویز بود.

پیرزن خطر را دریافت و با صدایی که در گلویش شکست گفت: آل!

ایل در چنگ طبیعت و ماورای طبیعت گرفتار بود. گرفتار شیاطین و اجنه بود در میان اجنه، کینه توزتر از همه، جن «آل» بود. آل پیوسته در هوای ایل می‌چرخید. با ایل بیلاق و قشلاق می‌کرد. همیشه در کمین زانوهای ایل بود. مردم ایل با این دشمن خونین آشنایی دیرین داشتند. بسیاری از خانه‌ها را بی سر و سامان ساخته بود. بسیاری از مادران را به خاک سیاه سپرده بود. کودکان بسیاری را یتیم، آواره و در به در کرده بود.

آل در زمین و آسمان از هیچ چیز و هیچکس جز اسب، جز آهن و جز رنگ سیاه، ترس و واهمه نداشت. اگر اسب، آهن و رنگ سیاه نبود شاید در ایل یک مادر هم زنده نمی‌ماند.

مبارزه آغاز شد. شمشیر زنگ زده‌ای را که نوک برگشته داشت بر بالین زلیخا نهادند. مچ دست، قوزک پا و بازویش را با بند سیاه بافته از یال اسب بستند. از زنجیری چند حلقه گسستند و بر کف دستش گذاشتند. بر بسترش پارچه‌ی سیاهی کشیدند. بدن نیمه‌جان‌ش را به زحمت بلند کردند و چند بار از روی دیگ دودزده‌ی سیاهی گذراندند. با نیل و باروت و ذغال بر اعضای پیکرش خطوط سیاه کشیدند. یک لنگه‌ی ملکی را به ذغال آلوده و از طناب چادر آویختند. اسب پر سر و صدای کدخدای قبیله را با میخ محکمی در چند قدمی زلیخا بر در چادر بستند. توبره‌ی جو و کاهش را در فاصله‌ای دور از دست و دهانش نهادند تا شیهه بکشد. شیهه‌های اسب پرده‌های گوش را می‌درید. زین و برگ و دهنه و لگام اسب را دور و بر زلیخا چیدند. دهها جوال دوز بر سقف و اضلاع چادر و جوال دوز دیگری بر زلف زلیخا فرو کردند. پیرامون زلیخا را پر از اسباب و آلات آهنین کردند. میدان جنگ بود. زلیخا را در سنگری از آهن محصور ساختند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میرشکار ترک‌زبان طایفه‌ی مجاور را به کمک طلبیدند. میرشکار از مردان نادر و کمیاب عشایر بود که روزی بر دسته‌ای از اجنه پیروز گشته و گیسوی طلایی یکی از آنها را بریده بود. میرشکار با جنجال و هیاهو رسید و قشقرقی به پا کرد. در اطراف چادر زانو چندین دور اسب تاخت و تیر به هوا انداخت و فریاد برآورد: «قچ قره، قچ: برو ای سیاه، برو!»

لیکن همه‌ی تلاشها و تقلاها سودی نبخشید و دشمن به زانو در نیامد. زلیخا در کشاکش جنگی دشوار بود. بی‌هوش و بی‌حال افتاده بود. رنگ بر صورتش نمانده بود. گویی خون به سر و رویش نمی‌رسید. همه بیمناک بودند. شب پایان نداشت. هر لحظه مثل یک سال می‌گذشت. دقیقه‌ها بر سر جای خود مانده بودند. سپری نمی‌شدند. همه چشم به دهان پیرزن دوخته بودند. و او آشفته‌تر از همه، دستور بی‌رحمانه‌ی تازه‌ای صادر کرد:

ضربات سیلی بر گونه‌های زلیخا فرود آمد. چهره‌ی بیرنگش را خونین کردند. گیسوانش را با قهر و غضب به هر سو کشیدند. نیروی زنان کم بود. مرد نیرومندی به صحنه رسید و سر و صورت زلیخا را زیر ضربات سیلی‌های وحشتناک خود گرفت.

اظطراب فضا را گرفته بود. یک ذره شادی و امید در هوای دردآلود چادر نمانده بود. شیبه‌ی اسب، تیر و تفنگ، فریاد میرشکار، صدای سیلی‌ها، ضجه‌ی زنان و ناله‌ی دختران درهم آمیخته بود. صفدر خسته و فرسوده با چند تن از کسان خود در چادر همسایه کوچک‌ترین صداها و حرکات را می‌پایید. ناشکیبا و بی‌حوصله بود. آرام و قرار نداشت. چند سنگ را که در کنارش بود، جابجا می‌کرد. با ریگها و سنگریزه‌ها فال می‌گرفت. در تب و تاب بود. یک قطعه هیزم را توی اجاق زیر و رو می‌کرد. سیگارهایش تمام شده بود. ته سیگارها را می‌کشید. گاه بلند می‌شد و اسبی را که به حمایت زنش شیبه می‌کشید می‌بوسید. گاه به میرشکار که فشنگ‌هایش را مفت و مجانی به هوا می‌انداخت قربان صدقه می‌رفت و گاه دخترانش را که صدای ضربات سیلی‌ها را بر گونه‌های مادرشان می‌شنیدند و از بهت و حیرت می‌لرزیدند دل‌داری می‌داد.

ضربات سیلی‌ها بی‌اثر نماند. زلیخا اندکی به هوش آمد. دهانش را باز کرد ولی قدرت تکلم نداشت. خواست چیزی بگوید. صدایش به گوش نمی‌رسید. بین مرگ و زندگی آویزان بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عمرش به مویی بسته بود. خیس عرق شد. چشمها را گشود اما مثل اینکه جایی و کسی را نمی دید. ناگهان تکانی خورد. در نگاهش برقی درخشید. چند تشنج پشت سر هم پیکرش را به لرزه در آورد.

پیرزن که لحظه ای از کنار زلیخا دور نمی شد دست به کار بود و با دست های خون آلود و چروکیده، بدن کوچک طفل را از پیکر مادر جدا کرد. بچه را سر دست گرفت و فریاد کشید: «پسر!»

فریاد بعدی فریاد خود پسر بود. چند تن از زن ها هلهله کردند. کل زدند. صفدر خود را فریادکشان به صحنه رساند ولی مجالی برای شادمانی نیافت. زلیخا طاقت خبر به این بزرگی را نداشت. او به غم خو گرفته بود. طاقت این همه شادی را نداشت. این همه شادی برای تن ناتوانش سنگین و کمرشکن بود. چشم فرو بست و دیگر باز نکرد. کودک در پی پستان بود. چنگ انداخت و دهان گشود ولی از شیر خبری نبود. آن چشمه ی شیرین و حیات بخش خشک و خاموش شده بود.

زلیخا آسوده شد. از چنگ بیداری های پر دلهره، از چنگ خوابهای بی سروته، و از چنگ ازدهاهایی که می بلعیدند، گرگ هایی که می دریدند، سیل هایی که ویران می کردند آسوده شد. اندوهی ژرف و سیاه همه را فرا گرفت. در میان این دریای موج ژرف و سیاه تنها یک نقطه می درخشید: پسر!

از آن پس صفدر همسر نداشت ولی پسر داشت. دخترانش مادر نداشتند ولی برادر داشتند!

Al Cinni

Səfər inən ayalı, böyük bir pərişanlık və ıstırap içindəydi. Bütün ayal adamlarının arasında Zeleyxa, Səfər'ing arvadı, hərkeəstən daha da çox pərişandı. Uşağının olmasını gözləyirdi. Uzaq düşmüş bir dağın ətəğindəki baraq cəngəldə, maşın və maşın yolundan xəbərsiz və ıraq, darmansız və doktorsuz uşağının yolunu gözləyirdi. İkki canlı olduğunug doqquzuncu ayındaydı. Halsızdı, Bədəni çox ağırlaşmıştı. Gücünən nəfəs



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

çəkirdi. Gözləri görməktə və qulaqları eşitməktə gücsüz qalmıştı.

Hərəkət qorxu içindəydi. Zeleyxa varı kəstən daha da çox!

Doğum ağrısından, sancısından, ruhdan və cinlərdən qorxmurdu. Hətta taza uşaqı olan arvadın cigərinən bəslənən al cinindən bilə qorxmurdu. Ölümün qanlı pəncəsindən, əcəlin zalım çənglərindən də...

Daha böyük bir qorxusu varıdı. Bütün qorxulardan daha da böyük və daha da ağır, daha öldürücü və vəhşət verici bir qorxu!

Bir kəşə daha oğul yerinə qız uşağı olmasından əri yanında kiçik olmaktan qorxuordu. On dörd illik əvlilik və ard arda gələn yeddi qız uşağından sonra indi nöbət səkizincidəydi. Avval ki qızın adı "Gülınar"ıdı. Tək ələ bu adı özü seçmişti. Qalan qızların adı mücbürlükdən qoyulmuştu və adların seçilidəğində bir daha qız uşağı dünyaya gətirməsining yolunu bağlamak için qoyulmuştu. Kafi, Qızbəş, Gülbəş, Mahbəş, Kifayət, Döxtərbəş.

Səfdər və Zeleyxa böyük Memeseni elening dağ çəngllərində yaşayan kiçik bir qonargöçər obaydı. El oğul istirdi. El içində fəqət, oğullar əving ocağını işiq tutabilirdi. Qızı olan ataların ocağı kör sayılırdı, qızı olan anaların günləri halına qəm və qusa yeyilirdi.

El, bu qadar cəsür ana bacı yaşattığı yerdə genə də qız uşaqını həqir görürdü. El, bu qadar başı dik arvadlarınan – ərləri bir çəngdə öləndə özlərini özgə əlinə düşmək qorxusundan böyük dağlardan atan arvadlarınan – qız uşaqına miras verməzdi.

Cehiziyə vəya miras verməzdi. Arvadları kişilərin sofrasında oturdmazdı. Qızları, son zamanlarda açılan oxullara yollamazdı. Qızınan oğulu bərabər bilməzdi, qız için əvlilik esnasında başlıq pulu istərdi. Qızları sanki satırdı həm də bəzən bir qiymətə satırdı ki qızınan əri bir daha o dərədən qurtulamazdı.

Dağlar başında yaşamını sürdürən bu Lor cəmaati içərisində uşaq sözcüğünün qızlar için işlətilməsindən imtina edilirdi. Bir tək oğullar



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

obanın uşaqları sayılırdı. Minglərcə qonaqlar ya da gəlir gəçənlər Səfər'e neçə uşaq olduğunu sormuşdular, o ama üzüntü içərisində başını aşağı əyib cavap vermişdi.

– uşaq yoxum bir nəçədənə kənizim var.

Tanrı bilir, Zeleyxa neçə kəşə bu acı cümləyi ərinin ağzından eşidip ürəgi dağlanmışdı.

Zeleyxa, cigərini qan edən buqadar dərddə hələ də gözəl bir arvadıdı. Yaşı daha otuzu gəçməmişdi. Xərmən saçları həni daraq sındırırdı. Fəttan ikki gözləri ərinin eşq və ona vəfadar olduğuna bir güvənidi. Qar təkin apağ olan təninin rəngi tutuşan palit ağacı təkin qandan bəslənirdi. Üzünün rəngi qan man qar, qarışımıydı. Zeleyxa eling əng gözəl arvadlarındanıdı.

Əri ziring bir adamdı. Kəskin bir balta(Təbər) və qolu gücüynən illərə meydan oxuyan qocaman ağacları tək tək yerə sərrip cəngələng bir göşəsində kiçük bir ağıl içində lətə düzəltmişdi. Böyük kiçük(sumunu yerə basan) birnəçə mal və maş varıydı və Zeleyxa'ynan qızlarınq yardımınan özlərinə yetəcək qadar əkip biçip yaşamlarını gəçirirlərdi.

Zeleyxa'nınq qızları da özü kimin gözəlidi. Böyük bir başlıq parasına gedəcəkləri bəlliydi. İqbalları açıq görünürdü. Ama bu göynü xoşluk, o böyük dərd düşünüləndə mətələrdə fil qarşısındakı qarınca qadar kiçük qalırdı. Oğul dünyaya gətirəməmək Zeleyxa'yı dərbedər edmişdi. Xəlg içinə çıxamaz olmuştu. Analar və arvadlar içinə adı çıxmıştı, Əvliligindən on dörd il gəçtigi yerde böyük kiçük yeddi qızınq yanında bir oğul dünyaya gətirəməmişdi. Mivəsiz ağac susuz çeşməyə bəngziyirdi! Dərdi böyük, gündüzü gecə, gecəsi qar qaranlıq aysız üldüzsüz gecəydi.

Zeleyxa bir günah edmeden günahkarıdı. Muhakəmə edilmədən süçlüydü. Hər nə qadar Səfər da bu süçün ortağıysa o ataydı, kişiydi. Günahı bağışlanabilirdi. Bu günahınq Zeleyxa'nınq gücsüz çininə yüklənməsi daha uyğunudu. O arvadıdı, anaydı. Günahı bağışlanmazıdı. Aşağlamak, qınama, təənə və tahqiring tamamı ondaydı. Zeleyxa ətini dişinə almıştı və acısını



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

içinə gömməyə, bu böyük şikəncəyi tahammül etməyə təlaş edirdi. Varı bədəni bu böyük ağırlığın altında əzilmişti. Dərdinin çarəsi, arı çıxmasınının tək yolu bir oğuldu. Dərdinin sağlam bir oğul gətirmədən ayrı çarəsi olamazdı.

Başqa arvadlar, qonşular və qovumlarınin tamamında oğul varıdı. Varısı oğul dünyaya gətirmələrinin keyfini edirlərdi. Zeleyxa özgələrin oğullarını tamaşa etmədən ayrı heç bir şansı yoxudu. Qətar belə atıp tufəngli şikala gedirlərdi, gürəş tutup sopan atırlardı, qonargöçərlərin oxuluna gedip şiir oxur, tiyatr düzənləyib dəstələrdə oynanan oyunlara qatılırlardı.

Zeleyxa qam və hasrətinən oğul dünyaya gətirəməmiş bir cahal arvadı həvəsləndirən bu sahnələri tamaşa edərdi. Qarnındakınınin hərəketləndiginin hes edirdi. Ayaq çalmasının səsini eşidirdi. Elini qarnına qoyup bu səfərkinin oğul olduğunin arzulaya arzulaya ah çəkirdi. Bir oğul ki çəkdiği həsrətləri onunin için gərçəkləştirəsiydi, ayrı oğular təkin tufəng çininə atıp ata minəcəək, oğularınin oynadığı oyunlara qatılıp anasının yüzünü ağ edəcəək bir oğlan. Günü gəldiginde kəniz təkin satılacaq bir qız yerinə anadan doğma hür və cəsur bir oğul istirdi. Ayalınınin iftixar qaynağı olacak bir oğul. Əvinin indiki soğuk havasını sığaqlatacak bir oğul. Oxula gedəcəək, dərs oxuyacaq, böyüyəcəək, cahal olacak, özünə və qızlarına sahip çıxacaq bir oğul.

Zeleyxa arzusuna yetişmək için çox yola başvurmuştu. Dualar edmişti, ocaq bucaq öpmüş, qoyun quzu nazr edmişti. Hacı xocaya gedmişti, yaylaqdan qışlaqa gədməmiş imamzada qoymamıştı. Ziyarətqahlara gedmiş, dilək ağaçlarına yağlıq boğçasını parçalayıp bağlamıştı.

Zeleyxa 'nınin qızları da analarınınin dərd ortağıydı. Onlar da ümüd və gərginlik içinde uşaq yolunu gözləməktəydilər. Dünyaya gələcək qardaşları için saniyələri sayırlardı. Nənnisini (beşiğini) sallayacaq, laylay oxuyacaq, onunin için titerəyəcəək, saçlarını qoxlayıp ayağınınin altını öpəcəək, oyuncaq yapacaq, köynəginə və bərkünə müncüq dikəcəək bir qardaş istiyirlərdi!

Sıxıntılar, dərdlər işiqdən qaçqıntılırlar. Qəm və dərdin qaranlıqından



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

kohna bir yaxınlıq vardır. Zeleyxa'nın sancısı da bir gecə vaxtı başladı. Bunun xəbəri qısa zamanda el və oba arasında yayıldı. Arvadlar onun dövrünə toplandı. İçlərində əng yaşlı olanlardan biri varısından sonra ama dar o darman torbası və çir çıxını inən gəlmişdi: "Zəncəfil, filfil, üzərlik, mixək, hel, ovşum, yarpuz, qaraqurut, nabat, zac, barut, nil, qarqa ödü, tilki ödü, qaflan pəncəsi, qurt burnu, qartal dırnağı və at quyruqu inən yalı qılı...!"

Zeleyxa halsız və gücsüz qonaq çadırın içində yatağa düşmüşdü. Yataq ocağın yanında daş təkin bir yastıq, qalın bir kəçə, çizgili bir cecim, və əski bir sərbazlık pətisindən ibarət idi. Ocaqda ot vardı. Ocaqtaki alovlar və gedip gələn arvadlar, çadırdə dəyişik boyutlarda hərəkətli kölgələr meydana getirirdi. Sanki cin və ruh çadırın içində hərəkət edirdi. Üzərlik və odunun tütü çadırı qaranlıqlaşdırmış və toza boğmuştu. Hərəkəs çox narahat bir vaziyəttəydi və Zeleyxa uşağın olmasını bəklıyordu. Zeleyxa'nın başı ucunda toplananlar onun sağlıqından daha çox uşağın dərindənəydilər.

Zeleyxa'nın birbirinə girmiş qaşlarıynan günahsız gözləri, ginədən bir qız dünyaya gətirmə ihtimalından qorxtuğu bəlliydi. Ətrafındakılara yalvarır təkin baxırdı.

Qorxu çadırı və içindəkiləri sarmıştı. Zeleyxa baygın və gücsüz bir haldaydı. Dərdli bir səsinən inləməktəydi. Dudaqlarını dişliyordu. Yaşlı arvad, dügmələrini açtı yaqasını varı açtı. Boğçasını çəkib aldı. Sanki hava ağ ciğərinə yetişmirdi. Boğulacak təkinidi. Yataqın içərisində çırpınıp çabalıyordu, əlləri ayaqları çox pes titriyirdi. qarının darmanları bir işə yaramıyordu. Zeleyxa'nın halı vaxt gəçtikcə artıq da vaxim bir hala gəlirdi. Doğum, ilərki doğumlarının tərsinə heç də qolay olmayacaktı. Zeleyxa'nın varı qızlarını da bu qarı alıp göbəğini kəsmişti. Bu dəfəə işing rəngi başqaydı. Sonunda Zeleyxa özündən gəçti. Ağzı kilidləndi, darman ki heç, ağzına bir damça su dökme bilə mümkün dəğildi. Zeleyxa'nın nəfəsi sanki əcəling soğuş nəfəsinən birbirinə qarışmıştı. Ölüm iki adım



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

oyanında duraqlamıştı. Azrail inən yaxalaşmıştı. Zeleyxa sanki görünməyən bir düşməninən boğuşuyordu. Qarı bu xətəri anlayıp boğazında düqümlənən bir səsinən "Al Cinni" dedi.

El və oba doğanın(təbiəət) qucaqında hər türlü maxluqatınan iç içəydi. Ming bir türlü cinn obaya musallat olurdu. Bunların arasında əng kinəlisi "Al cinni" idi. El və obanın yaxasından əl çəkən dəyildi. Obaynan yaylaqlardan qışlaqlara qadar gəzərdi. Hər çağda el və obadakı iki canlı arvadların ətrafındaydı. El içində bu amansız düşmən qabaqdan tanılmış bir düşməni. Söndürdüğü ocaqlar, cahallıqta qara topraqa çektigi arvadlar sayı heç də az deyildi. El içində bir sürü uşaqı yetim, avara və dərbədar edmişti, bir sürü kişilərə qara köynək geydirmişti.

Al cini'nin yer üzündə at, dəmir və qara rəngdən ayrı qorxtuğu heç bir zad vəya heç bir kimsə yoxudu. Əgər bunlar olmasaydı bəlkə də el də sağ can çıxartacaq heç bir ana qalmayacaktı.

Bu insafsız maxluq inan mücadilə çox tez başladı. Məng vurmuş, ucu yamuq olmuş bir qılıcı Zeleyxa'nın yastığına bıraxtılar. Əl və ayaq biləklərinə və qollarına qara at yalından örülmüş iplər bağladılar. Bir parça zincirin bir nəçə halqasını birbirindən ayırıp Zeleyxa'nın avuclarına qoydular. Yatığına qara parça sərdilər. Yarı canlı bədəninə gücünən yerindən qaldırdıktan sonra bir neçə kəşə onu qararmış bir qazan üstündən gəcirtilər. Üzərlik, barut və zoğalınan bədəninə xətlər çəktilər. Bir cüft kələşi ocaq külünə bulayıp çadıra astılar. Oba kədxodasının tor və çamuş atını Zeleyxa'nın birneçə qədəm oyanına, çadırın dibinə (divinə) bağladılar. Arpa və samanı torbasını bağlandığı yerdən biraz oyana qoydular ki at dayanamayıp kişnəsin. Arpaya uzanamayan atın kişnəmələri qulaqları kər edirdi. Atın həgəri və gəmini Zeleyxa'nın ətrafına qoydular. Çadırın hər yerinə onlarca çuvalduz gəcirip, bir çuvaldızı da Zeleyxa'nın örülmüş zülflərinə saldılar. Zeleyxa'nın ətrafı dəmir pəmindən dolmuştu. Sanki savaşı (cəng) meydanında Zeleyxa'yı dəmirdən olan bir qaləyə qoymuşlardı.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Qaşqay Türklərinin elindən gün görmüş bir avcuyu yardıma çağırtdılar. Bu kişi Qaşqay qonargöçərləri arasında avcılığınan başını ağartmış biri idi, bir gün bir sürü cinni darma dağın edmişti içlərindən birinin sarı zülfünü kəsməyi başara bilmişti.

Avcu hababaqınan varı ortalıqı ayaqa qaldırdı. Zeleyxa'nın çadırı ətrafından atınan çapır bir yandan havaya tufəng atır bir yandan da "qaç qara qaç! qaç qara qaç!" diyə səsi çıxtığıças bağırdı. Ama varı bu uğraşlar bir işə yaramadı, bu amansız düşmən heç geri oturan dəyildi. Zeleyxa ölümünən göz gözəydi. Baygın və halsız yataqa düşmüş, üzünün rəngi ələ qaçmıştı ki görünə üzünə qan gəlmiyor deyirdi. Hər kəs qorxu içindəydi. Gecə səhər olmalı dəyildi, hər saniyəsi bir il gəçirdi. Dəqiqələr durmuş, gəçmək bilmirdi. Hər kəs gözünü qarına dikmişti, hər kəstən artıq pərişan olan o qarı da, ürək dağlayan son əmrini verdi.

Zeleyxa'nın üzünə şapalaqlar vurulmaya başladı. Rəngi qaçmış üzü ginədən qanadı. Hər tərəftən zülf və saçını çəkilər. Arvadların gücü azıdı. Gücü quvvəti yerində olan bir kişi işing başına gəçip arvada bir bir ardına mühkəm şapalaqlar vurdu.

Ortamı bir qorxu və vəhşət qaplamıştı. Çadırın toz və tütlü qaranlıq ortamında bir zərrə ümüd qalmamıştı. Atın kişnəmələri, tufənging səsi, avcunun bağırdıkları, şapalaqlar səsi və arvad, qızların çığırtdıkları bir birinə qarışmıştı. Dizlərində can qalmayan Səfdər qovumlarından bir neçə kişi inən birlikdə qonşu çadırdə oturmıştı, əng kombuca səse, hərəkə diqqət edirdi. Sabırsızdı, yerində durabilirdi ingar tikan üstünə oturmıştı, başında od yanırıdı. Yanındaki dörd beş ufaq daşı qurdalayır onları oynuyor, daşları fal çəkirdi. Ürəği qopur uçuyordu. Ocaqtaki odunları qurcalıyordu. Gah ayaqlanıp arvadının yardımını için kişnəyən atı öpüyor gah fişəngini tavəqosuz atan avcuya qorban sədəqə olup onun gönlünü xoş etməyə çalışıyor gah da anaların üzünə dəyən şapalaqları işitip qorxu və qayğıya qapılan qızlarına ürək verirdi.

O qadar şapalaq boşa gədmədi. Zeleyxa biraz özünə gəldi. Ağzını açtı ama



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

danışacaq gücü yoxudu. Bir zad demək istedi ama səsi eşidilmirdi. Ölüm inən yaşam arasına asılıydı. Yaşamı bir qıla bağlıydı. çırp suya batmıştı. Göz açıq olsa da heç bir zadı göremiyordu. Birdən qumıldadı, baxışlarında bir pırıltı bəlirdi. Bütün bədənini birbir ardına şiddetinən titrəmə və ısıtmalar aldı.

Bir saniyə bilə Zeleyxa'nın yanından ayrılmayan qarı, əli işindəydi. Sonunda bizilmiş və qanlı əllərinən bəbəyi anadan çıxarttı. Uşaqı əl üstünə almasıyan haygələni bir oldu. "Oğuldur, Oğul!"

Çadırda eşidilən bir sonrakı haygələni uşağın ağlamasıydı. Arvadlar bir neçə kil çəkilər. Səfdər bağıra bağıra özünü içəri attı ama səvinəcək məcalı qalmamıştı. Zeleyxa'nın da illərdir həsrətini çəkdiyi bu xəbəri hes etmə şansı yoxudu. Nəfəsi kəsilmişti. Dağlarças dərd çəkmiş olan Zeleyxa beləkin bir xəbər üçün darmanı yoxudu. Ətrafındakı varı bu səvinç, yorunaq düşən canı için ağırıdı. Gözlərini yumdu və bir daha açmadı. Oğlu döşü üstündəydi, əlini atıp ağzını açtı ama süddən əsər yoxudu. Hayat bağışlayan o dadlı çeşmə həmişə için qurumuştu... .

Zeleyxa qurtuldu. İztırab və qorxu içində uyxusuz gəcən gecələrin, bəlli bəllirsiz kabusların, özünü darmadağın edən canavarlar və əjdahaların, hər zaman onu vil etməyən qurtların, yox edən seyllərin əlindən qurtuldu. Dərin (Gum) bir qəm hərəkəsi tuttu. Bu dalqalı, qara çalan qəm dənizinin içində yalnızca parlayan(pırıllayan) bir nöqtə vardıdı. Oğul!

Və ondan sonra Safdering arvadı yoxudu ama oğlu vardı... Qızların Anası yoxudu ama qardaşları vardı!



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

داستان دوم

« از دیاری که آمده بودم» اثر وحید معینی فر ، برگرفته از رمان بانو

ما گرسنه بودیم، و از گرسنگی امان آواره. از کوهستان می آمدیم. نمی دانستیم باید کجا برویم. به خاطر غذا آواره شده بودیم. گاهی پرواز می کردیم. آنموقع وقتی بود که بهار، درناها را در آسمان می دیدیم. کوهستان دیگر امن نبود. در دشتستان اردوگاه هایی زده بودند که مردمانی از هر ملت در آن ساکن بودند. ما به آنها دشتستانی ها می گفتیم. با اینکه از آنها وحشت داشتیم ناچار بودیم از کوهستانها سرازیر شویم و دشتستانی شویم. در دشت کسی فریادمان را تکرار نمی کرد. فریاد بلندمان در دشت پهناور خفه می شد و گوش ها ما را نمی شنید. کوهستان تکرار می کرد. هر چیزی را تکرار می کرد و ما تکرار فریادمان را می شنیدیم. این بود معنی اتحاد ما: زندگی در دیاری که از آن آمده بودیم.

آن روز در دشت محشر بود. دشتستانی ها غوغا می کردند. همه جا لباس رنگی بود. همه می رقصیدند. گاهی هم تفنگی شلیک می شد. من انتخاب شده بودم. من برگزیده بودم. کسی که باید قربانی این همه شادی می شد من بودم. من بزغاله بودم. آنها گوشت مرا می خوردند و خونم را می گفتند خاصیت جادویی دارد و به ماشین سفید گل کاری شده می مالیدند تا مایه ی خیر و برکت باشم. نمی دانستم چرا خون من باید اینقدر مفید باشد.

لحظه ی موعود به همراه من، به میدان آمد. صدای ساز تندتر و تندتر می شد. همه دور او با لباس های رنگی می رقصیدند. یکی از دشتستانی های تنومند مرا از زمین بلند کرد و بالای سرش گرفت و به میان جمع رفت. شادی ها لحظه به لحظه بیشتر می شد و اضطراب من شدیدتر. داشتم خفه می شدم. دائم روی دست آن دشتستانی بالا و پایین می رفتم. آن دشتستانی ها برای کشتن من تدارکات زیادی دیده بودند و صدها نفر از آنها برای خوردن گوشت من شادی می کردند. نمی دانستم اینقدر مهم هستم. اما در دشتستان مهم شدم .

دشتستانی ها بسیار عجیب بودند. یکی هم بود که چیزی روی کولش داشت و دائم آن را به سوی من و بقیه می گرفت تا به حال آن چیز عجیب را ندیده بودم. اما می دانستم هرچه بود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نمی‌توانست مانع کشته شدن من شود. لحظه‌ای بعدتر کسی از ماشین سفید پیاده شد و دیگری را از آن پیاده کرد. آنموقع مرا زمین گذاشتند و اندکی بعد سردی چاقوی آن دشتستانی را روی گلویم حس کردم. چشمانم را بستم و منتظر درد خون ریزی شدم. اما خبری نشد. یکی از جمع فریاد زد: «عروس ضامن شده که بزغاله را نکشیم. جلو دوربین بزغاله را نکشید. او را آن پشت قربانی کنید.» و من تازه آنموقع فهمیدم آن چیز روی کول آن دشتستانی دوربین است و هم اوست که نگذاشت من قربانی شوم. او قدرت عجیبی داشت و دشتستانی‌ها با آن همه قدرتی که داشتند از او می‌ترسیدند و مرا تا وقتی او بود نمی‌کشتند. خیالم راحت بود. تا وقتی دوربین به من نگاه می‌کرد من ایمن بودم. اما این هم زیاد طول نکشید. چندتا از دشتستانی‌ها دوربین را فریب دادند و او نگاهش را بقیه‌ی دشتستانی‌ها دوخت که داشتند برای او می‌رقصیدند. لحظه‌ای احساس کردم از دوربین دور می‌شوم. هرچه تلاش کردم خودم را از دست آن دشتستانی‌ها نجات دهم و به دوربین برسم موفق نشدم. صداها کم کم فروکش می‌کرد و از دوربین هم خبری نبود. حتی احساس کردم دشتستانی‌ها او را فریب داده‌اند و او را هم کشته‌اند. باز سردی خفه‌کننده‌ی چاقو را احساس کردم. به دور و برم نگاه کردم. هیچ خبری از دوربین نبود. حتی در آسمان هم نبود. در همین فکر بودم که تمام وجودم پر شد از سردی همان چاقو. بدنم سرد سرد شده بود و خبری از خون گرم نبود. من قربانی شده بودم.

Gəldigim Diyar

Biz acıdıq və aclığımızdan avare. Dağlardan gəlirdik. Haraya gedəcəgimizi de bilmirdik. Yemək için avare olmuştuk. Bir para vaqtlar göylərdə uçuşurduk. O zaman dornaları göydə gördüğümüz zamanıdı. Dağ daha güvenli deyilidi. Dəştəstan'da ordugahlar qurmuşlardı ki hər ulustan xalk o ordugahlarda yaşıyordu. Biz onlara "Dəştəstanlılər" deyirdik. Onlardan qorxtugumuza rəğmən dağlardan inip ve Dəştəstanlı olmaqta məcbürüdük. Dəştəstan'da kimsə fəryadımızı tekrar edmiyordu.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Ücə səsimiz geniş Dəştəstan'da boğulurdu. Qolaqlar bizi eşidmirdi. Dağ tekrar edirdi. Hər zadı tekrar edirdi, və biz səsimizing tekrarını eşidirdik. Buydu bizim birligimizin sırrı. İndigimiz diyarda yaşamak!

O gün Dəştəstan'da məhşər qopmuştu. Hər kəs şadlıq edirdi. Hər tarafta rəngarəng lebaslar varıdı. Hər kəs oynuyordu. Birden de bir tufəng atılırdı. Mən seçilmişim. O şadlıklar için mən seçilmişim. Mən seçkindim. Bu mutlulugun və qutlulugun qurbanısı mənidim. Mən gəciydim. Onlar mənim ətimi yeyip qırmızı qanımı "Sihirli özeliği var" deyirlərđi. Və qırmızı qanımı qırmızı güllər asılmış ağ maşına "Xeyr və bərəkəti var" deyip sürtürlerđi. Mən ancaq qırmızı qanımın nəçin bu qadar faydası var bilmədim.

Vəədə anı mənim inən bərabər meydana gəldi. Saz ritmi tünd və daha tünd oldu. Qırmızı olan ağ maşın da meydana gəldi. Hər kəs onun ətrafında rəngarəng lebaslarıman oynuyordu. Güclü Dəştəstanlıların biri məni yerden qovzayıp başının üstünə aldı və toplumun içine girdi. Mutluluk arttı mənim de iztirabım arttı. Boğulurdum. Mudam Dəştəstanlıların ellerinin üstündə yuxarı aşağı atılırdım. Dəştəstanlılar məni öldürmək için çox tədarokat görmüşlərđi və yüzlərəcə adam mənim etimi yemek için şadlıq edirdi. Buqadar mühüm olduğumu bilmiyordum. Dəştəstan'da ama mühüm oldum.

Dəştəstanlılar acayıp xəlkidilər. Birisi de vardı ki bir zad şinine qoyup ve mudam onu mən və başqa kəslərin tarafına tuturdu. Mən o ləhzəyəngcəz o əcib zadı görmemişim. Ama biliyordum ne olursa olsun o qiyaməttə mənim dirri can çaxadığıma səbeb olamaz. Biraz sonra biri qırmızı olan ağ maşından inip başqasını indirdi. Məni başına alan Dəştəstanlı o anda məni yerə indirdiginde soğuc bir pıçağın boğazıma indigini hisettim. Gözlerimi yumup qanadığımın derdini yol gözlədim. Ancaq bir zad olmadı. Biri toplumdan bağırıp "Gəlin gəciyi öldürməməyə zamen oldu... ." dedi. Birisi daha yavaş səs inən "



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

durbin'nin colovunda* başını kəsməyinc. Arxada kəsing.” dedi. Mən o anda anladım ki o Dəştəstanlının çininde olan “Durbin”dir. Və hələ oydu ki qoymadı məni öldürərlər. O sihirli bir gücü varıdı və hətta Dəştəstanlılar ki o qadar gücləri varıdı ondan qorxurlardı və məni o olduguna qadar öldürebilmirlərıdı. Ta Durbin mənə baxırdı mən də özümü imen hisedirdim. Ama bu baxış çox uzatılmadı. Bir neçə Dəştəstanlı onu aldatıp yüzünü onlar tarafına döndürttülər. Dəştəstanlılar Durbin için rəqs edirlərıdı və o gözlerini onlara tikirdi. Bir an özümü Durbin'dən uzaq olmamı hiseddim. Ne qadar çabaladım özümü onlardan qurtaramayıp Durbinə yetişemedim... . Meydandan çıxtım. Səslər yattı və Durbindən də bir daha xəbər olmadı. Hətta öyle (elə) düşündüm ki Dəştəstanlılar onu da aldatıp öldürdülər.

Ginə bir pıçağın böğütürən soğuşunu boğazımda heseddim. Ətrafıma baxtım. Heç bir xəbər Durbindən yoxudu. Hətta göyde də yoxudu. Durbinə düşünürdüm ki tam bədənim o pıçağın soğuşından doldu. Bədənim soğuşlandı və sıcaq qırmızı qanımdan da bir əsər qalmadı. Mən dünyadan çıxıp qurban oldum.

پایان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly